شفق

SHAFAQ

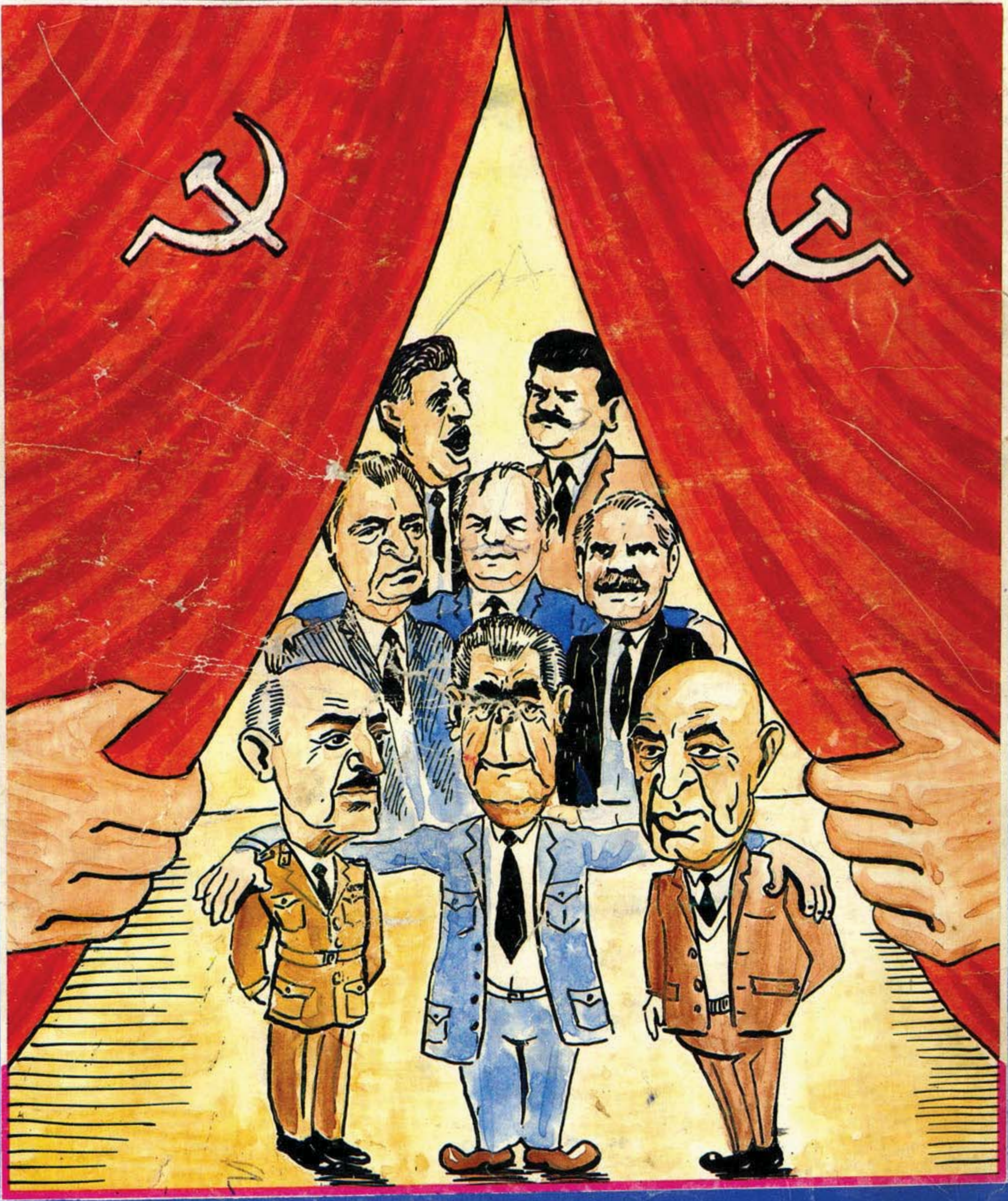

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا

شفق

ارگان نشراتی حزب اسلامی افغانستان کمیسون ارشاد فرهنگ

سال تاسیس ۱۳۵۹ هـ ش

دوردوم ـ سال پنجم ـ شماره‌ٔ دوم ـ برج سنبله ـ سال ۱۳۶۸ هـ ش

مدیرمسؤول : محمدمعروف " فروغگر "

معاون : " خرم "

فهرست

پیام شفق

۱ ـ دورورحکمتیار دوروستنی پیغام بشپرمتن .

۲ ـ توطئهٔ بزرگ ، مشت پولادین .

۳ ـ زموږملت په دوجبهوکی .

۴ ـ مقامات ایرانی ! چرا برپاکستان ومجاهدین برافروخته اید ؟

۵ ـ دافغانستان شخړه اوظاهرشاه بیرته راتګ .

۶ ـ ایران ، ناسیونالیزم وانقلاب .

۷ ـ جنوبی افریقا : دانسانیت پرلمن توردا غ .

۸ ـ تصاویرهمسایگان درآیینهٔ یازده سال جهادومقاومت .

۹ ـ نامهٔ قوماندانان تنظیمهای جهادی ولایت فاریاب بعنوانی حکومت موقت .

۱۰ ـ دکمونیزم پیدایښت .

۱۱ ـ دمی باحافظ

۱۲ ـ دتوری شپی مسافر .

۱۳ ـ شعروادب ....

۱۴ ـ مصاحبه‌ها .

۱۵ ـ افغانستان په‌تیره عیسوی میاشت‌کی

۱۶ ـ فقهی درسونه .

۱۷ ـ ددین احیاء اوتجدید .

۱۸ ـ جدول ....

۱۹ ـ معرفی مختصرشهدای راه‌حق .

مکاتباتی پته : پوست بکس نمبر (۱۰۲۸)

یونیورستی ټاون ـ پېښور ـ پاکستان

د شفق مجلې مدیریت .

PROPERTY OF ACKU

پیغام شفق

انتخابات یگانه

راه نجات

بدیهی است که هر انقلاب و هر نهضت و جنبش جهت تحقق یک هدف بزرگ بمیان می آید و به کار و پیکار رش آغاز میکند یا به عباره دیگر بوجود آمدن نظم سیاسی مستلزم دیگرگونی وضع حاکم بر یک جامعه و دیگرگونی مقدمه یی است برای احراز قدرت سیاسی آن نظم و تشکیل حکومت در کشور یا جامعه. انقلاب اسلامی افغانستان که همهٔ اقشار ملت، هر یک به نوبه خودش و در خور استعداد فکری و جنگی منوط بخودش در آن سهیم بوده است، انقلابی است که از این فرضیه واقع شده مستثنی شده نمیتواند، انگیزه این انقلاب عقیدهٔ ناب و سرهٔ اسلامی است که بر ضد انواع کفر و ظلم و استبداد، چه شرقی باشد و چه غربی، مردم مؤمن این سر زمین را بقیام وا داشته است، اگر چنین میبود که بعد از شوریدن این انگیزهٔ رهبری و قیادت سالمی وجود میداشت و یا در بین قیادت سالم رخنه اندازی نمیشد و دست های غرض آلود و کثیف استعمار بسویش دراز نمیشد و آن را پارچه پارچه نمیکرد، مرحلهٔ دوم تشکل ملت که مسالهٔ رهبری است نیز طبق خواستهٔ های انقلاب اسلامی بسر میرسید و جنگ منظمی که خواست و برخاسته از جهانبینی اسلامی است غیر منظم و شامل عالم بی سروسامانی نمی گردید، و بعد از طی این مرحله که مرحله رهبری است مرحله سوم یعنی مرحلهٔ جهاد و سرکوبی طاغوت آغاز مییافت، واضح است که پیروزی انقلاب اسلامی این همه مراحل بزرگ و دشوار را نمی پیمود و نه آن قدر بر دردها و زخم های ملت مؤمن و مجاهد ما افزوده میشد.

بناءً موجودیت این همه خلاها و کمبودی ها بود که قیام ملت مؤمن و مجاهد ما را ضربه پذیر ساخت و سازندهٔ زمینه یی شد که استعمار جهانی از هر گوشه جهان در جهت تشکل ما و چگونگی آن نظر بدهد و برای تحقق آن، مزدورکهای ابرو باخته اش را استخدام نماید، در واقع ما بودیم که سنگ چند راهگی را بر سر خود و ملت خود کوفتیم، واضح است که تخریب و تشویش مرکز اعصاب، دیوانگی و یا اقلا هذیان گویی را ببار می آورد و اضافه بر این بر سر راه تدبیر و تصمیم و عمل سنگ اندازی میکند و موانعی را ایجاد می نماید که تحقق هدف را یکسره سعی میکند.

معمول چنین است که نهضتها با گذشت زمان نضج میگیرند، پخته میشوند، تجارب و اندوخته ها یی می اندوزند و بسوی تشکل وحدت و یکپارچگی با برداشتن گامهای سریع به پیش میروند تا به هدف و مطلوب برسند، ولی بر عکس، بر نهضت مقاومت ما که روزی میگذرد عقب گرایی اش از هدف سریع میشود تحزب بیداد میکند، جنگهای جاهلی اوج میگیرد، راه ها متعدد میشوند، نظریات متفاوت و احتمال تصادمهای خانه براندازی زیاده میگردد، توقعات استعمار افزونی می یابد و گماشته گان آن دو برابر تیزتر و سرگرمتر و عاملتر !!!

ملت میپرسد، ملتی میپرسد که در گرداب پریشانی ها تا به گلو غرق است، آینده اش را چون توپی می بیند که در گیر مسابقه- گران فوتبال است، گاهی با یک پیش پایی تصادم میکند و گاهی با پیشپایی

دیگر، جال ودایره‌ء (گول) خیلی تنگ ومحدود است واز طرفی مسابقه‌گران تکنیک گول را نمیدانند ویا استعداد (گول) را ندارند، آینده خیلی تاریک است ونتیجه گنگ ومبهم:

به پیری هم‌ندانستیم افسوس
که دنیا بازی طفلانه‌ء کیست

ملت میپرسد که آخر راه نجات ما از چنگ عفریت استعمار کدام راهی خواهد بود؟ آخر شما را چه شده است که با چندپارچگی تان هر روز زمینه نفوذ دشمنان واقعی اسلام را در دست آوردهای انقلاب اسلامی مساعد میسازید وثمره‌ء رسیده این انقلاب را دودسته در طبق اخلاص به استکبار جهانی پیشکش میکنید؟

کشمکشهای اخیری که در بین تنظیمهای اسلامی به نظر میخورد دوکوره‌ء مطبوعات دشمن را در شرق وغرب گرم نگهداشته است، خالی از دست درازی دشمنان این انقلاب نیست، بدیهی است که کسی از تجزیه افغانستان صحبت میکند!
کسی از حقوق هزاره وافغان واز بک وتاجیک!!
کسی از آمدن ظاهرشاه تبصره میکند،
وکسی در سرکوبی وی مصروف است!
عده‌یی درین میان سربریده حکومت موقت اسلامی را تایید میکند.
وگروهی مصروف تضعیف آن اند.
یک تنظیم درجان تنظیم دیگر افتیده است وهیاهوی وغوغای عجیبی فضای نهضت فکری واستراتیژیکی مقاومت را پرکرده است.... از طرف دیگر دشمنان عنصری انقلاب ودر پهلوی ایشان دشمنان بظاهر دوست، که در ظاهر سنگ اسلام دوستی و اسلام خواهی را برسینه میکوبند ولی در باطن با استعمار سرخ روسیه وبا صیهونیزم جهانی دوستی همه‌جانبه دارند، تبلیغاتی را علیه انقلاب اسلامی به راه انداخته اند که گویا در افغانستان مجاهد نیست قیادت نیست، رهبری نیست، این قوم یک قوم چندین عشیره‌ء وحشی وبی فرهنگ است ومعمولا" کار این ملت دزدی وراه‌زنی است، میشود در صورت عادی شدن اوضاع نجیب را پشتیبانی کرد... این ملت استعداد آن را ندارد که بدون مداخله‌ء ابرقدرتها امور سیاسی افغانستان را تنظیم ورهبری کند....

در این میان هدف اصلی یی که جهت حصول آن این همه قربانی ها را دادیم درطاق نسیان گذاشته میشود، وسرانجام وقوع توطئه‌یی را صددرصد یقینی میکند که کمال مراد استکبار جهانی وعناصر فرصت طلب است، راست باید اندیشید که درین کشمکش بزرگ، ملت افغانستان راهش را چگونه تعیین خواهد کرد، آیا در عقب این پردهٔ ضخیم وسیاه دست توطئه‌گر استعمار ورفقای جیره‌خوار آن چه در لباس دوست وچه درلباس دشمن کار نمیکند؟ آیا خودبزرگبینان وتوسعه جویان جاه طلب وجاهل درصدد انتقام از ملت مجاهد افغانستان نیستند؟ آیا این سیاهکاران بی ایمان در صدد تکرار معکوس تاریخ نیستند؟ آیا جرمی را که روس جهانخوار در قسمت مردم ومیهن ما مرتکب شده است با جرمی که این ها در قسمت قضیهٔ ما مرتکب میشوند تفاوتی داشته خواهد بود؟ (هرگز).

این ارواح خبیثه همه درصدد آن اند که ملت ما غلام باقی بماند، ورنه قیام واستحکام نظام اسلامی در افغانستان برکتاب ضخیم هندسی عظمت طلبی توسعه جویان کوردل وابرقدرتهای شیطانی خط بطلان خواهد کشید وآنگاه بوق مزورانه این مدعیان کاذب عدالت اجتماعی رونقی نخواهد داشت.

با درنظرداشت این موانع این پرابلم های بزرگی که برسر آزادی کشور وقیام نظام صددرصد اسلامی در افغانستان خلق شده است که میشود، خواستار آن است که دیگر از خواب گران غفلت وبی خبری بیدار شویم وکلاه غرور وجاه طلبی مان را درگوشه‌یی بگذاریم، بخود آییم ودر تتبع وجستجوی آن، همه عللی برآییم که چندین ایحاد کدبسته تنظیمهای جهادی ما را برهم زده وعلل بوجود آمدن حکومت فعلی موقت، اسلامی، گرایشها وعقب گراییهایی که بعد از تشکیل این حکومت بوجود آمد، را وآینده‌ء این حکومت را بطور بی طرفانه بررسی کنیم وسرانجام به یک پایان وقرار وفیصله‌ء منطقی یی برسیم که مشکلات ما را حل میکند وبطور یک دست آویز محکمی نیازمندی های ما را درسطح ملی وبین المللی رفع میسازد..

البته همه میدانند که این مساءله تعیین سرنوشت یک ملت بیست ملیونی است.

ملتی که از هرنوع نعمتهای زندگی دورنگهداشته شده است ودر قرن اتوم یک چهارم نفوس آن در مغاره ها زندگی می کنند ودستگاه های دوزخی عیاش، بی لگام، فسادپیشه، بی دین وخودسر گذشته که همه درد ما ان خانواده فاسد نادری تربیت وپرورش یافته اند، بر آن هرگونه ظلم واستبداد را روا داشته است، ملتی که ملتهای هم سن آزادی اش چون "جاپان" قدرت بزرگ سیاسی واقتصادی، درجهان است.

بلی! قضیه تعیین سرنوشت این گونه ملت کار سهل وآسان نیست ونه احتمال آن میرود که به ریسمان کشی وشتکپدی ارباب قدرت انجام یابد واگر چنان میبود دوعصیان این ملت با تمام جبروتش ظلم واستبداد را سرنگون نمیکرد وهمه منافذ خودخواهی وتجزیه طلبی را مسدود نمیکرد، حال افغانستان به چندبخش تجزیه میشد.

این مساءله مساله‌یی نیست که به لشکرکشی برجبهات مجاهدین وجبهه‌گیری نامقدس چندتا تنظیم دربرابر تنظیمی و چندتنظیم دیگری وبرابر کردن مواد برای سرویس های تبلیغاتی شرق، حل وفصل شود....
ونه قضیه‌یی است که به سازش چندتا تنظیم با استعمار ویا یکی از آن ها به انجام منطقی خود برسد.

همچنان این مساءله مساءله‌یی نیست که با مطرح ساختن نفاق ملی ونفاق مذهبی آن را تا منزل مقصود رساندو نه تلاشهای منافقانه‌ء کبهی جایی را میگیرد اگر دشمنان انقلاب اسلامی تصور کرده باشند که بخشی از افغانستان را در کشور خود ضم کنند وبا بسگیری چندتا مزدور بی رنگ وبی ننگ شان این خواب شیرین شان را به حقیقت تبدیل کنند. با علت از طبیعت این ملت خود را با سرنوشتی مواجه خواهند یافت که روسیه جهانخوار با آن مواجه شد...

به همین ترتیب حل قضیه‌ء افغانستان وبه سر رسانیدن کاروان مجاهدتها به منزل مقصود عملی نیست که فقط به یک جست سیاسی توأم مرموز آمیز یک سیاستمدار خشک وسازشکار وکهنه‌باز، با تشکیل حکومت صددرصد اسلامی حساسیت فوق العاده‌یی دارد به یکطرفه شود واین جست فیزی موصوف قناعت بیست ملیون افراد رزمنده مؤمن ومجاهد آگاه مردم افغانستان دوستان نادان وخوشباور ما که اقدرت ومدال مقبولیت را فقط با بستن یک سلاح کمری یا تفنگچه به نمایش میگذارند وفقط خود را قناعت چه که فریب میدهند. فریب خورده اند که رهبر یک تنظیم بنیادی را که نمیتوان درهیچ گوشه‌یی از گوشه های اوضاع سیاسی واجتماعی افغانستان

ازآن چشم پوشی نمود، درحالی تروریست میگویندکه شرق وغرب ازنامش جام میماندوتوطیه‌های خصمانه این دوغول استعماری ودشمنان درجه‌یک اسلام و مسلمانان درجهت تروروی ازهیچ کسی پوشیده نیست، وهم چنان شرق وغرب نیز درآن ایام تنظیم مربوط آن رهبر را، کمافی السابق ولی بالهجهٔ خیلی تندموردهجوم قرارمیدهد.

مانندا ین نا.عاقبت اندیش وموشهای سیاسی دیگربه‌امیدخاتمهٔ این تنظیم واین رهبرازهیچگونه حملات ناجوانمردانه شان دریغ نورزیدند، بالاخص وقتی که چون هزاران واقعه دیگرکشوریک تصادم خونینی درفرخارولایت تخاربوقوع‌پیوست تواٴم باپیش آمداین واقعه موجی درفضای سیاسی انقلاب اسلامی افغانستان نمودارشدکه‌گرمی وتسریع. وتوفانی بودن آن چنان وانمودمیکرد که‌این تبلیغات پشاوری وانعکاسات صدای امریکاورادیوبی بی سی ورادیو تهران، رادیوماسکوورادیوکابل، همین اکنون قضیهٔ انقلاب راحل وفصل میکنند، حکومت موقت، اسلامی افغانستان بادرنظرداشت حساسیت موضوع تشکیل وفدی برای حل وفصل قضیه ونشاندهی مجرم جهت اعزام به جبهات فرخارتعیین نمود، مابه‌این امیدکه‌شایداین موضوع بخیرمسلمانان تمام شودویک فاکتورداغ‌سلبی‌انقلاب‌اسلامی رابه‌ایجابی مبدل نمایدوتاسرحدی قیام حکومت اسلامی جنگهای تنظیمی راخاتمه بخشد، ولی این همه‌آوازه‌ها وتبلیغات وروابط سفارتی و... وقتی سردشدکه عملا" یک جبههٔ کاملا" عینا رو مسلح تنظیم مقابل بادستگیری قوماندانان وخلع سلاح چندگروپ آن، بعدازچند هفته جنگ ومحاصره، بپایان رسیدومقصد مدعی حاصل شد، دیگرنه حکومت عدل بودونه‌وفدووزارت عدل، نه فیصله‌یی بودونه‌آوازه‌یی، این‌رامیگویند تصمیم اسلامی تدبیراسلامی وجهانبینی اسلامی وهمینهااندوارثان برحق انقلاب اسلامی .... آیا میتوان باچنین شعبده بازیهای خون ریزکه‌ازهرحرکت آن خون ده‌ها مسلمان برزمین میریزدقضیهٔ انقلاب اسلامی را صبغهٔ حقانیت داد وآن رادرپایان کاربشکل حکومت اسلامی به مردم رنجدیدهٔ افغانستان پیشکش‌کرد..

اگراین عملکردهای کودکانه‌را تعیین سرنوشت بیست ملیون نفوس مردم افغانستان بنامیم، واقعا" روی اغراض شوم شاشجاع راسفیدکرده‌خواهیم‌بود درغیرآن بخاطررضا وغضب خدای قهار نه‌فردادرغضب اوگرفتارشویدوملت نیز درآتش عصیان شمانسوزدراهی راهرچه زودترتلاش کنیدکه دردهای یازده‌ساله ملت‌مجاهدورنجدیدهٔ ما رادرمان کندو کاروان منزل زدهٔ انقلاب به منزل تحقق وقیام حکومت اسلامی درافغانستان برسد وفضای کشوررابجای دودنفرت رایحهٔ دل انگیزاخوت، محبت، برادری وروا داری پرکند دیگرزمان اختلاف گذشت، اکنون نوبت آن رسیده‌است که چشم توقع ازدوستان ودشمنان نداشته باشیم، می بینیدکه دوستان ماهرروز ازمافاصله میگیرندودشمن که‌دشمن است ... هیچ کاری بصورت تنهایی پیشرفته نمیتواندبهتراست همهٔ خامی ها، خیالات کودکانه، عملکردهای فراسکیون بازی وجاه‌طلبی راکنارگذاریم وازیک یخن سربیرون کنیم ودرباره‌آیندهٔ خودو نجات ملتخوددلسوزانه خردمندانه و قایدانه بیندیشیم ....

برای رفع این همه‌نزاعها، راه‌معقولی که‌موجوداست همانا انتخابات است، انتخابات همه‌زدوبندهای دشمن و دوست بظاهردوست ودرباطن دشمن ملت مسلمان افغانستان راباخاک یکسان می کندوقناعت قاطبهٔ ملت رافراهم‌میسازد وازبوجودآمدن حکومتهای استدادی خاندانی وسالارشاهی وکودتایی ازبرای همیشه‌جلوگیری مینماید.

بعضی ها استدلال میکنندکه‌جنگ است درشرایط جنگ این کارمحال به‌نظر میرسد، عقیده‌ما این است که‌اگرشما خواسته باشیدهمه‌چیزدرست میشود، آخر درمناطق مختلف افغانستان قوماندان هایی هستندکه باتنظیم‌های شما ارتباط دارندوازشما مستقیما" قومانده‌وهدایت ودستورمیگیرند، اگرشماخواسته‌باشیدو درراه‌انتخابات سنگ اندازی نکنید قوماندان هیچگاه ازفرمان شماسرپیچی نمیکند، ودرغیرآن دراین زمینه‌استدلال کاملا"خود غرضانه وکودکانه است‌استدلال خود غرضانه‌یی که بوی جاهلیت ازآن بمشام می آید، واضح است که‌جاهلیت دردهای ما رادواکرده نمیتوانند، واگرانتخابات رانفی میکنیدراه‌معقولی دیگری را پیشنهادکنیدکه‌طرف قناعت ملت واقع شود، ورنه‌دست به‌الاشه‌نشستن معنی انتظارمرگ رادارد، بیاییدقبل از آن که‌به‌مرگ ننگین بمیریم خودراآماده آن سازیم که درراه وحدت امت قربانی شویم وهمین است راه‌نجات ما.

د ورور حکمتیار پیغام

بسم الله الرحمن الرحیم

د روسانو تر ماتي او شکست وروسته اوس امریکا غواړي خپل نجیب په افغان ولس تحمیل کړي او په افغانستان کې د روسانو خالي ځای ډک کړي، زموږ پر مسلمان ولس باندي د ظاهرشاه د تپلو لپاره د امریکا حکومت له ننګینو او شرمناکو سازشونو کار اخلي

په افغانستان تحمیلول او تردي نه هم په سترو سترو ناجائزو اعمالو لاس پوري کولو ته چمتو ده

موږ همیشه داویل چې د امریکا په حکومت اعتماد کول حماقت دی، د امریکا حکومتونو تل خپل دوستان د خپلو مصالحو لپاره قرباني کړي دي، د هغوی په سرئی سوداکړي

والره خساره ئی ومنله د تولی دنیا له خوا ئی تعرض وغندل شو خوله دی سره سره هغوی خپل دوستان یواځي پرینښودل، فقط د دې لپاره چې دیوه داسې ډولګی له حمایت نه ئی لاس وانه اخیست چې د بقا هیڅ چانس نه لري، ترڅو په تاریخ کې د دوستانو د یواځې پرېښودلو

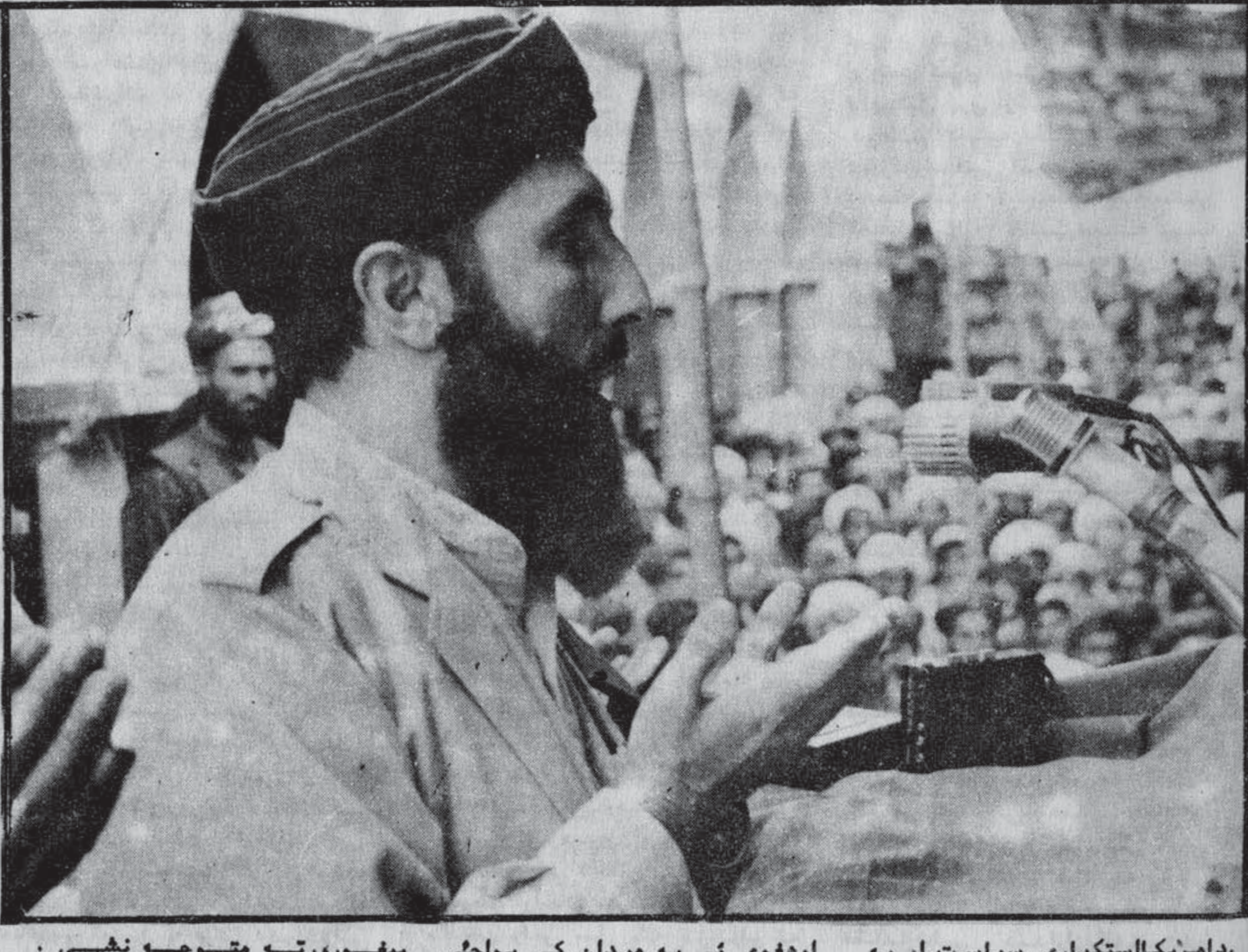

. د امریکا استکباري سیاست او په هغه ملک کې داوږدې مودې لپاره اسلام د ښمنه هلې ځلې د دې باعث شوې چې په افغانستان کې د مجاهدینو د حکومت د مخنیوي لپاره امریکا هرڅه ته تیاره ده، د افغانستان په کورنیو چارو کې بې شرمانه مداخله، د افغان ولس په مبارزه او وینو سودا او له روس سره سازش، د مسکو په توافق د خپل خوښې رژیم

او هغوی ئی په میدان کې یواځې پرې ایښې دي که افغان مجاهدینو په امریکا تکیه کړې وای، لا ډېر د مخه به په مسکو خرڅ شوي وو.

په داسې حال کې چې مسکو له خپلو دوستانو نه د حمائې لپاره افغانستان ته پوځونه ولیږل، په زرګونو کسان ئی په دې جنګ کې په قتل ورسیدل، په زرګونو ملیونو

پیغور ورته متوجه نشي، خو امریکا د روسي پوځونو له وتلو نه پس دغه چا دخپلو کوشش کوي چې ګرېږونه ئی د هغوی د دوستي دعوي کوله، له هغې ورځې نه پس چې روسي پوځونه له افغانستان نه وتل د امریکا لهجه د مجاهدینو په هکله بدله شوې، عداوت او دښمني ئی برملا شوې، هغسې شدید ملي تبلیغات ئی

دمجاهدینو په خلاف پیل کړی .
چی له اسلام سره دهغوی له عمیقی کرکی اودښمنی نه نمایندگی کوی ، دوی یواځی په منفی تبلیغاتو اکتفانه کوی بلکی خپل سیاست داسی تنظیموی چی دمجاهدینو دعسکری فتحی مخنیوی وکړی دافغانستان په ارتباط چی له پاکستان سره کوی مرستی کیدل هغه په داسی یوه حساس پړاوکی متوقف کیږی چی مجاهدین پر دښمن وروستی گوزارونه کوی ، دوروستی فتحی طرف ته گړندی قدمونه اوچتوی ، یوپه بل پسی دددښمن سنگرونه فتح کوی اودکابل رژیم دخپلی بقاټول امیدونه له لاسه ورکوی ، داکومکونه دروسی پوځونو له وتلو سره سم متوقف شول . که څه هم امریکادپاکستان دټینگارپه وجه دتناظراصل دژینود وروستی پړاودمذکراتو په دوران کی اعلان کړ، ددی لپاره چی دامریکاپه داخل اوټوله دنیا کی هغه خلك اوحلقی قانع کړی کومی چی غوښتل ئی امریکادافغانانو دوینو په قیمت له مسکوسره سازش ونه کړی ، خوعملاً ئی دهغی پټی معاهدی مطابق عمل وکړ چی له مسکوسره ئی امضاء کړی وه نه یواځی داچی دوی خپل کومکونه متوقف کړل بلکی دهغواسلامی ملکونو دمرستو حائل هم شول چی ددوی له لاری دافغان ولس سره مرسته کوله، امریکا ددی پرځای چی افغانانواوهمدی اسلامی ملکونو ته خپل نوی دریځ په صریحواوڅرگندوالفاظواوله دوکی اوخدعی نه پرته اعلان کړی هغوی په دی خبرکړی ، ترڅو خپل راتلونکی سیاست دنویو تغیراتو په رڼاکی وټاکی ، له خدعی اوفریب نه کاراخلی ، افغانان اودهغوی دوستان دکاذبی امیدواری په حالت کی ساتی اوپه مسلسل ډول وائی چی امریکا خپل سیاست نه دی بدله کړی . دمرستو دتاخیر وجه دپالیسی تبدیلی نه بلکی دهواخرابی اوځینی عادی تخنیکی عوامل دی . هماغه څه چی څوکاله دمخه امریکاله پاکستان سره دهنداوپاکستا. دجگړی په دوران کی کړی وو څوکاله وروسته ئی بیرته پیاتکرارکړل .
واشنگټن په دی ترتیب غوښتل چی له یوی خواروسانو ته ثابته کړی چی له هغوی سره دخپل سری معاهدی په رابطه صادقانه التزام کوی .
اوله بل خوا پاکستان اومجاهدین چی څه په لاس لری په دی موده کښی ختم شی ، ترڅوکه دمسکواوواشنگټن ترمنځ دتوافق په صورت کی مجاهدین دمخالفت له پاره ملاوتړی اودمقاومت دادامی اراده وکړی دوسایلو اومهماتودکمښت په وجه پدی کارکی بریالی نشی .
دامریکا حکومت دستاکهلم ترمذاکراتو پوری له همدی سیاست سره سم عمل وکړ، په دی امیدچی په دی مذاکراتوکی به مسکو ددوی شرائط ومنی ، دخدای جل وعلی شانه همداخوښه وه چی دامذاکرات ناکام شی او روس امریکادمجاهدینوپرخلاف په خپلومنځونوکی توافق ته ونه رسیږی . دستاکهلم د مذاکراتو له ناکامی سره سم امریکایوځل بیا دمرستو دادامی دعوی کوی اوددی لپاره چی دنیا ته ثابته کړی چی گویا نوی موقف ئی دستاکهلم دمذاکراتودناکامی په وجه نه دی بلکی اصلاً په پخوانی پالیسی کی څه تبدیلی نده راغلی اومرستی یواځی دځینی تخنیکی معاذیرو په وجه اودیوی خاص اداری دسرپرست دغلطواجراتوپه وجه ځنډیدلی دی کوم چی دکانگرس « دادافغانستان دولس خواخوږی !» داعتراض په وجه له خپلی وظیفی نه منفك شو.
واشنگټن غواړی دنیا وال ورسره داخبره ومنی چی دا لویه غلطی دټول حکومت نه بلکی دیوه شخص غلطی وه شایددوی ته افغانان په خپله دامریکاولس اودنیا وال ماشومان ښریښی غواړی ددوی له عقل سره لوبی وکړی اوپه داسی مسخره توجیهاتوئی دوکه کړی ، که ټوله دنیا نه پوهیږی علی الاقل افغانان پوهیږی چی امریکاپه افغانستان کی دافغان ولس دخوښی حکومت اواسلام سره ددښمنی لپاره دافغان ولس سل ځله خرڅولو ته تیاردی که ورته میسرشی که امریکایوځل بیا دمرستو دادامي دعوی کوی هدف ئی فقط دادی چی په روسانو خپل شرائط ومنی .
ترڅوونه پوری دامریکاحکومت ویل چی موږدافغانستان په داخل امورکی دمداخلی اراده نلرو ـ بایدافغانان دخپل خوښی حکومت جوړولو ته پرینبودل شی خونن هغه چاته همغتونه لیږی اوپه افغان ولس ئی دتپلو هڅه کوی ، کوم چی لومړی روسانو ورته مسلسل هڅتونه لیږل اودهغه دتحمیل کوشش ئی کړی داټول ددی لپاره چی دوی دمجاهدینو عسکری فتح نه غواړی دمجاهدینو عسکری فتح بهرنی لاسوهنی منتفی کوی که قضیه دجنگ له لاری حل شی دمجاهدینو دخوښی حکومت به جوړیږی، نه دمسکواوواشنگټن دمرضی حکومت ،واشنگټن دهمدی لپاره دافغانستان په ارتباط خپله ستراتیژی داسی ترتیب کړی :
اول : په هرحالت اوپه هرقیمت دمجاهدینو دنظامی فتحی مخنیوی چی کله هم په جنگ کی دمجاهدینو تله درنه شی اوله عسکری لحاظه برتری ترلاسه کړی اوکامیابی ته نیږدی شی دوی باید داسی قدم اوچت کړی چی دهغه په وجه دامحتمل بری وځنډوی .
دوهم : په مقاومت کی دموثرواسلامی احزابواوترټولو نه دمخه حزب اسلامی افغانستان تضعیفول ، خصوصاً په دروغجنوتبلیغاتوسره ،دداخل جگړوپه اوربلولوسره اوبیا دهمدغو پیښوچی همدوی ئی مسبب اوعامل دی اوهغه کسان ئی رامنځ ته کوی چی دوی روزلی اودنوروپه خلاف ئی جنگ ته هڅولی ، په ټوله دنیاکی پوره تشهیرترڅو په افغان ولس اوټوله دنیاکی دهمدی تنظیمونو اعتبار صدمه ومومي اونورواسلامی ملتونو ته وښیی چی داهغه مجاهدین دی چی تاسی خپل سرنوشت دهغوی په جهادپوری تړلی ودهغوی لارمودنجات لارگڼله .
په دی ترتیب نه یواځی دافغان مجاهدینو لپار بلکه ټول اسلام ترسوال لاندی ونیول شی اوداسلام طرف ته دبیاراگرځیدو هغه تحریك شنډشی کوم چی دهمدی جهاد په وجه په اسلامی نړی کی پیل شوی اوپه نتیجه کی لوی طاقتونه په بل ځای کی دجهادله محیبت سره مخامخ نشی . همدارازدافغانستان دنده دداسی لاس وهنو له لاری دجهادي تنظیمونو تضعیف اوختمول غواړی چی دروسانو ترلاس وهنو اوتجاوزنه هم بدتراوخطرناك ترشکل لری . دمستقیمی مرستیّ ترنامه لاندی دافغانستان په داخل کی عمال اوجاسوسان استخدامول اوبیا دهغوی څرگنده تقویه،روسانو

دواحدحزب له لاری په افغانستان دتسلط کوشش ېږ، وګړاوچې کله هم په دی حزب کې اختلاف راپیداشوی داختلاف دختمولو اودحزب دوحدت کوشش ئې کړی خوامریکابرعکس دحزبونوختمول اودملت دتجزیې له لاری دخپل خوښې لیډانو په افغان ولس تحمیلول غواړی داځکه چې امریکا په افغانستان کې داسې دلخواه حزب نلری چې په ملت کې اعتبارولری اودهغه له لاری ځه کول ورته ممکن وی ، همداوجه ده چې امریکادحزبونودتضعیف اوختمولوپالیسی غوره کړی ده.

دجهاد له پیل نه تراوسه امریکا ددی کوشش کولو اوپاکستان ئې ترفشارلاندی نیولی ترڅو پرینږدی دافغان ولس مقاومت دیوه حزب له لاری تنظیم اورهبری شی بلکې باید متعددمتوازن احزاب جوړشي، واحدقوی حزب دامریکادمداخلاتو چانس تضعیفوی، متعدد متوازن احزاب دقدرت په کشمکش اونزاع منتج کیږی اوهمداکشمکش دی چې دامریکادمداخلاتو له پاره ضروری عنصرګڼل کیږی .ضعیف احزاب په بهرنیو طاقتونوپوروسی اواعتماد ته مجبوریږی او امریکا همداغواړی، متعدد متوازن احزاب دلیډرانو په نزاع منتج کیږی اوددی چانس کموی چې داخلي لوتونه دی په خپلو منځونوکې له بهرنیومداخلاتو نه پرته دلیډرانو معضله حل کړی ، په دی ترتیب بهرنیوطاقتونو ته مخصوصاً هغه ته چې ددوست په نامه راوړاندی کیږی دمداخلې اوتشبث امکان میسرکیږی اوس چې له دی فشارونو اوهلو ځلو سره سره قوی اسلامی احزاب ضمنی ته راوتلي امریکا دهغوی دتضعیف له پاره ېږ همداپالیسی غوره کړی ده .

همداوجه ده چې امریکااوس داجرئت کړی چې دافغان ولس له پاره دلیډرانو ټاکلو په غرض بربنډوی او بی شرمانه هلې ځلې پیل کړی اوپه دی هکله په همدی خبره استناد وکړی چې افغان ولس دلیډرانو له خلاسره مخامخ دی اوموجوده لیډرانونه دامعضله نه شی حل کولی واشنګټن ددی له پاره چې دداسې ملتونو وصی اوقیم دی اونشی کولای ددوی دسرنوشت په هکله بی تفاوته پاتې شي ، له دی مشکل نه دافغان ولس ژغورلو له پاره مجبوردی متحدلیډرانو ولټوی !!! په همدی خاطر روم ته دهیلتونو لیږلوته مجبورشوی دی .

ځېنې ناپوه کسان ګومان کوی چې دافغان مقاومت خاص حالت واشنګټن دی ته مجبورکړی چې دظاهرشاه دراوستلو په هکله له مسکو سره توافق وکړی حال داچې واشنګټن له پخوا دلیقی اواوږدی نقشې سره سم دجهاد له شروع نه داسې ځه کړی چې دظاهرشاه دراوستلو له پاره په افغانستان کې شرائط برابر کړی اوبیا په مناسب وخت کې دهغه دراوستلو ځرګند کوشش پیل کړی .

داناځاپی اقدام نه دی ، پواځې هغه سیاست مداران دا اقدام یوناځاپی عمل ګڼي چې له سیاست نه بې خبره دی ، اواخباری اومطبوعاتی وینا وی اورپوټونه سیاست ګڼي .

دریم : ـ دامریکا دستراتیژۍ دریم عنصر دادی چې دمجاهدینو موقت حکومت بدنام شي په خپله هم دهغه له اعتراف نه ډډه کوی اودنورو داعتراف مانع هم ګرځي ، دموقت حکومت دتاسیس له ورځې نه دهغه په خلاف په ټول غرب کې پراخې تبلیغات پیل شول هغه نه غواړی

چې له مخکینو پریکړو سره سم انتخابات ترسره شي اودحکومت دتقویې له پاره یوه منتخبه شوری جوړه شي ، دانتخاباتوداجراپه وړاندی خنډونه راپیداکوی داسې تبلیغات کوی چې ګویاپه افغانستان کې انتخابات امکان نلری اوبیاداچې حزب اسلامی داقتدارلاس ته راوړلو له پاره په انتخاباتو ټینګارکوی خوله دی سره سره داموقت حکومت په موجوده حالت اوهیئت کې پاته کیدل غواړی هغه پوهیږی چې ناکام حکومت دشاملواحزابوبدنامی اوبې اعتباره کیدو وسیله ده داجهادی احزاب بایددناکام موقت حکومت ترچترلاندی په کشمکش اونزاع کې مصروف وساتل شي اوپه دی ترتیب افغان ولس ته دا وښودله شي چې دااحزاب د یوه قوی حکومت دجوړولو کفایت نلری په کارده چې دقوی حکومت دجوړولو له پاره نورې لاری ولټول شي اونورلیډرانونه غوره شي .

توطیه بزرگ، مشت پولادین

راقم افغانی

اخیراً رسانه‌های خبری استکبار جهانی با عنوان کردن حالت انفعالی ازین برهه حساس انقلاب اسلامی افغانستان غرض مغشوش ساختن ذهنیت جهانیان نسبت به آینده جهاد تبلیغات وسیع وگسترده‌ای را براه انداخته است. هرگاهیکه استعمار بخواهد در یک سرزمین توطئه ای را براه اندازد، نخست به جوسازی وتفتین متوسل می شود تا بزعم نابکار خود زمینه را برای اعمال پلان استعماری مساعد سازد.

مجاهدین همیشه درسنگر وملت مسلمان افغانستان درنخستین فصل تابستان بعد از شکست وخروج اشغالگران روسی منتظر آن بودند تا فروغ تابناک پیروزی کشور ویران ومردم مظلوم افغانستان را به نعمت آبادی وآزادی منور سازد، مگر متاءسفانه بعوض اینکه مردم از حنجره رسانه‌ها خبر فتح ونصرت وبالاخره استقرار حکومت اسلامی را بشنوند، برعکس هر صبح وشام باردیگر از آمد آمد شاه مخلوع نیاوه سرائی میشود. اگر این ادعا حقیقت داشته باشد که مقاومت یازده ساله ملت مجاهد افغانستان در عصر حاضر حماسه بیمثال وداعیه برحق است وبخاطر حقانیت همین موضع انقلابیون، جهانیان از قیام و مبارزه افغان ها پشتیبانی کردند، پس لازم است تا سرنوشت مردم وانقلاب را همین سنگرداران حماسه آفرین تعیین نمایند ورهبری حکومت اسلامی افغانستان بعهده چهره‌های مجاهد، مسلمان وصالح سپرده شود، اگر ابرقدرت ها با ماحصل قربانی ها وفداکاری های یازده ساله یک ملت میخواهند معامله‌گری نمایند وآنرا به اصطلاح حاتم بخشی نموده به ظاهرشاه فراری پیشکش نمایند، سخت در اشتباه افتاده اند. ما نمیدانیم که معامله گران چرا سرنوشت یک انقلاب اسلامی ویک ملت مجاهد را به شخصی چون ظاهرشاه که مردم از دوره سیاه سلطنت چهل ساله او وخاطره جز فساد کاری، وابستگی جهل وانحطاط ندارند، می سپارند؟ این چه منطقی است که یک ملت با دادن یک ونیم ملیون شهید وشش ملیون آواره وصدها مصیبت جانگداز دیگر با زهم سیاه بخت واسیر ومحکوم باقی بمانند وبه اهداف عالیه انقلاب داشتی اسلامی وقائد مسلمان) نایل نگردند؟ برای سرعقل آمدن معامله‌گران مبنی برآینکه مهره‌های بی اراده ودست نشانده توان حکومت کردن بر ملت ها را ندارند، باید سرنوشت شاه مخلوع، داود، تره‌کی، امین، ببرک ونجیب مثال های زنده وعبرتناکی باشند وبا الهام ازین تجربه استعمار تا ابد باید خیال تحمیل وتنصیب مهره‌ها بر این کشور را از سر بدور کنند.

هرچند ظاهرشاه از بدو جهاد تا امروز بمثابه وسواس خناس برای تخدیر اذهان عامه بکار گرفته شده است، مگر فکر می شود که اینبار توطئه با ابعاد وسیعتر مطرح است وبرای عقب زدن این وسوسه به تناسب گستردگی آن عزم پولادین بکار است.

برای اولین بار است که دیپلمات امریکائی بطور رسمی در روم با شاه مخلوع بمذاکره می نشیند ومجله امریکائی واشنگتن پست این خبر را با آب وتاب فراوانی منتشر می سازد که گویا درین مرحله ایکه مردم از پراکندگی سران نهضت مقاومت خسته شده اند وروسها نیز برای برون کشیدن پای شان از قضیه زمینه سازی می نمایند شاه مخلوع حاضر است تا رهبری حکومت موءقت را بعهده بگیرد. همزمان با مذاکرات دیپلمات امریکائی با ظاهرشاه در روم واظهار آمادگی نامبرده برای قیادت حکومت موءقت سردمداران کرملین ورژیم دست نشانده کابل همصدا از روی صحنه آمده ان شاه مخلوع استقبال نموده وطی صدور ابلاغیه ها مقدم اورا گرامی داشتند چنانچه سخنگوی وزارت خارجه حکومت کابل، دیدار وملاقات دیپلومات امریکائی با ظاهرشاه را قدم مثبت خوانده واضافه کرده است که امریکا حالا نیز به این نتیجه رسیده است که قضیه افغانستان از راه جنگ نه بلکه باید از راه صلح حل گردد سخنگوی حکومت کابل گفت که ظاهرشاه می تواند به کابل مراجعه کند ودر تحقق صلح وخاتمه جنگ نقش ایفا کند. همچنان گراسیموف نطاق وزارت خارجه روسیه اظهار نمود که کرملین بخاطر اتخاذ روش های صلح آمیز درقضیه افغانستان و خاتمه اختلافات ذات البینی افغان ها از ملاقات مقامات امریکائی با ظاهرشاه استقبال می نماید. موصوف در سخنان خود می افزاید: برای نیل به این هدف در گذشته نیز وورانتسوف معاون وزارت خارجه روسیه با ظاهرشاه درتماس شده وتصامیم لازمی درزمینه گرفته بود؛ گراسیموف می افزاید: مسئله افغانستان بی آنکه تمام افغان ها به محور ظاهرشاه جمع شوند، حل شده نمیتواند.

ازفعل وانفعالات جریانات چنان بر می آید که روس ها وامریکائی ها اتفاق کرده اند تا بخاطر جلوگیری از استقرار حکومت اسلامی افغانستان به عوض نجیب ظاهرشاه را برکرسی قدرت نصب نمایند. این مهره بی اراده وبدنام که در دوره سلطنتش ضمن میدان دادن روسها در افغانستان خاطر امریکائی ها را نیز خوش نگهداشته بود، یک بار دیگر توجه روس وامریکا را بخود جلب نموده وحاضر شده است بعد از شانزده سال میگساری و عیاشی دوباره تاج کابل را به سر کذارد وکما فی السابق به هردو ابرقدرت خوش خدمتی کند خواسته هردو ابرقدرت

(نابودی اسلام وسرکوبی مسلمین) را در این خطه اسلامی برآورده سازد.

هرچند آمدن ظاهرشاه تهدید تازه ای نیست که ملت مسلمان افغانستان به آن مانوس نباشد.

چه هرزمانیکه دشمنان اسلام به عواقب آینده جهاد عمیق شده اند ودانسته اند که درفردای پیروزی جهاد مسلحانه قدرت سیاسی به نهضت اسلامی انتقال می کند، دست بکار شده با سردادن هیاهوی گمراه کننده ای از راه حل سیاسی قضیه حرف زده اند ودرجستجو مهره ای بی طرف وبه اصطلاح مجربی شده اند، ملت مسلمان ازینگونه موضعگیری های ددمنشانه وخصمانه دشمنان زیاد بخاطر دارند وادامه توطئه ها درین راستا را طبیعی تلقی می کنند والبته مسلمانان از دشمن توقعی غیر ازین هم نمیداشته باشد ولی تعجب دراینست همزمان با این سازش های ابرقدرت ها مواضع انقلابی وثابت دوستان مسلمان جهاد خصوصاً کشورهای همجوار پاکستان و ایران نیز دچار بحران ونوسان شده است. امضای معاهده دوستی ایران وروسیه وعادی شدن روابط ایران با حکومت دست نشانده نجیب تحولی غیر مترقبه ای است که خاطر هر مجاهد افغانی را ملول ساخته است.

مجاهدین مسلمان افغانستان با تمسک بخطوط فکری وعقیدتی انقلابات اسلامی، از انقلاب اسلامی ایران همیشه این توقع را داشتند که: برادران ایرانی ودولت مردان آنکشور همیشه دوستان انقلاب اسلامی افغانستان را دوستان خود ودشمنان آنرا دشمنان خود تلقی نمایند هیچ عاملی اعم از فشارهای سیاسی و مکاید زورگویان وبالاخره محرومیت ها نبایستی رابطه برادرانه وخودمانی انقلابات ایران وافغانستان را خدشه دار می ساخت ولی متاسفانه عوامل نامرئی ای که هنوز قناعت هیچ افغانی را فراهم نکرده است، انقلاب ایران را از اصول فکری وعقیدتی اش دررابطه با جهاد افغانستان متزلزل کرده است.

گرچه قبل از وقت است که این تغیر پالیسی ایران را حمل برسازش با ابرقدرت ها سرقضیه افغانستان بنمائیم ولی باآنهم چنین شکوکی در اذهان جاگیر شده که برادران ایرانی قضیه افغانستان را قربانی سیاست بازی های بین المللی کرده اند.

تحول دیگریکه به گستردگی توطئه دلالت می کند، انعطاف درسیاست پاکستان درحمایه ازمجاهدین است بدون شک پاکستان یگانه کشوری است که از بدو جهاد مسلحانه تا امروز سیاست شجاعانه ومدبرانه ای را دررابطه با قضیه افغانستان دنبال کرده است ودرین مسیر متحمل بسا قربانی ها واز خود گذری هایی شد. چنانچه مشکل اکثریت مجاهدین ومهاجرین با دستگیری وهمدردی پاکستان مرفوع گردیده است مگر با شهادت ضیاء الحق وروی صحنه آمدن حکومت جدید یکمقدار تحولاتی نسبت به سیاست قبلی پاکستان درقضیه رونما گردید. تغیر وتبدیل چهره های دست اندر کار امور مجاهدین وتغیر لحن حمایه حکومت ازمجاهدین ومهاجرین میتواند نخستین آثار تغیر سیاست پاکستان به شمار آیند. مگر اظهارات اخیر یکی ازمقامات پاکستان مبنی براینکه قضیه افغانستان باید ازطریق سیاسی حل گردد ومجاهدین غیر ازنجیب باید با بعضی ازعناصر حکومت کابل وارد مذاکره شوند وهمچنان اظهار این مطلب که پلان حمله مجاهدین به شهر جلال آباد ناشی ازیک اشتباه بوده است، همه وهمه بیانگر آنست که حکومت پاکستان نیز درلابلای تنش های بین المللی اسیر گردیده واستعمار میخواهد غرض به اجرا گذاشتن اهداف خود پاکستان را نیز با خود داشته باشند. هرچند حکومت ومردم پاکستان تاکنون درمورد آمدن ظاهرشاه کدام علاقمندی نداشتند زیرا وی درطول دوران حکومتش با دامن زدن قضیه پشتونستان به تحریک روسها، بزرگترین دردسر حکومت های وقت پاکستان بود، مگر فیصله اخیر حکومت پاکستان مبنی بردادن ویزای دخول به ظاهرشاه اقدامی است برخلاف آرمان مجاهدین ودرراستای توطئه ابرقدرت ها که امیداست حکومت پاکستان با درنظر داشت مصالح وسالمیت خویش وادامه موقف اصولی نسبت به قضیه افغانستان هیچگاهی به چنین سازش هایی مبادرت نورزد.

بعضی افراد وگروهک های نامنهاد جهادی نیز از سالهای قبل به اینسو نسبت روابط خانوادگی تماس هایی با ظاهرشاه داشتند واینکه حرف های مبنی برمحبوبیت شاه مخلوع درمیان افغان ها زمزمه میشود، به ارتباط همین افراد وگروه است، چون ظاهرشاه نزد کافه ملت افغانستان بعنوان چهره مردود وفاسد معرفی است، عناصر وابسته به او یارای تبلیغ به نفع او را نداشتند مگر بعد از زد وبندهای اخیر امریکا و روسیه، توطئه بقدری عمیق شده است که یکی از افراد وابسته به او از آمدن ظاهرشاه با صراحت استقبال می نماید وطی کنفرانس مطبوعاتی ادعاهای مجاهدین درمورد شاه مخلوع را پاسخ میدهد این آقا همان حرف هایی را درمورد ظاهرشاه اظهار میکند که نجیب و گراسیموف ودیپلمات امریکائی گفته بود.

دفع این توطئه بزرگ مستلزم عزم پولادین، ایمان متقن وهشیاری سیاسی مجاهدین است مسلمانان باید ازشر این وسوسه باز پس رونده بخداوند (ج) پناه بگیرند هرگاهیکه مسلمانان از دشمن اصلی شان (شیطان) غافل شوند، دشمن (اعم از جن وانس) دردل های شان وسوسه می افگند وزمانیکه دوباره هشیار شوند شیطان خجل وسرافگنده واپس فرار نموده به لانه خود میخزد.

هرچند شاه مخلوع برای ابد انشاء الله مخلوع خواهد ماند ولی این ماءمل بدون هشیاری، پشتکار ووحدت صفوف مجاهدین برآورده نخواهد شد.

زموږ ملت په دوو جبهو کې

پدې کې شک نشته چې د افغانستان اسلامي انقلاب قیادې او مبارزاتي حلقې او قوتونه د یو لړ طبیعي او غیرطبیعي عواملو له امله د یوې ډېرې ښې مبارزاتي اداري، عالي انقلابي تشکیلاتو، پراخ، اصولي او سرتاسري نظم او وحدت په رامنځ ته کولو کې نیمګړتیاوې او غلطۍ کړې او لري ئې، خو واقعیت په خپل ځای مسلم دی چې د خپلو الهي، شرعي مکلفیتونو او وجیبو د ترسره کولو په باب ئې د تصمیم، ارادې او عمل پر پوخوالي، د خپلو فکري او ایډیولوژیکي کلي کرښو او اهدافو په وړاندې ئې اخلاص او تنازل نه منونه. او بالاخره د کفر او استعمار او د هغوی د استکباري طرحو او هدفونو په رابطه ئې په بصیرت حساسیت قاطعیت او جدیت کې شک کول بې انصافي ده.

دا خو پرېږده چې د روسي کفارو او د هغوی د بې حیا او بې ننګه نوکرانو د بېلابېلو او تر ډېره حده خطرناکو نیرنګونو دسیسو او حیلو په وړاندې د خومره اسلامي انقلابي بصیرت او متعهدانه دریځ او موقعیت مظاهره کړې، پردې به وغږېږو چې د لوېدیز کفر د پلېټنو او ښارو طرحو او پلانونو په باب ئې د کوم "حساسیت" او بصیرت پر بنسټ عمل کړی، بائې له لوی استعماري طاقت سره په بشپړه عیاره پوځي مقابله او تکړ بوخت انقلاب او نهضت لپاره لومړني مشخصه وي چې د اسلامي مبارزاتو د تاریخ پاڼو ته سپارله کېږي.

هلته چې روسانو په ټول وحشت او هیبت د افغانستان مسلمان ملت او د خدای (ج) په مینه مستو مومنو انقلابیونو د مقاومت د وروستي سلګۍ د ورېدو په نیت په افغانستان کې د کبر او ظلم غرغرې کولې، او زموږ یات دوستان هم هره لحظه د مسلمان افغانستان د جهاد د [illegible] د فاتحې د تغرغوږولو په ترخه، دردناک او فاجعه بار انتظار کې وارخطا ناست وو. پداسې یوه وخت او حالت کې به چې د افغان ولس مسلمانو قایدینو، او مخلصو مجاهدینو د لوېدیزو کفارو له ظالمانه نقشو او توطئو نه خبرې کولې او خاین او بدنام ظاهرشاه به ئې د افغانستان د مسلمان ملت د جهاد د ولوړو آرمانونو د تکولو په لارکې د نړیوال کفر وروستي حربه او وسیله ګڼله، هیڅ ته د مسئله د درک او تشخیص ورنه وه، او ډېرو به د مجاهدینو دا ټول دریځ او خبرې، تخیل، له واقعیتونو لرې والي او احساساتي موقعیت ګاڼه.

خو مجاهدین په خدای (ج) باندې په اتکا او اتکال او د هغه پر وعدو باندې په کلک یقین او په خپل ایمان، او تصمیم باندې په پوره باور سره پوهېدل چې د روس زور او مستي غرغرې به یوه ورځ د هغه ماتې، رسوایي او ریز مریز کیدو په ژړا او زګرویو بدلیږي او هم ئې د اسلام د مزاج په دقیقه پېژندنه او د هغه په وړاندې د کفارو او استعمارچیانو له کینې، دښمنۍ او وارخطائي نه معلومات درلود !! او پر هغو راوسو ځونکو شرایطو او مقطع کې دې ته پیشبین وو چې د اسلامي حرکت په مقابله کې به ئې د جهاني کفر وروستي عمل او تصمیم څه وي! موږ بیا په جرئت سره ویلای شو چې د افغانستان د جهاد، مسلمان زعامت، او مؤمنو انقلابیونو چې پدې رابطه د کوم "بصیرت" "انقلابي سانسیت" "دقیق تشخیص" او سداري کومه مظاهره وکړه، دا به د مسلمانو غورځنګو او مسلمانو ملتونو د انقلابي او مجاهدانه مبارزو د تاریخ نوی باب جوړوي، تر کومه چې زموږ انقلاب په اوسني پړاو کې د ری حقیقت به اغېزا او شرپوري اړه لري باید په ځغرده ووایو چې د همدې درک او تشخیص په نتیجه کې ده چې نن زموږ مجاهدین، او ټول مسلمان ملت د امریکا لخوا د بدنام ظاهرشاه د راوستو د رزیلانه او شیطاني فتنې او فاجعې په وړاندې غافلګیر نشو، او له کلونو کلونو راهیسې د دې فاجعې وقوع او مقابلې ته د ذهني او روحي بشپړ چمتوالي تر څنګ د عملي تیارتوب لپاره هم ځانګړې ستونزې نلري. موږ اوس میدوار او هیلمن یو چې زموږ دا انقلاب متعهد زعامت لکه څنګه چې د پاس یاد شوي عظیم ویاړ او سعادت به ترلاسه کولو بریالی شو اوس به پدې پړاو کې هم چې د افغان ولس د دولس کلنه خونړي مبارزه او د هغوی د شهیدانو وینې، او آرمانونه د جهاني کفر په راس کې ئې امریکا شیطنت فتنه په خطر کې اچوي، د متعهدو انقلابیونو د پوره توحید، هماهنګۍ، او تفاهم له لارې په محنه کې د ملت د ساتلو او پر خپلو قاطع موضعګیریو او دریځونو باندې د ټینګار له لارې د کفارو د دې وروستي خطرناکې توطئې د بریالي مقابلې د افتخار لوړ بیرغ، د عزت بیرغ او د ملتونو د آزادۍ او استقلال د الهام او پیغام بیرغ په خپلو مجاهدانه لاسونو پورته کړي.

مقامات ایرانی !

چرا بر پاکستان و مجاهدین برافروخته اید ؟!

آقای "خلیلی "نطاق قبلی تنظیم‌های افغانی مقیم ایران گفته است که به آنها هدایت داده شده تا بعوض قبول کردن سخن زعمای مجاهدین در پشاور با سفیر روسیه مقیم کابل " یولی ورانتسوف "مذاکره نمایند!!

نوشته : چودری عبدالحمید

ترجمه : احمدضیاء "رحیمزی "

درروزهای اول انقلاب ایران یک خبر مهم به شکل غیرمهم آن منعکس شد و آن این بود که "معاهده‌ای به منظور رفت و آمد دوجانبه بین ایران و روسیه به امضاء رسید" .

واضح است این فیصله هیچ گاه بدون رضا و رغبت امام خمینی نمیتوانست صورت بگیرد . ایران در آن ایام سرشار از زخم های کشمکش های داخلی بود و از گرگ همسایه خویش برای رفاقت دعوت بعمل آورده بود.

فیصله‌ای این چنین مهم و به این زودی تنها و تنها برای ترسانیدن امریکا اتخاذ نگردیده بود .

واضح است که در این فیصله علاقهٔ قلبی ورحجان ذهنی نیز موجود بود .

بعداً درسال ۱۹۸۷ میلادی درحالیکه جنگ ایران و عراق جریان داشت خبری به نشر رسید که روس طبق یک معاهده‌ای از ایالت "خوزستان " ایران (جایی که تیل از آن استخراج می شود) از مناطق شمالی آن خط آهن فرش می نماید که با اندکی پیشروی با خط ریل روسیه وصل می گردد .

همچنان پایپ لاین تیل نیز از این ایالت امتداد یافت که توسط آن تیل ایران به روسیه فرستاده میشد .

وقت می گذرد ، و روابط ایران با هر دو ابرقدرت در قسمت های مختلف بهبود می یابد رهبران ایران درجائی که امریکا را "شیطان بزرگ " می خوانند ، در آنجا برای متوازن ساختن حساب ، روس را هم دشنام می شنوانند .

ولی این طعن و دشنام سروصدایی بیش نمیباشند .

درسطح بین المللی ممالک دارای نظام اشتراکی اکثراً از ایران حمایت بعمل می آورند ، بالخصوص ممالک مسلمانی که گرویدهٔ استعمار سوسیالستی روس گردیده اند ، در این حمایت پیش قدم تر از دیگران انـد .

اتفاق عجیب اینست که شدیدترین مخالفان پاکستان از قریب ترین دوستان ایران است .

امام خمینی بعد از آنکه از عملیات کامیاب "ضدشاهنشاهی" فراغت یافت ، فتوایی برضد حکومت های پاکستان ، عربستان سعودی و ترکیه صادر کرد ، وحکم داد تا حکومت های این سه کشور سرنگون گـردد .

ترس ایران از پاکستان نسبتاً بیشتر بود ، اگر جنگ با عراق مسیر آنها را متغییر نمی ساخت ، هدف اول ایشان پاکستان بود ، آنها هندوستان را دوست و پاکستان را دشمن خویش تلقی می کردند ، در این رابطه می خواهم از یک واقعه یادآوری نمایم :

بعد از پیروزی انقلاب در ایران ، هیئاتی شامل بعضی از رهبران ایرانی به پاکستان آمدند ، در این هیئات بر علاوه "آقای گنجی دوست " سفیر ایران ، چندتن از بزرگان دیگری با درجه و مقام " آیت الله "نیز اشتراک داشتنـد .

هیئات مذکور روز جمعه به مسجد "شهدا " که درشهر لاهور قـرار دارد آمدند ، و در آن مسجد نماز جمعه را ادا نمودند ، بعد از ادای نماز جمعه سلسله بیانات ایشان آغاز یافت ، و آنها ضمن سخنرانی های خویش اظهار داشتند که چون در این مسجد از انقلاب ایران حمایت و بیانیه ای بعمل آمده ، بنـاء " ما از این مسجد برای اظهار قدردانی و شکران از مردم پاکستان ، دورهٔ دیدار از پاکستان را می آغازیم .

بنده می خواستم پرسشی را از هیئات مذکور مطرح سازم اما امام مسجد ممانعت کرد ، اما بعد از خواهش متواتر سامعین اجازهٔ مطرح کردن سوال به حاضران داده شـد .

از حسن اتفاق بنده درصف اول نزدیک میکروفون نشسته بودم . وسوال خویش را مطرح ساختم ، بنده به شکل تمهیدی ورود هیئات ایرانی را به پاکستان خیر مقدم گفتم ، بالخصوص از این عمل آنها خیلی توصیف کردم که آنها دوش بدوش ما با اقتداء عقب امام " سنـی " نماز جمعه را ادا کردند . بعداً پرسیدم : " عده‌ای از سیاستمداران عالی‌رتبه شما احساسات معاندانه‌ای علیه پاکستان دارند ، و در این مورد آنقدر پیش می روند که حتی هندوستان را بر پاکستان ترجیح می دهنـد ؟!! نظر شما در مورد چگونه است ؟؟" سفیر ایـران جواب داد : " ما هم از این چنین مردم بیزاریم "بنـده

عرض کردم این چگونه علامات بیزاری است، شخصی که روزی درجراید و مطبوعات می نویسد: "درصورت جنگ بین هندوپاکستان مادوش بدوش هندوستان با پاکستان خواهیم جنگید"!! روزبعد به مقام جلیله "نخست وزیری" فایز می گردد!! منظورمن از آقای موسوی نخست وزیر ایران بود.

بنده همچنان افزودم: "ما شما را برادران خویش می انگاریم ولی شما بیگانگی اختیار نموده، کفار را بر ما ترجیح می دهید! این کدام شکل برادری ودوستی است؟ ما رئیس جمهور خودشما (ابوالحسن بنی صدر) را می پسندیم ولی قطع نامه حاوی اظهار نفرت خویش را نسبت به صدراعظم شما (موسوی) ازهمین مسجد اعلام میداریم!!!

بعد ازاعلان قطع نامه (احتجاج نامه) همه حاضرین مسجد با جوش وخروش بی پایانی وبا بلندنمودن دست خویش آنرا تائید کردند.

دیدم که بعد از تائید احتجاجیه ازجانب حاضرین مجلس رنگ های همه ایشان متغیرگشت. بعد ازاین واقعه هیئات مذکورکه به قصد دیدار ازهمه پاکستان آمده بود، تنها به مسجد اهل تشیع واقع در "کرشن نگر" رفته وبقیه قسمت پروگرام خودرا منسوح نموده دوباره به ایران بازگشت.

ولی با افسوس اظهار می دارم که ایران تا اکنون هم هندوستان را برپاکستان برتری می دهد، اکثریت بیشتر ازآنانیکه درهند، پاکستان وکشمیر، ایران را بحیث "قبله سیاست" خویش قبول دارند. آنانی را همراهی می کنندکه برمسیرتباهی فرهنگ وکلتورما روانه اند وآنانی راکه با "تشخص اسلامی" ما برسرپیکارانند. تاجائیکه موضوع مربوط به جنگ آزادی افغانها علیه متجاوزین روسی ومزدوران گماشته شده آنها است، ایران نمیخواست روسهاراازخودناراض نماید، بلکه می خواست قیمت بی تعلقی وبی ارتباطی خویش راهم ازآن ها اخذبدارد. خبر های به اینگونه هم به نشررسیدکه مجاهدینی که با ایران تعلقات دارند با حکومت تحت تعاون وهمکاری می نمایند. نماینده ایران درکابل وعمله سفارت خانه که در گذشته به شکل تحقیرآمیزی بسرمی بردند، اکنون دردعوت ها ومحافل "نجیب" اشتراک می نمایند، ودراجتماعات آنها حصه می گیرند.

مطبوعات ونشرات ما عموماً به شکل مصلحت آمیزی ازچنین خبرها چشم پوشی می نمایند، ولی حالاوقت این خاموشی های مصلحت آمیزگذشته است. وضروری است تا ملت را از سیاست "روباهانه" "دوستان" ایشان باخبرساخت، تامبادا این "مروت" و"احسان" ما باعث وقوع حادثه اسفناکی نگردد.

رئیس مجلس ایران آقای "رفسنجانی" که فرد عالیرتبه کشورش می باشد. (موصوف فعلاً به اساس انتخابات دربرج گذشته بحیث رئیس جمهورکشورش تعین شده) "مترجم"

برای برقرارساختن روابط بهترومستحکم تر باروس معاهده های زیادی راچه خفیه وچه آشکارا امضاء نموده است که مهمتر از همه دراین معاهده ها مسئله افغانستان است.

تنظیم های هشت گانه مقیم ایران با زور "چاقو" قسمتی ازگوشت بدن خودرا مطالبه دارند.

این اتحادهشت حزبی "مقیم ایران" دراصل تنها به منظور پوره کردن اعداد شمار تشکیل شده ورنه آنها گروه های کوچکی بیش نیستند.

گروه های دیگری که وابسته به ایران نبودند ازآن کشور اخراج شدند.

حالت مردم "سنی" درایران خیلی خراب است، آنها اجازه اعمار مسجدی در "تهران" راندارند.

ایران با استفاده ازحالات واوضاع نابسامان وبرای "ماهیگیری درآب گل آلود" سخت بی تاب است!!

مهاجرین شیعه مقیم ایران سهمی به اندازه (۲۵) فیصد را درحکومت آینده افغانستان تقاضا دارند، درحالیکه این رقم ازلحاظ تناسب نفوس خیلی زیاد است.

وطبق نوشته مجله "اشپیگل" چاپ المان غربی آنها (تنظیم های مقیم ایران) ازدستگاه جاسوسی ایران هدایت می گیرند، که آنها می خواهند دوستان روسی خودرا به هر قیمتی که شده خوش نگهدارند!!

آقای "خلیلی" نطاق قبلی تنظیم های افغانی مقیم ایران گفته است که به آنها هدایت داده شده تا بعوض قبول کردن سخن زعمای مجاهدین درپشاور با سفیر روسیه مقیم کابل "یولی وارنتسوف" مذاکره نمایند!!

(این سخن "آقای خلیلی" را نویسنده مضمون به حواله روزنامه انگلیسی زبان "فرانتیرپوست" چاپ پشاور ذکرکرده است) "مترجم"

روسیه با عمل کردن روی ضرب المثل معروف پاکستانی (فاتحه داداجی ودکان حلوائی) به ایران این پیشنهاد را نیزتقدیم نموده که درصورت توقف جنگ درافغانستان حکومت خودمختاری را درمناطق هزاره جات تشکیل خواهند داد.

درحالیکه اولین تقاضای بهترشدن روابط روس وایران این بوده تا روسیه مناطق اشغالی ایران (آذربایجان) را به آنها برگرداند بخاطربایدداشت که نصف منطقه آذربائیجان درکنترول روسیه ونصف آن نزدایران می باشد.

چنانچه به همین "نسبت خاص" آقای رفسنجانی هنگام دیدارش ازروسیه روزی به دیدار ازآذربائیجان اشغالی هم رفت.

مطلب اساسی ازپیشکش روس به ایران "مبنی برتشکیل حکومت مستقل درهزاره جات آنست که ازجانب "ایران ماننده تیری درقلب افغانستان جابجا گردد.

عده ای براعقیده برآنست که روسیه با خروج نیروها یش از افغانستان، ثبوتی از "صلح پسندی" را ارائه کرد درحالی که این گونه طرزتفکر غلط است.

هنگامه ای که بعدازکشته شدن هزارها تن ازنظامیان روسی درافغانستان، داخل خاک روسیه برپا گردیده بود باعث شدتا حکومت روسیه برای فرونشاندن این هنگامه قشون نظامی خودرا ازخاک افغانستان بیرون نماید.

آنها به سبب "ملحدبودن" ازمرگ خیلی میترسند، وبراین منافع مهلک خویش حاضربه دادن هیچ گونه قربانی نیستند

ترس وبزدلی روسیه ضرب المثل معروفیست، دراینجا می خواهم یک واقعه ای ازجنگ دوم جهانی را بیان دارم. درابتدای جنگ آلمان وروسیه باهم "هم پیمان" بودند، هردوقدرت درموردسرزمین پولیند به اساس ضرب المثلی (نصف لی ونصف لکم) فیصله نموده بودندکه هریک به قسمت خویش حمله ورشده آنرا تصرف نمایند، آلمان چنین کردوقسمت خودرا تصرف کرد، ولی معامله روسها

شکل دیگری بخودگرفت آنها قدمی راکه به پیش می گذاشتند عقب زده می شد.

بالاخره "هتلر" آن قسمت را هم فتح نموده به روس واگذار کرد.

چگونه می توان سیاست "صلح دوستی" روسیه را قبول کرد؟ درحالیکه ارسال اسلحه ازجانب ایشان به رژیم مزدور، به شدت جریان دارد، آنها صرف جان افرادخویش را نجات دادند ولی ازشرارت دست برنداشتند.

آنها درمقابله باکسانی قرارداشتندکه درچشمهای مرگ چشم می دوزند، وپیش می روند، آنانیکه دوعا میخوانند وکفن را برسرخود می بندندوبه میدان جنگ می روند.

وبعدهم یا شهیدویا غازی برگشته مقصدحیات خودرا درمی یابند!!

آنها راهم همچوعلامه اقبال لاهوری عقیده برآنست که:

ازمرگ ترسی ای زنده جاوید
مرگ است صیدی وتودرکمین

سیاست پاکستان وملل متحد درموردافغانستان این بوده است که باید افغانستان بحیث یک دولت آزادومسلمان به روی نقشه دنیا دوباره پدیدآید.

البته دراین روزها سیاست ما نیزدرحالت "بگومگو" قرار دارد.

ودرموردآینده این سیاست اکنون هیچ گفته نمی توانیم!

اکنون عده ی ازمردم تصورمی کنندکه سیاست وپالیسی حکومات ایران وپاکستان درقبال مسئله افغانستان ازآغازیکسان بوده ودرحالی که هرگرچنین نبوده. ایران دراین تازگی ها که ازجنگ باعراق رهایی یافته خریدن یاتکرارنمودن هرگونه جنگی دیگری برایش مفیدنخواهد بود.

سخن ازچندی قبل است، ایران می خواست راجع به مسئله افغانستان باپاکستان مذاکره نماید، وزیرخارجه ما (پاکستان) تنها این اجازه را داشت تا سخن خودرا به دیگران بشنوانند.

هیچ گاه هیچ عکس العملی ازوی صادرنگشت، مگردرحالات تبدیل شده امروزی حکومت ایران به "گربه "قهرآلودی مبدل شده ودراین سووآن سوطوری تحریک برانگیزی می نماید، که نفع آن به دشمنان ما می رسد.

آیا ممکن نیست که ایران همچوگذشته خاموش بنشیند؟ واز" خاراندازی" درراه مجاهدین بپرهیزد؟

اکنون تجاویزی درموردتجزیه این کشور (افغانستان) به دوقسمت نیززیردست است.

سیاست وپالیسی آقای رفسنجانی تشوشات گوناگونی رادر اذهان مردم زاده است.

واکنون براهل قلم، آنانیکه باوطن خویش محبت دارند لازم است تا ازاین مضرات، ملت خودرا آگاه نمایند نه با اشاره وکنایه بلکه باالفاظ صریح وواضح، درروزهای گذشته گورباچوف ازوضع نابسامان ازبکستان شکایت نموده گفتند که دراینجا اکثریت "سنی" براقلیت شیعه ظلم می نماید.

این باراول است که رهبریک نظام اشتراکی وحتی باراول است که یک رهبرمملکت این چنین سخن می گوید.

مردم آگاه وفهمیده هیچ گاهی "برشعله های آتش تیل نمی پاشند" تعجب اینجاست که "گورباچوف" چراچنین کرد؟ ومنظورش ازاین گفته چه بود؟ آیا اوبراستی فساد "شیعه وسنی "رادرآن منطقه نمی خواست؟ نظرمن اینست که اگرایران مداخلات خودرا درامورداخلی افغانستان ترک نماید نه تنها هزاره جات بلکه همه افغانستان دوست آن خواهدگردید!

اگرشما یک منطقه کوچک کوهستانی رازیرا ثرخودآورده — تعبیه کشوررا دشمن خویش قراردهید، کارداشمندانه وعاقلانه نخواهدبود!

خبرهای ازاحیاء وتجدیداسلام درقلمروروسیه مسلسل وهمیشه نشرمیشودواین یک امرمعمولی نیست حتی که رهبران روسیه اشتراکی خودشکایت دارند، که "بنیادگرایان مسلمان "درداخل روسیه هنگامه اندازی می کنند.

تعجب روسها اینست که باوصف (۷۲) سال جبروظلم این بنیادگرایان "مسلمان " چگونه زنده مانده اند.

وقت وزمان تقاضا داردتا مسلمانان چه درداخل روسیه وچه درخارج روسیه مثالی ازاتفاق ویکانگی بین هم راتقدیم نمائیم، وبااتخاذنمودن موقف جدی لکه ها وداغ ها راازدامان تاریخ خویش شستشونمائیم.

دافغانستان شخړه

اوظاهرشاه بیرته راتګ

لیکوال : ایم طفیل
ژباړه : فضل مولا "لټون"

. دا یو حقیقت دی چې دافغانستان په جنګ کې بنسټیز ډګرنه او عمل دمجاهدینو دی، امریکا دخپلو ځانګړیو اهدافو له مخې دمجاهدینو او مهاجرینو اقتصادي او نظامي مرسته کړې، دامریکې له خوا خودمرستې اعلان هغه وخت وشوچې کله یې ښه یقین راغی چې افغانان په سره سینه دروسانو منلو ته تیارنه دي اودروسي استعمار پرخلاف دغره په څېرله کلک عزم او ټینګار سره ولاړ دي مقاومت کوي، ترڅو چې دامریکا یقین پردې ښه پوخ نه شوچې افغانان دروسانو پرخلاف دمقاومت عزم او حوصله لري او هغوی ماتې ته مجبورولای شي، ترهغه وخته یې له مجاهدینو سره په مرسته کې له تذبذب نه کار اخیست ..پخوانی جمهور رئیس کارترچې کله له مجاهدینو سره دځلو ینټ لکه دا لرو د مرستې وعده وکړه ،نودپاکستان جمهوررئیس محمدضیاء الحق دغه مرسته داوس په خوله کې زیره وبلله او مسترده یې کړه .

امریکا په ویتنام کې له روسانو دخپلې ماتې دبدلې اخستلو په لټه کې وه اودغه فرصت ورته په افغانستان کې دجنګ په نتیجه کې په لاس ورتلوا وکه نه نو امریکا له افغاني مهاجرینو او مجاهدینو سره له دې امله هیڅ ډول همدردي نه وه ،چې هغوی دیوسترمادي ځواک په مقابل کې دخپلې آزادې جنګ کولو که امریکا په دې خاطرله افغانانو سره مرسته کولای چې هغوی مظلومان ؤ او دیوظالم او جابرقوت پرخلاف جنګیږي ، نو په همدې ډول همدردي یې باید له فلسطیني مسلمانانو سره په قبرس کې دیونانیانو پرخلاف دترکي اقلیت او په جنوبي افریقا کې دتورپوستکیو دآزادې دمبارزې ملاتړکړی وای، لاچې په ۱۹۶۵ او ۱۹۷۱ ـ میلادي کال کې دهندي یرغل پرخلاف دخپل مضبوط پلوي پاکستان ملاتړیې باید کړی وای، خوښکاره ده چې امریکا داسې نه دی کړي ،ځکه دسترومادي ځواکونو ټول پروګرامونه دخپلو ګټو تابع وي، نو ځکه داخبره په ځای ده چې د افغانستان په شخړه کې دامریکا نقش دیرلږ او دخپلو ګټو پوري اړوند دی .

امریکا له ځانګړیو جدودو پرته دمجاهدینو مرستې ته نه له مخکې تیاره وه او نه اوس ده ، دهغې ټوله دلچسپي له روس نه په ویتنام کې دخپلې ماتې بدله اخستل وه امریکا یوازې دروسي پوځونو له بیرته تللو سره مینه لرله همدا ډول امریکا له روس نه ددې خبرې هم ضمانت غوښت چې د جنوبي امریکا په څېنې هیوادو کې باید روسان خپله لاسوهنه بنده کړي ددې لپاره چې هلته امریکا یان خپل ګټنولي حکومتونه دمخالفینو له بریالیتوب نه بچ وساتي .

روسانو چې کله له خپل ټول توان سره سره افغان مجاهدین په کونډو کولو ته مجبورنکړای شول او دخپلې ناکامۍ ښکاره نښې یې په سترګو ولیدې نوروسانو او څېني لویدیځو حلقو دا خبرې پیل کړې وې چې دروسانو له وتلو وروسته به په افغانستان کې واک چا ته سپارل کیږي ، ځکه چې په پاکستان کې دافغاني مجاهدینو اوه (۷) دیادوني وړ ګوندونه موجود دي او دهمدغه ګوندونو مجاهدین په بیلابیلو سیمو کې په جګړو بوخت دي او هره ډله خپل تشخص برقرارساتل غواړي ، خوترکومه ځایه چې دافغان جهاد پوري اړونده ده ،هغه دټولو په وړاندې یوه سپیڅلي او مهمه فریضه ده ، ددغو او وګوندونوتر منځ په څېنو مسایلو کې اختلاف شته خو دا یې مطلب نه دی چې هغوی به دبا ندنیو یرغل پرخلاف پراصولو سوداکولو ته ګرداکړی ورکړي او یا دپخوانیو واکمنو"چې دروسي یرغل لپاره یې لارهمواره کړې وه" منلو ته تیار شي، لکه چې کله څېني لویدیځو حلقو دظاهرشاه دبیرته راتلو آوازې خپرې کړې ، دروس او امریکا نماینده ګانو ورسره خبرې اشرې وکړې او افغانستان ته یې دهغه دبیرته تلو پرامکان غورپیل کړ، نو افغاني مجاهدینو یې پرخلاف سخت احتجاج وکړ، لاچې ظاهرشاه یې دخپلو ګردو مصیبتونو اصلي عامل وګاڼه ، دا هم ربښتیا ده چې پر افغانانو ددومره مصیبتونو له راتګ سره سره او دومره شدیدا یمان تازه کونکي جهاد پروخت ظاهرشاه دموء منو افغانانو په باب دوه خبرې هم نه دي کړي ، کله یې هم د افغان جهادله مشرانو سره دجهاد دبریالیتوب لپاره اړیکې قایمې نکړې . ځکه چې هغه ښه پوهیده چې افغاني موء من مجاهدین هیڅکله هم دهغه منلو ته تیار نه دي، البته دپیر سیداحمدګیلاني په باب ویل کیږي چې هغه په روم کې له ظاهرشاه او دهغه له نماینده ګانو سره ملاقاتونه کړي خو یو افغاني حلقې هم دا په ښکاره نه دي ویلي چې ظاهرشاه دې بیرته راوغوښتل شي، یا دا چې دافغانستان دشخړې دحل لپاره دې دظاهرشاه مشرې ومنل شي داهرڅه له دې امله نه دي شوي چې افغاني مجاهدین ظاهرشاه ته هیڅ اړتیا نلري، مجاهدینو دخدای (ج) پرتوکل دهېري نادارۍ په حالت کې دیوسترمادي ځواک پرخلاف جهاد پیل کړا و الله تعالی ورته دمرستې وسایل هم پیداکړل .

دژینیو له معاهدې وروسته چې کله دروسي پوځونو بیرته تګ پیل شو نو دمجاهدینو په باب دامریکا په سیاست کې تغییر ښې له وړا یه په ښکاره کیدو شو، دوسیع البنیا دحکومت داسې آوازې خپرې شوې چې په ظاهرا " ډیرې په زړه پورې وې خو ددغه شخړې اغیزمن حل ترې یکې په نظر را تلو خو په دغه پراخ بنسټي حکومت کې دنجیب حکومت ته هم یوه برخه ورکول لوزورا چول کیده ، مقصدترې دا وچې مجاهدین دیوه فیصله کوونکي قوت په حیث مطرح نه شي او په دې ډول دافغانانو دا سلامي جهاد له بریالیتوب وروسته به افغانستان کې یو آزاد اسلامي او بې طرفه حکومت منځته

را نه شي .

امریکا او روس دواړه د دې خبرې منلو ته تیار نه دي چې د جهاد او انقلاب له پیچلیو مرحلو څه په بریالیتوب سره د تیرو شویو جګړو افغانانو په لاس په افغانستان کې یو اسلامي حکومت جوړ شي، ځکه چې پر اسلام کلک ایمان لري روسان خو لا پخپل ګاونډ کې د یو اسلامي حکومت له جوړیدو نه په ویره کې دي. او همدا علت دی چې دغه دواړه مادي سترځواکونه په هڅه کې دي چې په هر ډول وي په افغانستان کې د یوه اسلامي حکومت د منځته راتلو مخه ونیسي.

او د مجاهدینو ټولې ټوټې ټوټې کړي او پر ځای یې د خپلې خوښې یو ګروپ را منځته کړي، امریکا د ژینو له معاهدې وروسته خپل سیاست ته په مکمل ډول تغییر ورکړ او د مجاهدینو مرستې یې بندې کړې او ساسي بکې تعطل راووست په افغانستان کې یې د یو داسې پراخ بنسټي حکومت آوازې خپروي چې د نجیب حکومت یې کې ګډون ولري، ښکاره خبره ده د کوم حکومتي نظام او طاقت پر خلاف چې مجاهدینو لس کاله جهاد وکړ او په لکونو زلمي، ښځې، بوډاګان او کوچنیان یې شهیدان ورکړل، اوس به یې ور سره په اقتدار کې د قاتلانو ګډون معنی دا وي، چې د هغوی ګردې منډې تر ري د اقتدار تر لاسه کولو لپاره وي، د دغه پیشکش د منلو هدف به دا وي چې مجاهدینو د شهیدانو له وینو سره خیانت کړی، دا ګرد فسادونه د ژینو معاهدې خپاره کړي دي، که هغه وخت د ژنیو د معاهدې په باب له صبر او تحمل نه کار اخستل شوی وای اوس به د مجاهدینو په لاره کې دومره خنډونه نه را ولاړیدل، پدې ډول به په افغانستان کې یو آزاد او خپلواک حکومت جوړ شوی وای او د مجاهدینو د اوکوالي او د اسلامي حکومت په منځته راتلو کې به هیڅ ډول مشکل نه وای .

خو هغه وخت چې دواړو خواوو د سولې پر وړاندیز اتفاق وکړ د مجاهدینو جهاد ته یې زیان ورساوه، او په افغانستان کې د یو اوږدې کورنۍ او خپلمنځي شخړې دروازه پرانستل شوه، د سولې د موازي ورکړې اصول ظالم او مظلوم په یوه صف کې ودروي، دا مریکا کوښښ دا دی چې د مجاهدینو په صفونو کې داسې اختلاف پیدا کړي چې هغوی خوا ره واره شي او د جهادي قوماندانانو له هغوی سره مستقیمې اړیکې قایمې کړي، د امریکا د پوځي او مالي مرستو تر شا د هغوی هم دغه غوښتنه کار کوي چې د مجاهدینو اړیکې له خپل مرکز سره پرې شي او د تحریص او ترغیب له مخې پرې د هغوی پروګرامونه ومنل شي او له خپل مرکز نه په جدا والي کې دا مریکا مادي مرستې تر لاسه کړي چې په دې صورت کې به د قوماندانانو او تنظیمونو تر منځ بدګوماني پیدا شي او د اتحاد او انسجام قوت به یې له منځه ولاړ شي .

که چیرې یو ګل د دغو قوماندانانو له خپلو ګوندونو سره اړیکې پرې شوې بیا نو د امریکا خوښه ده چې مرسته ورکړي او که بندوي یې، نو په داسې صورت کې هغوی په ډیره آسانۍ سره خپلو شرایطو منلو ته تیارولای شي .

پدې ډول به دغه قوماندانان د ټول قام په نظر کې سپک او مردود وشمیرل شي، چې دا دامریکا یې چالونو هغه خطرناکه لوبه ده چې د مجاهدینو ګردې قرباني به له یوه سره پر اوبو یوسي، په همدې ډول باید ټول افغان قام او جهادي مشران د هغه خطرناک چال پر عواقبو خبر وي چې یوه کوچنۍ غلطي به یې له خپل اصلي هدف نه په میلونو لرې کړي، چې تر دې وروسته به بیا هیڅکله د آزادۍ روحیه په دې ډول را ټانده نکړای شي، کومې حوصلې او صبر چې هغوی په ډیره بې سروسامانۍ کې له خپل عزمه وانه ړول .

ایران: ناسیونالیزم و اعراب

وحید" مژده "

افتخار به نیاکان و تاریخ گذشته در میان هر ملتی کم و یا بیش وجود دارد. چنین حس افتخار در میان ایرانیان بشکل افراطی آن قابل تشخیص است ارائه این احساس در قالب یک اندیشه مدون ناسیونالیستی، با ظهور غرب زدگی بشکل افراطی آن با دورهٔ رضاخان مقارن بوده است.

غرب زدگی و ناسیونالیسم ظاهرا دو گرایش متضاداند زیرا ملی گرائی متوجه نمایاندن برتری های ملتی بر ملت های دیگر است درحالیکه بر عکس غرب زدگی احساس "خودکمتربینی" وحقارت را نسبت به غرب وتمدن غرب موجب میشود که لازمهٔ آن نفی ارزش های بومی وتقلید از مظاهر تمدن دیگران است درناسیونالیسم ایرانی از تلفیق این دوگرایش با هم درتضاد، شکل خاصی از ملی گرائی شکل گرفته است که در آن احساس تفاخر و برتری نسبت به همسایگان "اعم از عرب یا غیرعرب" واحساس کمتری نسبت به غرب، درهم می آمیزد.

دردوران رضاخان اجساد پوسیدهٔ کورش ها را از گورها بیرون کشیدند وهدف از چنین نبش قبرها این بود تا ایرانیان به گذشته های موهوم واساطیری خویش ببالند وچنین گمان کنند که ایران قبل از اسلام گذشتهٔ باشکوهی داشت که با آمدن اسلام آنرا ازدست داد. این ناسیونالیسم افراطی بزبان نیز سرایت کرد و" شوونیسم" زبان را بوجود آورد و با رواج به اصطلاح "سره نویسی" تلاش ها درجهت خالی کردن زبان فارسی از لغات زبان های دیگر بخصوص عربی آغاز شد.

البته شکل گیری ناسیونالیسم بعنوان یک اندیشه سیاسی تنها منحصر به ایران نیست ملی گرائی بعنوان یک اندیشه سیاسی درقرن نوزدهم میلادی دراکثر کشورهای اسلامی ازجمله در ایران واقعا نسبتا ن شکل گرفت. هر چند درتاریخ تفکر سیاسی اصطلاحا "جنبش های ناسیونالیستی" به جنبش هائی که مدعی حمایت از استقلال وآزادی ملت ها دربرابر استعمار اند اطلاق می گردد ولی درمیان کشورهای اسلامی ناسیونالیسم، بیش از اینکه درجهت مبارزه وطرد سلطه خارجی به مفهوم کامل آن کارگر بوده باشد به ایجاد خصومت وفاصله میان خود این کشورها انجامیده است. درتلاش برای سقوط امپراتوری عثمانی، انگلیس ها درتهیج احساسات ناسیونالیستی در میان اعراب کوشا بودند که سقوط امپراتوری عثمانی با سقوط این کشورها بکام امپراتوری انگلیس همزمان بود.

ناسیونالیسم که درایران بخصوص از دوران رضاخان تشویق وتقویت می شد از اسلام به این علت که امپراتوری سامانی را سرنگون ساخت متنفر بود و اعراب پابرهنه وبیابانگرد را که اسلام آنان را چنین قدرتی بخشید حقیر می شمرد. روشنفکران ناسیونالیست درین دوره رواج مذهب تشیع درمیان ایرانیان را نیز عکس العملی ناسیونالیستی دربرابر اعراب بشمار آوردند زیرا شهربانو همسر حضرت امام حسین دختر یزدگرد ساسانی شاه ایران ودوفرزند امام (رض) علی اصغر وعلی اکبر ساسانی تبار وایرانی نژاد اند. درآثار اکثر نویسندگان – ناسیونالیست ایرانی ازجمله "پورداود" میتوان مطالبی ازین قبیل یافت.

ناسیونالیسم ایرانی به این شیوه احساس برتری وتفاخر درمیان ایرانیان را نسبت به همسایگان شان بخصوص اعراب تقویت نمود درحالیکه درجهت طرد سلطهٔ استعمار جدید و وابستگی به غرب به آن پیمانه موثر نبود. چنین طرز فکری خطری را متوجه رژیم حاکم ویا متحدین غربی اش نمی ساخت برعکس افتخار به دوهزار و پنجصد سال سلسله شاهنشاهی در ایران میتوانست رژیم را بعنوان اثری برجا مانده از افتخارات کهن ایران زمین در اذهان مردم ایران منزلت وقداست بخشد.

البته علمای مسلمان درایران دربرابر گرایش های ملی گرایانه که مشوق احیای مجوسیت بود خاموش نماندند. زیرا ناسیونالیسم بهر قالب وشکلی که عرضه شود با جامعه اسلامی "امت" مخالف است مبارزهٔ فرهنگی که در بسیاری از کشورهای اسلامی ازجمله درایران درجهت تقویت ناسیونالیسم براه افتاد بدون تضعیف وحتی امحای شخصیت اسلامی مردم ممکن نبود از این سبب علمای مسلمان درمبارزه برعلیه چنین گرایش ها پرداختند. حسن البناء، سید قطب ومودودی ازجمله کسانی اند

> دردوران رضاخان اجساد پوسیدهٔ کورش ها را از گورها بیرون کشیدند و هدف از چنین نبش قبرها این بودتا ایرانیان به گذشته های موهوم و اساطیری خویش ببالند وچنین گمان کنند که ایران قبل از اسلام گذشته باشکوهی داشت که با آمدن اسلام آنرا ازدست داد.

که درین مبارزه جای هیچ مصالحه‌ئی را باقی نگذاشتند.

در ایران انقلابیون مسلمان قبل از پیروزی انقلاب با ملی گرایان تا حدودی مدارا کردند بیشتر به این علت که از ایجاد شکاف درصف که ملی گرایان را نیز دربر می گرفت نگران بودند ولی بعد از پیروزی انقلاب امام خمینی با اعلام "ملی گرائی مخالف اسلام است" نظر خود را بصراحت بیان داشت.

ایرانی ها وافغان ها:

هر افغان وقتی قدم به ایران میگذارد نگاههای حاکی از نفرت وسوء ظن ایرانی ها را به چهرهٔ خویش احساس می کند چنین احساس نسبت به ما افغانها درمیان ایرانی ها ریشه تاریخی دارد. ایرانی ها افغانستان را کشوری می دانند که قبل از دوران احمدشاه ابدالی هرگز هویتی مستقل نداشته بلکه گاهی تحت سلطه هندوستان از شرق وزمانی تحت استیلای ایران از غرب قرار داشته است. به این ترتیب مورخین ایرانی یک قلم بر این واقعیت های مسلم تاریخی خط بطلان می کشند که سلطهٔ سیاسی یا نظامی بر کشوری الزاماً به معنی محو تاریخ آن کشور نیست. اگر چنین می بود افغانها نیز در دوران هائی از تاریخ خویش چون دورهٔ یفتلی ها، طاهریان، صفاریان، غزنویان، تیموریان هرات، وهوتکی های قندهار دورانی طولانی بر تمام یا قسمتی از ایران حکم رانده اند.

هندوستان نیز در طول تاریخ چند بار تحت تسلط افغانها قرار گرفت. آثار وبناهای تاریخی بجا مانده از عهد حکمروائی شاهان افغان در هند امروز نیز در هند موجود است که از آنان محافظت میشود بدون اینکه هندیان بر نام بنیان گذاران آن بناها خط بطلان بکشند وآنرا خدشه‌ئی بر تاریخ کهن خویش بشمار آورند. از آنجا نفوذ وانتشار اسلام در نیم قارهٔ هند بوسیله افغانها صورت گرفت، مسلمانان در هند وپاکستان از فاتحین افغان چون محمود غزنوی و احمدشاه ابدالی با احترامی آمیخته با تقدس نام می برند وحتی معروف است که شاه ولی الله محدث دهلوی فقیه نامدار مسلمانان اهل سنت در هند از احمدشاه ابدالی برای لشکرکشی به هندوستان دعوت کرد. در آن زمان مسلمانان با خطر بزرگ استعمارگران غربی از یکطرف واقوام (مرهته) که دشمن سر سخت اسلام ومسلمانان بودند از جانب دیگر قرار داشت. احمدشاه با حملهٔ هند، اقوام مرهته وسیک ها را به سختی درهم شکست واگر چنین نکرده بود خطر آن متصور بود که اسلام در نیم قارهٔ هند یکسره از میان برود.

این گونه وقایع تاریخی از طرف افغانها هرگز به معنی امحای تاریخ هند ویا ایران مورد بررسی قرار نگرفته است درحالیکه ایرانیان همیشه چنین کرده اند. آنان از یکطرف تاریخ گذشته افغانستان قبل از دوران احمدشاه ابدالی را یکسره نادیده می گیرند وافغانستان را در طول تاریخ یا قسمتی از هند ویا ایران بشمار می آورند واز طرف دیگر مردم این خطه را دارای صفات وخصوصیات کاملاً متفاوت با ایرانیان قلمداد می کنند از آن جمله (سید مهدی فرخ) مورخ ایرانی که در دوران امان الله مدتی وزیر مختار ایران در کابل بود در کتاب خویش "تاریخ سیاسی افغانستان" چنین نگاشته است:

"مملکت افغانستان قبل از نادرشاه خراسانی دارای تاریخ مستقلی نیست زیرا تاریخ این قسمت ضمن سلطنت سلاطین ایران یا جزء سلسله سلاطین هندوستان ذکر شده است. تاریخ مستقل این مملکت در سال (۱۱۶۰) هجری (۱۷۴۷) میلادی که احمدخان درانی بدواً قندهار را متصرف وحکومت مستقل تشکیل داد شروع میشود"

وی در مورد خصوصیات افغانها مینویسد:

"مخصوصاً نقض عهد یکی از صفات عمومی افاغنه است واصولاً موضوع دوروئی وحیله ودروغ گفتن به یکدیگر در تمام تاریخ افغانستان یکی از صفات ممیزهٔ افغانها بشمار می رود."

وبعد توصیه‌ئی برای اخلاف خویش در مورد افغانها دارد.

"چیزیکه در این تاریخ برای ما ایرانی [illegible] کردن این روحیهٔ افاغنه است که با نهایت اطمینان وقوت قلب باید متیقن باشیم که دولت وملت افغان عموماً وافراداً افاغنه بدون استثنا هرچه می گویند دروغ است. به هیچ قسم وعهد وسوگند وتعهد وقرآن مهر کردن ویا لاخیره به هیچ صورت به آنها نمیتوان اطمینان نمود. افاغنه بایدترسید"..

چنین نظر در مورد افغانها را بعضی از نویسندگان دیگر ایرانی نیز ابراز داشته اند حتی در کتابهای تاریخ که در مدارس ایران تدریس میشود حکومت هوتکی های قندهار بر ایران شورش گروهی راهزن به شمار آمده ودر محترمانه ترین تعبیر "فتنهٔ افاغنه" ذکر شده است.

اگر بالفرض بپذیریم که افغانستان تا سال ۱۹۴۷ میلادی از خود تاریخ مستقل نداشته وتا قبل از آن تاریخ جزئی از ایران بوده است طبعاً این سلطه زمامداران ایران تنها کوه ها دره ها و دشت های این سرزمین را دربر نمیگرفته بلکه مردم این سرزمین را نیز شامل می شده است. اگر فرضاً چنین بوده باشد پس چگونه این مردم از خصوصیات ایرانیان مسلط برخویش بهره‌ئی نبردند بلکه بقول "مهدی فرخ" (عموماً) و (بلا استثناً) دارای صفاتی مذموم چون بدعهد ودروغگو وغیرقابل اعتماد اند؟!

از طرف دیگر تاریخ شاهد است ودانشمندان ایرانی خود نیز به این حقیقت معترف اند که نژاد آریائی و همچنان زبان دری که ایرانیان امروز به آن افتخار می کنند از افغانستان بسوی ایران رفته بناءً ادعای برتری نژاد از طرف ناسیونالیست های ایرانی نمیتواند منطقی باشد. اگر ایرانیان از اعراب داشته باشد و فرهنگ مردم این خطه تاثیرپذیرفتند ولی از عادات مذموم آنان بیگانه ماندند؟ چطور شد که مولانا جلال الدین بلخی، ابوعلی سینا، جامی، عنصری، خواجه عبدالله انصاری وصدها تن دیگر از بزرگان ودانشمندان که امروز ایرانیان از آنان بعنوان افتخارات تاریخی خویش نام می برند از این قاعده مستثنی ماندند ولی فرزندان آنان مردمانی دروغگو وغیرقابل اعتماد اند؟

ناسیونالیسم افراطی در ایران که همانند بسیاری از کشورهای دیگر اسلامی از حمایت استعمارگران برخوردار بود موجب فاصله وشکاف میان ایرانیان وافغانها گردید. استعمارگران میدانستند که اگر ملت های مسلمان با هم متحد [illegible] حصر مواجه خواهند شد از همین جا بود که روشنفکران وابسته به استعمار در ایران بشدت درصدد مخدوش نمودن چهره همسایگان این کشور از جمله افغانها در ذهن مردم ایران برآمدند وناسیونالیسم ایرانی فقط یک ملت را شایستهٔ افتخار شمرد و آنهم ملت ایرانی بود.

منحط ترین شکل ناسیونالیسم [illegible] روشنفکرانه است که در آن به برتری یک ملت برسایر ملت ها تاکید میشود وسالهای طولانی این باور در ذهن ایرانیان القاء شد.

بعد از پیروزی انقلاب:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران این کشور اکنون توجه بسیاری از نهضت

های آزادیبخش درسراسرجهان قرار گرفت. ازآنجاکه ادعای جهان شمول بودن این انقلاب با اکتفا نمودن پیامش درمحدودهٔ تنگ یک قلمرو ملی به هیچ صورت توافق نداشت امکان تصادم با ملی‌گرایان ازهمان ابتدای کار محتمل می نمود البته رهبران انقلاب درابتدا از تصادم مستقیم با مسئله ملی گرائی خودداری ورزیدند. دردولت موقت مهندس مهدی بازرگان شخصیت هائی از جبهه ملی نیز عضویت داشتند ولی بتدریج تضاد ملی گرایان با جمهوری اسلامی آشکار شد و امام خمینی بصراحت اظهار داشت: "ملی گرائی مخالف اسلام است" نفی ملی گرائی لازمه وجود رژیمی بود که رهبری همه مستضعفان جهان را دربرابر استکبار بعهده دارد وازآنجاکه بسیاری از دولتمردان رژیم جدید خود سالها را بدور از میهن خویش بسر برده ودرآن کشورها تاحدزیادی ازآزادی عمل برخوردار بودند طبعاً باید با دیدوسیع ترازدایره تنگ ملی گرائی به جهان می نگریستند که درابتدا چنین نیز بود ولی عوامل چند موجب گردید که رژیم جدید نیز به نوعی گرایش خاص "ملی ـ مذهبی" متمایل گردد.

نخستین مسئله موضوع ملیت های کوچک درداخل قلمرو جمهوری اسلامی ایران چون اعراب، کردها، بلوچ ها و ترکمن ها بود این ملیت ها هرکدام خواهان یک سلسله حقوق وآزادی ها برای خویش بودند هرچندگروه های چپ ازوجود چنین تمایلات برای نفوذ خویش درمیان آن ملیت ها سود جسته بودند ولی سازمانهای اسلامی وچه غیراسلامی معامله یکسان نمود و مردم این مناطق که اکثراً "سنی مذهب" اند خود را عملاً "تحت سلطهٔ ملیت های دیگر چون فارس وترک یافتند، تاکید جمهوری اسلامی بر مذهب شیعه جعفری بعنوان یگانه خط اصیل اسلامی برمردمان این مناطق که اکثراً اهل سنت وجماعت اند سخت ناگوار افتاد.

سرکوب دولت درمناطق سنی نشین بر مسلمانان که ازطرف گروه های چپ نیز تحت فشار قرار داشتند شدیدترین ضربه ها را وارد آورد ازیکطرف مسلمانان اهل سنت عملاً" از تحرک وفعالیت سیاسی باز داشته شدند ورهبران شان بزندان افتاد واز جانب دیگر درنتیجه عقده ئی که خلق شده بود بسیاری ازجوانان ناآگاه بدام گروه های غیراسلامی افتادند. بعضی ازرهبران دوراندیش انقلاب ازهمان ابتدا باچنین اقدامات مخالف بودند ازجمله آیت الله طالقانی که برای حل چنین مشکلات برایجاد شوراهای اسلامی درین مناطق تاکید داشت ولی به چنان پیشنهادات وقعی نهاده نشد.

مسئله دیگری که ملی گرائی آمیخته با مذهب تشیع را درایران تقویت نمود مسئلهٔ جنگ با عراق بود. رژیم عراق که خود سالهای طولانی بعلت دشمنی دیرینه با رژیم شاه میزبان مخالفان آن رژیم ازجمله آیت الله خمینی بود بعد از پیروزی انقلاب اسلامی درایران خود را درمعرض خطری مشابه باآنچه که رژیم شاه را درایران ازپا درآورد ازجانب مسلمانان درکشور خود یافت ازطرف دیگر ایرانیان مست بادهٔ پیروزی و تشنهٔ جنگ با امریکا سفارت آن کشور را درتهران اشغال وعده ئی ازدیپلومات های امریکائی را به گروگان گرفته بودند ولی جنگ اصلی هزاران کیلومتر دورتر ازخاک امریکا وتاحدزیادی در داخل خاک ایران آغاز شد. عراق درطول جنگ با ایران ازپشتیبانی بی قید وشرط اکثریت کشورهای عربی برخوردار بود که هریک بعلتی ازایران متنفر ویا درهراس بودند.

ناسیونالیسم عربی موفق شد صف بسیاری ازکشورهای عربی را دربرابر ایران متحد سازد وجمهوری اسلامی ایران نیز به تهیج احساسات ملی، مذهبی در میان مردم ایران پرداخت.

همانگونه که قبلاً اشاره شد ناسیونالیسم ایرانی دردوران قبل ازانقلاب موجب احساس تفاخر وبرتری نسبت به همسایگان را موجب شده بود بدون اینکه درجهت مبارزه برعلیه احساس کمتری نسبت به غرب درمیان مردم ایران تاثیری جدی ازخویش بجا بگذارد ولی دردوران بعد از انقلاب بلخصوص دردوران جنگ تقویت احساسات ضدغربی نفرت ازغرب را موجب شد بدون اینکه ازاحساس تفاخر وبرتری ایرانیان نسبت به همسایگان شان چیزی کاسته باشد. تاکید دولتمردان ایران برروی مذهب "شیعه جعفری" بسیاری از نهضت های آزادیبخش درکشورهای اسلامی را ازایران دلسرد ساخت.

ایران درجنگ با عراق روی تمایل شعیان عراق به نفع خویش زیاد حساب می کرد وامیدوار بود که آنان باقیام خویش این جنگ را با پیروزی ایران به پایان آورند ولی چنانچه جریان وقایع شان داد شیعیان عراق درین جنگ به عصبیت خویش بیشتر از مذهب تمسک جستند ودرنتیجه جنگ خلاف آرزوی ایرانیان به پایان رسید.

باقی دارد

جنوبي افريقا: دانسانيت پرلمن توږداغ .

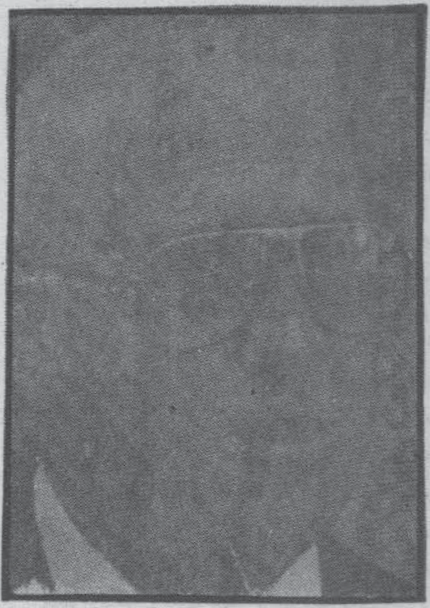

– دحاکم گوند قائم مقام مشر "ایف" دبلیو، دي کلرک "

له تکبیر څخه :
ژباړن : عوض الدین "صدیقی "

په جنوبي افریقا کی دانتخاباتو او دهغه څخه دلاس ته را غلو نتایجو بانندی ترتبصری مخکی لازمه بریښي چی ددی هیواد سیاسي کشمکشونو ته یو نظر واچول شی. ددی هیواد دنفوس د (۱۹۸۵) کال داحصائیی مطابق شپږ ویشت ملیونه یو لک او څلور ویشت زره کم او زیات نفوس لري چی په دی کی سپین پوستي ، څلور ملیونه اونه لکه اولس زره (۱۰ ر ۹ ر ۴) غنم رنگی دوه ملیونه نه لکه اودوه ویشت زره (۲۲ ر ۹ ر ۲) آسیایي اوسیدونکی نه لکه اوپنځوس زره (۵۰ ر ۹)

اوتورپوستي یی اتلس ملیونه اوه لکه اته څلویشت زره (۴۸ ر ۷ ر ۱۸) دی . بنا یی دا احصائیه

تردیره حده سمه نه وی ځکه چی په هغی کی دتورپوستو اوسیدونکی شمیر ډیر کم ښودل شوی او بل دا چی دا دولتي احصائیه ده او هغه دسپین پوستو په لاس کی وی او تل دوی ددی دعوا کوی چی تورپوستي ډیر کم دی، خیر په هرصورت دا احصائیه چی هر ډول وی په خپل ځای به یی پریږدو اصلي خبره دا ده چی تورپوستو نه ددی سره سره چی ددی سیمو اصلي اوسیدونکی دي درایی ورکولو حق نه دی ورکړل شوی ددی هیواد دپروگرام مونه دری شوراگانی پرمخ بیایی یوه اسمبله چی دغړو شمیر یی د ۱۷۸ کسه دی چی خاص دسپین پوستو لپاره ده د "نمایندگانو شورا" چی دغړو شمیر یی (۸۵) کسه دی اوخاص دغنم رنگه خلکو لپاره ده د "وفودونو شورا" چی دغړو شمیر یی (۴۵) کسه دی اوخاص دآسیایي اوسیدونکو لپاره ده ددی دری واړو شوراگانو انتخاباتي ځانگړی او حلقي دهغوی په نژادپوری اړه لري. خو څلورمه ډله یعني تورپوستي چی تر ټولو زیات هم دی او دسیمی اصلي اوسیدونکی هم دی دپیل څخه درأیی ورکولو حق نه لري. ددی دری واړو شوراگانو څخه پارلمان جوړ شوی چی د قانون جوړولو دارې یی په پارلمان کی (۱۷۸) سپین پوستي (۸۵) کسه غنم رنگی او (۴۵) کسه آسیایي خلک پکښی گډون لري په دی ډول دقانون جوړولو اصلي اختیار دسپین پوستو په لاس کی دی که څه هم چی دلته نوروډوشوراگانو (دنمائندگانو شورا او دوفودونو شورا) غړی هم په خپلو ځانگوکی دقانون جوړولو محدود اختیار لری خو دهغو دهر ورا ندیز منظوری دپارلمان څخه ضروری ده په دی ډول دوی هم دسپین پوستو رحم او مهربانی ته منتظر دی . جمهور رئیس په خپله خوښه کابینه ټاکي که څه هم چی ددری واړو شوراگانو څخه وزیران انتخابوی خو سپین پوستي پکښی بیخي زیات دی، هر وزیر ځان ته یوه شورا لري چی دهری ډلی څخه دیوه یوه تن په گډون جوړه شوی دی .

او فیصله به هم بیا اکثریت کوی، په دی ډول تل اکثریت سپین پوستي او کله ناکله غنم رنگي وی او په اقلیت کی تل آسیایي اوسیدونکي واقع کیږي ، دآسیایي سیمو اوسیدونکو اصطلاح په دی خاطر رواج موندلی چی ددی سیمو خلکو تقریبا" سل یونیم سل کاله پخوا دآسیا څخه هجرت کړی او اوس ددی هیواد اصلي اوسیدونکي شمیرل کیږي .

جمهور رئیس (۸۸) غړی انتخابوی چی په هغوکی (۵۰) تنه سپین پوستو څخه (۲۵) دغنم رنگو څخه او (۱۳) دآسیایي اوسیدونکو څخه وی . جمهور رئیس په حتمي ډول تل دسپین پوستو څخه ټاکل کیږي ځکه چی په هرصورت کی سپین پوستي د غنم رنگو او آسیایي خلکو څخه زیات وی دجمهور رئیس شورا د (۶۰) غړو څخه جوړه شوی چی په هغې کی (۲۰) تنه سپین پوستي (۱۰) تنه دغنم رنگي او (۵) تنه د آسیایي سیمو غړی گډون لري او پاتی (۲۵) تنه جمهور رئیس په خپلی خوښی ټاکي جمهور رئیس او ټولي شوراگانی د پنځو کلونو لپاره ټاکل کیږي جمهور رئیس دکابینی مشروی اودکومی شورا غړیتوب نه لري .

اوس که داټول نظام وڅیړل شی دسپین پوستو خلکو دلوړوالی او ظالمانه حاکمیت او دنورو نژادونو دحقوقو تر پښو لاندی کولو پرته هیڅ هم لاس ته نه راځي. سپین پوستي خلک کوم خاص اروپائی هیواد پوری اړه نلري بلکی یو اځی سپین والی یی مشترکه وجه ده . ددوی اکثریت د(ولندیزی) له نسل او نژاد څخه دی او پاتی نوریی اکثره دانگلیسی، فرانسوی ،جرمنی، ایټالوی، یونانی، او پرتگیزی له نسل څخه دی. دوی ټول خپل مراسم دعیسوی مذهب مطابق سرته رسوی ، هغوی دغربي ژبو څخه یوه مشترکه خاصه ژبه "افریکن - African " . په نوم دځان لپاره جوړه کړی او دهیواد دولتي او رسمي ژبه یی گرځولی، ددی

ځغلنده کتنی ورو، سته اوس راځو په جنوبی افریقا کی اوسنیو انتخاباتو ته چی په ځلورو برخو او محاذونو کی ویشل شوی .

١ ــ دتور پوستو له خوا دسپین پوستو د اقلیت پرخلاف مظاهری او په قدرت کی د شریکیدو او دراءئی دحق دلاس ته راوړلو هلی ځلی .

٢ ــ دغنم رنګو او آسیا یی خلکو له خوا دتور پوستو دراءئی دحق دلاس ته راوړو پر ملاتړ مظاهری او هلی ځلی او دموجوده حکومت سره دا ړیکو شکولو هلی ځلی .

٣ ــ دسپین پوستو تر منځ دنژادی امتیاز دله مینځه وړلوا و دتور پوستو سره دخبرو له لاری دیوی تګلاری دغوره کولو هلی ځلی.

٤ــ دحاکم سپین پوستی ګوند "نشنل ګوند "له خوا دتپولو دکړ شویو نژادونو او ګوندونو په مقابل کی هلی ځلی او د (١٩٤٨) څخه تر ننه پر له پسی (٤٠) کلن قدرت دساتلو هلی ځلی .

ترکومه ځایه چی دتور پوستو خلکو پوری اړه لری هغوی ددی نژادی بنست پر اساس جوړشوی حکومت په مقابل کی د اول څخه هلی ځلی کړی او تر څنګ یی دټولو جمهوریت غوښتونکو او انسانی کرامت ساتونکو هیوادونو ددوی څخه دملاتړ آواز اوچت کړی. دملګرو ملتونو داسی غونډه به نه وی چی ددی نژادی امتیاز دله مینځه وړلو پر خلاف قرارداد په کښی نه وی منظور شوی ، او پر جنوبی افریقا باندی دبندیزا و پابندی لګولو فیصله نه وی شوی .خو په دی فیصلو باندی هیڅکله هم عمل نه دی شوی ځکه چی انګلستان تل دا فیصله "ویتو" کړی دتور پوستوا وسیدونکو ددی خوځښت او هلو ځلو تر څنګ دغنم رنګی ، آسیا یی سیمو اوسیدونکو او ځینی نور ګوندونه هم دریدلی او هغوی په مجموع کی یو نوم (عوامی جمهوری خوځښت) اېښی دی ــ خوځښت تل دنژادی امتیاز ونو پر خلاف هلی ځلی کړی خو حکومت هم ددوی پر خلاف غلی نه دی ناست او خپل ظلم او وژنی ته دوام ورکوی .په مظاهره کوونکو یی ګولی چلولی ګازیی وربا ندی استعمال کړی، سپی یی وربسی خوشی کړی او په زرها وته یی نیولی او بند ی خانو ته یی اچولی .دنظامی قانون په اساس چی کلونو کلونو را هیسی حاکم شوی اخبارونه ددی خبرونو دچاپولوا و عکسونو دخپرولو حق نه لری دستمبر په دوهمه پنځوس ژورنالستان چی دبیلابیلو هیوادونو څخه دانتخاباتو دجریان لیدلو په خاطر راغلی وو په "کیپ تاون " کی دی:

"سی،آی ، وی " په دفتر کی وساتل شول دکمرو څخه یی فلمونه وایستل شول او خبردا ری ورکړ شو چی دیوځی قوانینو په اساس دی خپل کارونه پرمخ بوځی. دنژادی امتیاز دقانون پرخلاف دهلو ځلو کوونکو اصلی مراکز په "کیپ تاون " ــ " جو ،هنسبرګ " او "دربن "کی دی.دتور پوستو خلکو زیات شمیرد"جو هنسبرګ " تر څنګ یوی سیمی کی پراته دی.هغه سیمه هم دنژادی امتیازونو دله مینځه وړونکو مبارزینو یو مرکزدی په "کیپ تاون "کی پارلمان موقعیت لری په دی خاطر د ی سیمی کی دنیلی امتیازونو دله مینځه وړلو خوځښت دیر قوی دی. ددی خوځښت مشری دپارلمان دتعمیر تر څنګ له یو تعمیر څخه "آرچ بشپ توتو "او دهغه ښځه کوی.هغوی ددی ټولو مظاهرو رهبر ی کوی تل نیول کیږی،بندی خانی ته اچول کیږی او بیرته ما ښام دځوورځو ساتلو وروسته خوشی کیږی ، او خبردا ری ورکول کیږی.دا کار تقریبا" هره ورځ جریان لری ، دی خوځښت نه دا چی یوا ځی په دی هیوا دکی یوه ژوندی روحیه راژوندی کړی بلکې دبر تا نوی دنژادی امتیازونو پرضد دا ووګوندونو مشر "آرچ بشپ آف ــ کنتربری می بیرنګتن " یی هم متاء ثر کړی هغه جنوبی افریقا ته راغی او پر حکومت یی د "آرچ بشپ توتو" او دهغه پر ښځی دظلمونو له امله انتقادوکړ .

همدا رنګه ځینی نوری ډلی هم شته چی اصلا" ورته دراءیی ورکولو حق شته مګر هغوی په دی انتخاباتو کی تردی وروسته چی فکر یی وکړ ددی حکومت منل دهغه سره دمرستی معنی لری په انتخاباتو کی برخه وا نخسته همدا دول دوو اسلامی تنظیمونو هم دمسلمانو محصلانو تنظیم او اسلامی خوځښت ، په دی انتخاباتو کی دبرخی نه اخستلو فیصله وکړه اوددی دکر شویو تنظیمونو په مشترک ډول دا آواز ــ پورته کړ چی "راءیی مه ورکوئ"اودا مسئله یی دی حدته ورسوله چی ځینو اسلامی علماءو دا کار حرام وبا له خو ځینو نورو بیا استدلال کولو چی حکومت په دی ډول نه اصلاح کیږی چی مو پوره څخه وځو .دی تحریک تردی شعارلاندی چی "راءیی مه ورکوئ " ورځ په ورځ وسعت پیداکړاو تردی چی دانتخاباتو په ورځ حتی بوا میدوارهم دلس فیصدو څخه زیا تی راءیی لاس ته را نه وړی او اکثره کاندیدا ن دسلورا یو په ګټلو سره بریالی شول .زه په دی سفر کی په "جو، هنسبرګ " کی اوسیدم هلته تقریبا" (٩٩) فیصده مسلمانان میشته دی. دستمبر په (٦) باندی کله چی زه دانتخاباتو دجریان لیدلو په خاطر دکور څخه ووتم و می لیدل چی دیوه بوونځی تر څنګ په لسها و موټرد ریدلی پوځیان یکی ناست وو او له ټولو سره مخابری وی هری خواته پولیس تر نظر راتلل،تردی حده چی دخلکو څخه پولیس زیات وو ،حتی ځینی پولیس په شخصی کالیو کی هم راوتلی وو. دراءئی ورکولو ځای ته به دزیات شمیر وروسته یو تن راغی راءیه به یی واچوله او بیرته به په تیښته روان شو زه دزیاتو سیمو تر لیدلو وروسته د (یری توریا) یوی سیمی " دیم" ته لاړم هلته په زرها و مسلمانان میشته دی، دلته دیوی خوا خلکو دانتخاباتو په ځا یونو کی راءیی ورکولی او ددی تر څنګ

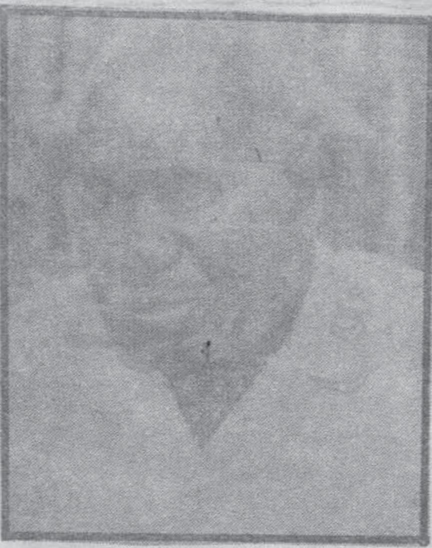

ــ دزیمبابا مشر " کینت کاونډا "

دراءیی ورکولو ځای ته مخامخ جومات کی مسلمانانو خوا نانوا و پنځو شعارونه ور- کول او راءیی ورکوونکی یی په بی غیرتی تورن کول . پولیسو جومات دشا او خوا څخه محاصره کړی وو او چا به چی دباندی راوتلو کوښښ وکړ نو پولیس بیرته جومات ته تیل وهل ما غوښتل ددی حالاتو یو عکس واخلم خو دا کتر سلمان ندوی تر ی منع کړم او راته وی ویل :کمره وی پټه کړه چی که پولیس دی وویني بندی به دی کړی دلته، ژورنالیستی آزادی نشته.

دانتخاباتو په باب یکا ټکی هندوانو هم رګډون کړی و ، خو په دی تحریک کی دومره فعال نه و ، او دتحریک اصلی کار غنم رنګو او آسیا یی اوسیدونکو پر مخ بیولو او س به را شو دحاکمو خلکو بحث ته هغوی په څو ګوندونو کی راټول شوی خو په هغوی کی دری پیژندل شوی ګوندونه دی. نشنل ګوند(N.P.) دیموکراتیک ګوند او کنزرویتو ګوند .

اصلي مقابله په اوسنيو انتخاباتو کې ددې دريو گوندونو ترمينځ ده دهغوی تو پير دهغوی منشورا و مرامکی روښانه دی. دهرگوند په مرام کی دهولسيزی آرامی سوکالی او خلکو ته دښه ژوند مهيا کولو ذکر شوی ليکن موږيې دلته يواځی دنيل امتياز ونو په باب دهغوی په پالسو غږېږو چی په دې هوا دکی برهو برا جمه مسه - ه ددری وارو گوندونو له مرام ځخه معلوميږی چی ډيموکراتيک گوند دنژادی امتياز له مينځه وړل غواړی. خو حاکم نشنل گوند په دی برخه کی ځه مراعات نه کوی، او دا ارتجاعی گونددهغو جبوبی "اورکر" سبين پوستو ځخه جوړ شوی.

چی دنورونژادونوا وهيوادونو ځخه راغلو خلکو ته د"انسان" امتيازورکولو باندې هم راضي نه دی. په انتخاباتو کی دهيلوسره سم نشنل گوندکامياب شوحودتيروانتخاباتو په عکس ددوی دولس چوکی ډيموکراتيک گوندا وولس چوکی "کنزرويټو" گوندنماينده گانو او کانديدانو وگټلی. دحاکم گوندمشر "بوتا"گوندته ديوی نوی ځيری ورکولو په خاطرتيره مياشت استعفی وکړه او دهغه په ځای پيژندل شوی "ايف ډبليو،دی، کلرک" دقائم مقام مشر په حيث دوفاداری لوړه وکړه هغه په دريو محاذونو کی پـو استخابی پروگرام جوړ کړ، دنوروهيوادونو او سيدونکو سره خبری، ددی مقصدپه خاطرهغه په (۳۰) داگسټ باندی د"زيمبابا مشر"کينت کوانډا" سره وليدل اوهغه تراتلس کالو وروسته هلته ددا خليدلو موقع پيداکړه. هغه د"انگولا"ـنارا ض او باغی مشر "سوامبي" سره هم وليدل هغه

"زائر "نه هم لاړا و ځلوروا فريقايی مشرا نوسره يی وليدل ددی ټولو هلو ځلو مقصد دنوروهيوا دونودا وسيدونکوسره تعا هم فضا پيداکول وو هلته هغه دهغو گوندونو مقابل کی چی انتخاباتوکی يی برخه نه اخيسته مبا رزه کوله او ديلی حوا

ـ دعوامی جمهوری حوځښت مشر آرچ بشپ ډسمندتوتو"

هغه ددوسپين پوستوگوندودفشار په مقابل کی چی انتخاباتو کی گډون يی وکړی ونه گټلی وکړې. په مجموعی ډول (NP) ۹۴ (CP) ۳۹ (DP) ۳۳ چوکی وگټلی.

(D.P.) نوی گوندی او په هغه کی زياتره هغه خلک شامل دی چی د(NP) ځخه ناراضه دی دزړه دبدلولو سرې عمليات کوونکی پيژندل شوی ډاکتر "برنارد"هم ددی گوند مشرانو ځخه دی هغه وايی:

"هغه روش چی سپين پوستی يی دتور پوستو سره کوی که هغه زما سره دا سی روش او معامله وکړی زه به دډاکټرپرځای د نړی لوی ترور يست شم. ډيموکراتيک گوند ډېر په چټکتيا سره پرمختگ وکړ او اميدکيږی چی ډېر ژر به خاص محبوبيت لاس ته راوړی ترټولو دلچسپ حالت د تورپوستو " لری هلته يو گوند هم اکثريت ونه گاټه " نولډريشی " په دی سوراکی ترټولو لوی گوند دی هغه هم په دی انتخاباتوکی مات وخوړ، هغه د جمهور رئيس ځخه غوښتنه وکړه چی هغو گوندونوچی انتخابات باطل اعلان کړل زموږ شورا ته يی نا وان ورسولو،

او موږ په همدی خاطرانتخابات وباطل باندانتخابات دسره وشی "نولډريشي" بواځي (۱۴) چوکی گټلی .نشنل گوند چی مشريی "امی جندراح هسنی "دی (۷۷) چوکی وگټلی ډيموکراتيک گوند دری چوکی وگټلی او نوريا تی چوکی ټولی آزاد و نماينده گانو اوکانديدانو وگټلی.

د" ښهال اندين کانگرس" ويندوی ـ ډاکټر فاروق وويل:"دا زموږ د کانگريس او"ام ، ډی، ام"بريا ليتوب دی چی د "راء يه مه ورکوی "تحريک او پروگرام دکارا چولولو له امله (۸۰) فيصده خلکو انتخاباتوکی برخه وانځستله"

پرانتخاباتي نا بحو باندی ترټولو ښه تبصره "ارچ بشب توتو" کړی،هغه وويل: موږ نه دا مهمه نه ده چی حاکم گوند واک ته راستنيږی لاس ته راوړی او کوم گوند ځو مره چوکی وگټلی زموږ دلچسپي له دی سره ده چی ځومره خلک ددی حاکم نظام پرضد دی او

ـ دډيموکراتيک گوند دوه مشران "زيک دی بير" او "وسيند ملان"

پاتی په (۳۷) مخ کی

مجلهٔ شفق از همه برادران صاحب نظر خواهشمند است که درین موضوع "موضع گیری و موقف همسایگان افغانستان در جریان جهاد ملت افغان" آراء و نظریات و نتایج مطالعات و تحقیقات خود را ارسال نمایند تا با ارائه نظریات متفاوت، این موضوع دقیقاً تجزیه و تحلیل گردد و از لابلای آن تصویر درستی از مواقف و اثرگذاری همسایگان ما بدست آید. ما با پذیرفتن اینکه مضمون خاضر جوانب مختلف مسئله را عمیقاً بررسی ننموده، برای نیل به هدفی که در بالا ذکر شد بچاپ آن مبادرت میورزیم.

تصاویر همسایگان در آئینه یازده سال جهاد و مقاومت

صهیب عبدالقیوم

فایق آمدن مبارک مجاهدین و شکست خجلت آور اردوی سرخ که حاصل یازده سال جهاد و پیکار خونین ملت قهرمان افغانستان علیه عظیم ترین توان نظامی عصر (روسیه) بوده در صحنه تاریخ سیاسی جهان معاصر معادلات و ارزشهای را به ارمغان آورد که مسیر و پروسه هر یکی از آنها نقطه ها و خطوط روشن دپلوماسی آیندهٔ جهان و مخصوصاً منطقه خواهد بود اندیشه زورگوئی کمونیزم که مدعی فتح آخرین قلهٔ های تاریخ بشری بوده در مصاف با شیرمردان سرزمین رزمجوئی افغان به چنان نیروی مواجه شد که گیجی حاصله از ضربت کاری آن برای همیشه کمونیزم را فلج ساخت به گونه ئی که شب و روز در هر گوشه و کنار جهان اخبار کناره گیری، گوشه نیشنی، عقب نیشنی وشکست نیروی های چپ و کمونیستی را از طریق رسانه های جمعی مداوماً میشنویم اگر بگویم انقلاب اسلامی افغانستان و یازده سال جهاد اسلامی ملت ما مبداء تاریخ جدید سیاسی جهان و سر آغاز عصر نوین مبارزه و مقاومت شده است حرفی از حقیقت دور نیست. بدون شک ظهور و بروز هر پدیدهٔ اجتماعی عمل و عکس العمل های شایداجتماعات بشری را طلب می کند، پا گرفتن و بزرگ شدن شجرهٔ طیبهٔ مقاومت و ایثار ملت ما تاثیرات عمیق و شگرفی را بر جهان سیاست و مخصوصاً همسایگان گذاشته است به قسمی که اثرات این جهاد بعضاً الهام بخش و آزادی بخش شاید انقلابات و جنبش های سیاسی و اسلامی شده و در مواردی ترس و اضطراب از آن و یا لجاجت و تعصب نسبت به آن موجب انحراف و انحطاط رژیم ها گردیده است.

درین مقاله در پی آنیم تا نظرگاه های کشورهای همسایه روسیه (که خود عامل تجاوز و ستم بر ملت ما بوده) چین، ایران و پاکستان، بیان کنیم و همین طور با اینکه امریکا همسایه ما نیست ولی چون نقش سیاست امریکا در ارتباط با این منطقه از آسیا و انقلابات جهانی اسلام قابل اغماض نیست و از طرفی کیفیت مداخلات و سیاست های غیر منطقی و غیر عاقلانه امریکا محتاج بررسی و ارزیابی است ناگزیریم مواضع امریکا را نیز تشریح کنیم و همچنان تشریح مواضع هند که خود را قدرت و توان بزرگتر در منطقه یعنی آسیای جنوبی مطرح ساخته قابل بررسی و ارزیابی است.

۱ - روسیه :

موضع گیری روسها را در مورد افغانستان با طرح سوالهای آتی میتوانیم ترسیم کنیم :

الف : چرا روسها به افغانستان لشکرکشی کردند و عساکر تجاوزگر شان را در جهت اشغال افغانستان غیر متعهد و غیر منسلک سوق دادند ؟

ب : چه چیز و کدام عامل باعث خروج نیروهای تجاوزگر روسیه از افغانستان شد بدون اینکه به اهداف سیاسی و نظامی خود دست یابند ؟

ج : آیا این خروج یک خروج تاکتیکی و خدعه آمیز است ؟ آیا تیلور تیوری آب های گرم از ذهن های سرد و محمد قصر نشینان کرملین زدوده شده و دیگر یاری از آن نمی کنند ؟

روسها به منظور رسیدن به میدان های نفتی خاورمیانه و تسلط بر تنگه هرمز و دست رسی به آبهای گرم در افغانستان کودتای ۱۹۷۸ را براه انداختند و طی آن حزب دیموکرتیک خلق افغانستان را به قدرت رسانیدند و بعداً در اثر مقاومت سخت مردم مسلمان و قهرمان افغانستان که حاکمیت حزب دیموکراتیک خلق افغانستان را به مخاطره انداختند. برای نجات و سقوط حتمی و حفظ برداشت و منافع خود دست به تجاوز زدند و به طور کلی هدف از این تجاوز روشها دو امر محسوس و مشهود بود:

۱ - نجات حزب مزدورش که در آستانه سقوط بود.

۲ - کوتاه کردن مدت و زمان رسیدن به میدان های نفتی خاورمیانه و آبهای گرم با اشغال بلوچستان پاکستان و احداث تاسیسات نظامی در ساحل میکران و از اینجا تحت نظر قرار دادن تنگه هرمز که تقریباً ۳۰۰ کیلومتر از آن فاصله دارد و در دست گرفتن کنترول جریان نفت و وسعت ساحه نفوذش به طرف جنوب.

و دیدیم که نهضت اسلامی در برپائی انقلاب اسلامی همه پلان های روسها را به ناکامی مواجه ساخت و با پایمردی و شهادت ها و رشادت ها و استواری در امر مبارزه علیه تجاوز روسها و تطبیق پلان های شومشان، روسها شکست فضیحتباری

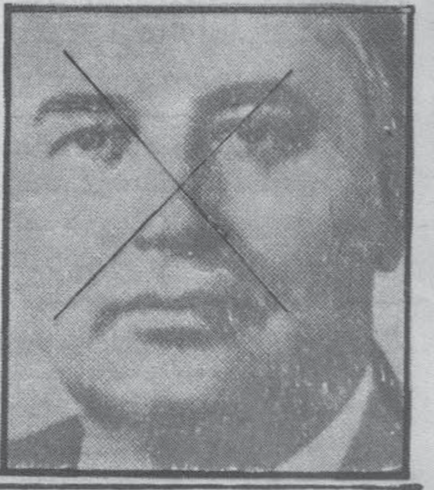

خوردند و نتوانستند که به اهداف سیاسی و نظامی خود در منطقه دست یابند و همین امر سبب خروج نیروهای روسی از افغانستان گردید. و اما در مورد خروج تاکتیکی روسها از افغانستان و تیوری آبهای گرم ضرورت به گسترش بحث داریم و ببینیم که آیا خروج عساکر روسی از افغانستان تاکتیکی و خدعه آمیز است یا صلح طلبانه ؟

از نظر ما خروج عساکر روسی از افغانستان تاکتیکی و خدعه آمیز است روسها شکست نظامی شانرا در لابلای خروج تاکتیکی نیروهایش پیچیده و به چشم بیمار و زخمی و خون آلود عساکر وحشی و ددمنش و سفاک شان اوراق جینوا را روکش کردند و پوشانیدند.

قبل از شروع ملاقات دسمبر ۱۹۸۷ گورباچوف و ریگان در یک مصاحبهٔ شبکهٔ تلویزیونی امریکا، گورباچوف چنین اظهار داشت:

" ما نمی توانیم که ارزیابی های خود را دیکته کنیم و یا راه خود را بالای مردم تحمیل کنیم این بر آنهاست که تصمیم بگیرند. "

و در همین مصاحبه گورباچوف ذکر کرد که " اگر امریکا در جستن راه حل سیاسی در افغانستان صادق باشد بزودی انجام خواهد یافت "

بناءً می بینیم که گورباچوف در مصاحبه خود دچار تناقض گوئی آشکار و برملا شده چه از یکطرف حق خود ارادیت ملت ها را به رسمیت می شناسد و از جانب دیگر مداخلت امریکا را در قضیه افغانستان ضرورت مبرم و عامل تسریع کننده می خواند درحالیکه طرف اصلی قضیه مجاهدین است نه امریکا.

و بعدها طی یک کنفرانس خبری دیگری گورباچوف چنین گفت: " ما برقراری یک رژیم طرفدار روسیه را در افغانستان نمی خواهیم و امریکا هم یک رژیم طرفدار امریکا را نباید تاسیس کند "

اینگونه اظهارات به صورت کلی نشان می دهد که طرف اصلی قضیه را که مجاهدین مسلمان و رزمنده هستند اعتراف نمی کنند و این امر برملا می سازد که گورباچوف شکست نظامی خود را با حملات برهم و درهم سیاسی پنهان می سازد و قضیه افغانستان را در بین قضایای بین المللی پیچ در پیچ می نماید.

در جنوری ۱۹۸۸ مأمور وزارت خارجه روسیه اناتولی دامیشین طی دیداری از هند در یک کنفرانس خبری موضع گیری روسیه را چنین تشریح کرد، "روسیه خواستار حل قضیه افغانستان به دو طریق اساسی است یکی آن به موافقه رسیدن مذاکرات ژینو و دیگران آشتی ملی."

اظهارات کاردار وزارت خارجه روسیه در هند با گفتار قبلی گورباچوف یکی نیست و تناقض آشکار به ملاحظه می رسد زیرا اصرار روسها در به قدرت ماندن رژیم کمونیستی و شرکت مردم و گذاشتن اسلحه های شان حاکی از ماجراجوئی و رذیلت سیاسی است، و همچنان از اظهارات وزیر خارجه روسیه در پایان سفرش از امریکا در یک کنفرانس خبری است که گفت " روسیه در قبال دولت افغانستان وظایفی دارد و این وظایف به اساس پیمان نیست مانند پیمان ۱۹۲۱ بین افغانستان و روسیه."

روسها با تمسک به سیمتری مثبت و پیمان های نظامی و اقتصادی و ارسال مواد غذائی، اسلحه پیشرفته و مدرن، جنگنده های میگ ۲۷ و میگ ۲۹، موشک های اسکاد بم های شیمیائی به دولت کمونیستی افغانستان که روزگار را به شمار می گذارند و سقوطش حتمی و نزدیک به نظر می رسد، تلاش وسیعی در حفظ آن دارد. و این امر نشان میدهد که روس ها با یک دولت غیرقانونی در افغانستان داخل معامله گری اند. آنچه در افغانستان روسها به نام دولت یاد می کنند دولت نیست بلکه دست مداخله گر و جنایتکار و خون آلود خودشان است و به خوبی نتیجه گیری کرده می توانیم که حاکمیت و تشکل حزب دیموکراتیک خلق افغانستان ادامه و استمرار سیاست استعمارگرانه و جنگ طلبانهٔ روسها است. و می بینیم که در قانونیت بخشیدن حکومت مزدور کابل تلاش وسیعی را به راه انداختند و از هیچ گونه تلاش دریغ نورزیدند. ولی دریغ که این خواست همچنان برای روسها غیر عملی خواهد بود.

۲ - امریکا:

درگیری و موضع گیری امریکا را در قضیه افغانستان میتوان با روشن ساختن سئوالات آتی جوکات بندی کرد:

الف: امریکا با آنکه حدود ۱۲۰۰۰ میل از افغانستان فاصله دارد چرا و چگونه خود را درگیر قضایای افغانستان ساخت؟

ت: آیا درگیری امریکا در قضیه افغانستان دفاع از حیثیت دینی و ملی افغانستان است یا دفاع از منافع خودش ؟

ج : درگیری امریکا به این منظور بوده که یک حکومت طرفدار امریکا را در جوار روسیه پایه‌گذاری کنند ؟

میدانیم که ریم لند محنه رورآزمائی ومطمع نظر ابرقدرت ها است امریکا درشرایط فعلی تقریباً" حاکم بر ریم‌لند Rim land است وتجاوز روسیه در افغانستان درحقیقت تحدید حاکمیت امریکا بر ایم‌لند به‌شمار میرود وازاینجا است که درگیری امریکا برای حفظ منافع خودش بوده ودرقدم دوم با استفاده ازموقع مناسب برای ضربه‌زدن حیثیت نظامی وسیاسی روسها .

واکنش امریکا درزمان کارتر تحریم بازی های اولمپیک وتحریم ارسال گندم به روسیه اعلام شدواما با اوج گرفتن جنگ بین عساکر تجاوزگر روسی ومجاهدین مسلمان افغانستان امریکا درزمان جمهوری ریگان سیاست ارسال اسلحه را به مجاهدین درپیش گرفت ودرضمن نیز تبلیغاتی را به راه انداخت که‌خودراعامل اصلی شکست کمونیزم معرفی کنند واز جانب دیگرتحدیدی که‌برمنافع اش عاید گردیده بودرفع سازد .وهمچنان برمردم افغانستان منت گذاشته وآنها را مطیع وفرمانبردار اعمال سیاست خوددرساحه ریم لند Rim land بسازدو باخیال آسوده وراحت مقدرات ملت ها را رقم بزند .

جهادمسلحانه درافغانستان پس از چندروزکودتای کمونیست ها درپکتیا و کنرها با سلاح دست داشته بدون درنظر داشت کمک خواستن ازامریکا ویا دیگر ممالک عربی شروع شدوملت روزبه‌روزبا درهم شکستن پایگاه‌های دولت خودرامسلح می ساختندوبرمراکزومواضع دیگردشمن یورش می بردندوتنها یک منبع کمک رااز همان شروع جهاد ،مجاهدین راه‌اسلام می شناختند که‌آن ذات احدیت بودوبس به‌جرئت میتوان گفت که‌بزرگترین منبع سلاح مجاهدین تصرف پایگاه‌های دشمن دربدل خون شان بوده‌ویگانه‌متکاء وقوت قلب شان توءکل ونصرت پروردگارشان .

امریکا با ارسال چندنوع ازاسلحه‌و درگیری اش درقضیه‌افغانستان خواست به‌صورت کلی اهداف آتی را درنظرگیرد .

الف : حفظ منافع اش درجاورمیانه‌ورفع تحدیدازخلیج فارس .

ب : بی اعتبارساختن قدرت نظامی روس ها درجهان .

ج : دیدخل داشتن خودرادرتعین دولت وحکومت آینده افغانستان ،تعیین بهترتامس به‌حیث نماینده‌ء دولت امریکا دررابطه‌باحکومت موءقت‌افغانستان نه‌به‌حیث سفیر ، جهت شکل دادن قضایای افغانستان درسطح جهانی مطابق پالیسی امریکا ..

امریکائی ها دربه‌قدرت رسیدن نهضت اسلامی که‌بنیان گذارجهادمسلحانه وعامل اصلی شکست کمونیزم‌درافغانستان است مترددانده‌وازآن هراس دارند که دردسری برای امریکا به‌بار خواهند آورد، امریکایی ها برپائی حکومت اسلامی را درافغانستان تحمل کرده‌نمی توانندومیدانندکه‌روزی صف آرائی ایدیولوژیک درساحه‌های مختلف سیاسی ، اقتصادی ونظامی براه‌خواهند انداخت که‌بمعنی‌قطع‌تسلط امریکا ازمنطقه خواهدبود. وازجانب دیگرامریکا این راخوب درک کرده که‌یگانه‌نیروو‌پشتوانه جنگ اعتقادراسخ مردم افغانستان به اسلام است واین نهضت اسلامی افغانستان است که‌جرئت اتکاروطرح عمل مبارزهء مسلحانه رابرضدسیاست تجاوزگرانه‌و استعمارگرانه روسهای جنگ طلب دردست داردوتوانمندی خودرادرپیروزی های میدان خونین نبردباحماسه‌آفرینی ها و شهادت ها ثابت ساخته وتخریب نهاد های این نهضت بعیدوحتی غیرممکن به نظرمی رسد ،چه‌اینکه‌روسها باتمام‌نیروی نظامی خودنتوانستندکه‌آنرا تخریب کنند وکوچکترین آسیبی ازلحاظ کیفی به‌آن برسانند ، ودرعوض خودروسها ضربات مهلک را متحمل شدندوسرهای زیادی شان درپای این نهضت مقدس‌گذاشته شد .

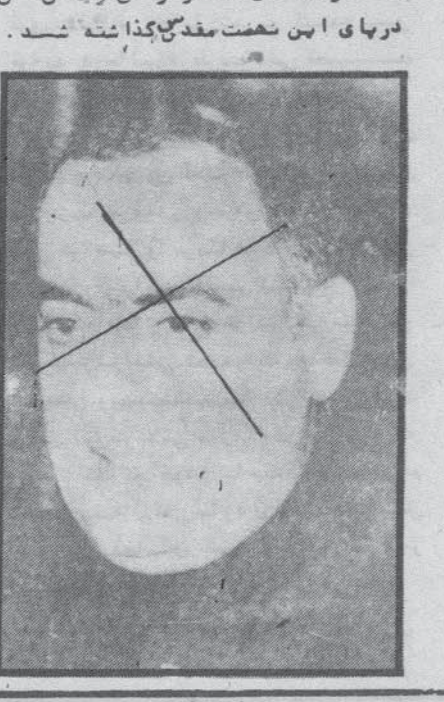

بناءً" موضع گیری وسیاست امریکا را در رابطه با مسئله افغانستان ذیلاً"خلاصه می سازیم .

الف : اجراء وتطبیق معاهده ژینو و سیمیتری مثبت درجهت ارسال اسلحه ، مجاهدین .

ب : سقوط رژیم کابل وازبین رفتن آن .

ج : تشکیل یک حکومت باقاعده‌وسیع

د : معرفی سیاست امریکا بحیث یگانه عامل خروج نیروی روسی ازافغانستان

ر : قراردادن حکومت افغانستان در آینده‌ء ازلحاظ سیاسی به‌حیث یک سیستم بغیر Buffer بین دوابرقدرت روسیه‌وامریکا وبدون تشخص سیاسی بر مبنای ایدیولوژیک .

اتخاذسیاست امریکا به‌صورت فوق دو هدف عمده رادربرداردکه‌یکی برگشت تسلط روس ها به‌مرزهای پیش ازکودتای ۱۹۷۸ ودوم با به‌میان آمدن یک حکومت باسیستم بغر Buffer حفظ وامنیت خودرا مدنظرداشته‌باشد .

۳ ـ هند :

درزمان مداخله‌نظامی روسها در افغانستان وزارت‌خارجه‌هند در۲۸دسمبر ۱۹۷۹ چنین اظهارداشت:"مطابق تعهد والزام دولت هندبه‌اساسات غیرمتعهد بودن ازحق حاکمیت مردم‌افغانستان برمقدرات خودشان دورازمداخله‌خارجی ها حمایت می کند "

در۳۰ دسمبر ۱۹۷۹ یک سخنگوی وزارت خارجه‌هندچنین اظهارداشت :

" ما نه‌ازکدام جناح حمایت می کنیم‌و نه برضدکدام جناح ایستاده‌گی می نماییم ما ناظر حالات هستیم "

بعدها که اندراگاندی درانتخابات برنده شدچندمرتبه‌خروج عساکرروسی را مطرح ساخت ازترس اینکه‌درموجودیت عساکرروسی درافغانستان وادامه‌تجاور پاکستان ازلحاظ نظامی بیشترمسلح خواهدشدودرپروگرام‌اتمی خودتسریع عمل خواهدبخشد .وبالاخره اینکه‌هند مدافع روسها درتجاوربرافغانستان درسطح بین المللی برآیدوازدادن رای جهت خروج عساکرروسی درملل متحدخود-داری کردوحرف میان تهی روسها را ـ " علت حضورنیروی های روسی درافغانستان مداخله غرب است " رابرزبان راند ،وبرضدحق خودارادیت ملت مظلوم افغانستان ایستاده‌گی کردواساسات غیرمتعهدبودن را پایمال کرد .

درسال های ۱۹۸۸ - ۱۹۸۷ زمانیکه بحث دیپلوماتیک برسرساختن ونوع حکومت افغانستان بعداز خروج نیروی های روسی به اوج خود می رسه درین زمان سفیرهند درروم اکبرخلیلی با شاه مخلوع ملاقات کردو مسئلهء حکومت را با آن درمیان گذاشت وهمچنان وزیردولت هندبرای امورخارجی نتوارسنگ درفبروری ۱۹۸۸ یک ملاقات ۹۰ دقیقه‌ئی با ظاهرشاه داشت بعداً" در ۲۴ فبروری راجیو گاندی اروری Arora را به کابل فرستاد وی دربحث خودبا داکترنجیب به میان آمدن یک دولت با قاعده‌وسیع که‌شامل بعضی ازگروپ های مجاهدین باشد را خاطرنشان ساخت وهمچنان درین زمان هنداز به میان آمدن یک حکومت اسلامی به دست مجاهدین مسلمان بنام بنیادگرایان ترس خودرا اشکارساخت در ۲۱ مارچ ۱۹۸۸ راجیوگاندی درزمان دیدارش ازسرنیگر Sringar به خبرنگاران گفت که "ما با دولتی که‌خواست پاکستان

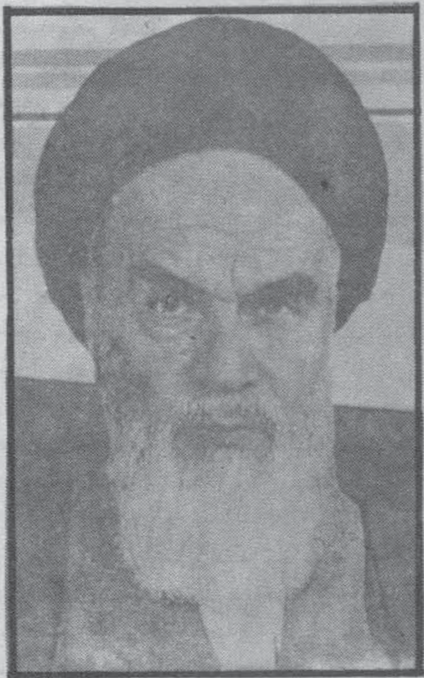

ومتحدین آن باشد موافق نخواهیم‌بود" وهمچنان اضافه‌کردکه "هردولتی که‌با روسها وهنددشمنی بورزدهرگزقابل قبول نخواهدبود" وصدراعظم‌هنددرزمانیکه ناظرین سیاسی سقوط نجیب راپیش‌بینی می کنندازنجیب دعوت رسمی برای دیدارازهندبه‌عمل می آورد. وبه‌طور خلاصه سیاست هندرا چنین مختصر می سازیم.

الف: وجودپیمان دولتی ۱۹۷۱ بین روسیه وهندکه‌هرگونه‌اختلاف پالیسی خارجی هندرانسبت به‌روسیه غیرممکن می سازد، تائیدتجاوزعساکرروسی ناشی ازاین امراست.

ب: هنددرصددفرصتی است تاخودرا به حیث یک نیرویی درمنطقه‌طرح کندوخود را دربین جناح های مختلف ودرگیرقضیه افغانستان با تائیدسیاست روسیه وبه میان کشیدن بحث حکومت افغانستان پس ازخروج نیروی های روسی با ظاهرشاه به‌پیش کشاند.

ج: ترس هنداز مسلح شدن پاکستان.

د: عدم موافقت با به‌میان‌آمدن یک‌حکومت دوست پاکستان درافغانستان.

۴ - ایران:

ایران وافغانستان دومملکت همسایه اند که‌ازلحاظ دین وغیره وجوهات مشترکی دارندویکی‌از دیگرتاءثیرپذیر اند، قبل ازانقلاب اسلامی چرخ های حکومت ایران تحت تاءثیرغربیان وخصوصاً" امریکا بودولی سیاست خارجی افغانستان درزمان ظاهرشاه وداودخان بیشترتحت تاءثیرروسها بودوازلحاظ نظامی افغانستان متکی به‌روسها وایران متکی به‌امریکا بود، اختلافات مرزی وآب هیرمند ازبارزترین اختلافات این دومملکت بودکه معضله‌آب دریای هیرمند درزمان صدارت موسی‌شفیق وامیرعباس هویدا صدراعظم ایران تحت‌معاهداتی به‌پایان رسید، اما بعدازکودتایی که‌داودودرنتیجه‌آن به سراقتدارآمدبا اعمال سیاست روسی بدبینی ها دوباره سربلندکردند ولی‌نه چندان فعال.

داود درروزهای اخیراقتدارش رویه‌اش را نسبت به‌سیاست خارجی درمنطقه بناء به‌دودلیل بارتغییردادوخواست که‌ازبسترسیاست شرق (روسیه) دربستر سیاست غرب بخسپدوچندصباحی را به آرامی وشادکامی های خودخواهانه‌به شام برساند، آن دودلیل عبارتنداز:

الف: فشارروزافزون نهضت اسلامی چه درساحه ایدیولوژیک وچه‌درساحه‌مقابله مسلحانه.

ب: تقویه وحمایت روزافزون روسها ازتشکل حزب دیموکراتیک خلق افغانستان وفکرتکیه زدن برکرسی اقتداردراذهان افرادحزب کمونیست افغانستان که در برگیرنده دوفرکشن " پرچم وخلق "است

داودکه‌حساب های اقتدارطویل المدت ومطلق العنانیت بی حدوحصرش را باخود کرده بودبرای رهایی ازچنگال رفقای دیرینش (کمونیست ها) ودشمنان قدیمی ودیرینش (نهضت اسلامی) آستانه‌عرب را بوسیدوبا سفرهایش به‌عربستان سعودی ایران، پاکستان ومصرنشان داد که سردار احمق ازجنایت ها وخیانت های گذشته‌اش نادم وپشیمان هست.

همچنان سردار دیوانه درپای بت سیاست خارجی غرب سجده‌بندگی به‌جاآورد وسوگند خیانت دیگررا به‌رسم‌غلامان روم ویونان به‌جاآورد دراپریل ۱۹۷۵ داود ازایران دیداررسمی به‌عمل آوردوتوافق در به‌گرفتن دوبلیون دالرکریدت شدکه‌شامل تاءسیس خط آهن ——— ازهرات به‌قندهاروکابل بودوهمچنان اهمیت ایران درین بودکه‌می توانست

رول اساسی را دربهترساختن روابط پاکستان وافغانستان بازی کند تا توانسته باشدکه‌ازحملات گوریلائی نهضت اسلامی ازطرف شرق که‌درین سووآن سوی مرز (خط دیورند) درمناطق آزادواحد های نظامی شانرا متمرکزساخته‌بودند جلوگیری به‌عمل آورد. وازجانب دیگر پلان هفت ساله‌اقتصادی خودرا با کمک کرفتن ازممالکی‌چون عربستان - سعودی، ایران، کویت موفقانه‌به‌پیش ببرد. بعدازپایان سفرهای سیاسی واقتصادی داود روس ها کودتا کردند وگلیم‌حاکمیت داودرا برچیدندکه‌منجربه ازبین رفتن داودوفامیل اش نیزگردید.

درزمانیکه درافغانستان صحنه‌جنگ بین نهضت اسلامی وحزب دیموکراتیک خلق گرم شده‌می رفت رژیم شاهی ایران دراثرمبارزات مسلمانان وبرپائی انقلاب اسلامی سقوط کردبا به‌پیروزی

رسیدن انقلاب اسلامی در ایران سیاست منطقه تغییر آشکاری را نشان داد و سیاست ایران در منطقه وهم درساحه بین المللی به‌طور مستقل برمبنای اصول جدیدی شکل گرفت و مطرح شد.

سقوط رژیم شاهی که درحقیقت ژاندارم منطقه برای حفظ منافع امریکا بود مایه دلخوشی وفرصت برای روسها شدو روسها با خودچنین اندیشیده بودندکه

۱ – درسقوط رژیم شاهی وپیروزی انقلاب اسلامی خواب وخیال به‌قدرت رسیدن حزب توده واحزاب کمونیستی دیگرچون سازمان مجاهدین خلق واقلیت های چریک های فدائی خلق را به‌صورت منظم ویکپارچه می دید وهمان بودکه حزب توده که مترصدفرصت به‌قدرت رسیدن بود خودراپیروخط امام خواندوسیاست ضد امریکا خمینی راتحسین وتمجیدفراوان کرد.

ب : چون رویاروی مستقیم با امریکا درسرحدات نزدیک با به‌پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی ایران مرتفع گردید باید رژیم درحال سقوط کمونیست در افغانستان رابه‌وسیله قشون سرخ کمک کردوجلوسقوط اش رابدین طریق گرفت.

روسها درهردو محاسبه به خطاء رفتند زیرا باقوت گرفتن انقلاب اسلامی درایران احزاب کمونیستی ماهیت وتشکل شانرا ازدست دادندو درسراسرسیل بوفنده انقلاب اسلامی به‌نابودی کشانیده شدند وهم چنان عساکروقشون مغروروسهاکه ازفتح جنگ دوم جهانی"که آن هم به‌کمک امریکا وانگلیس فاتح برگشته بودند" هنوزهم نشهٔ بودندودرانرمقاومت نهضت اسلامی پوزهٔ شان به‌خاک مالیده شدونشه شان ازسرشان بدررفت وشکست شانرا با امضای معاهده ژینورسما"اعتراف کردندوازافغانستان خارج شدنددرطول جنگ خونین بین مردم مسلمان وقهرمان افغانستان وعساکرمتجاوزروسی ایران پذیرنده تقریبا" دوملیون مهاجرسنی وشیعه افغانی شدوایران هم ازنگاه ایدیولوژیک وهم ازلحاظ سیاسی برضد تجاوزروسی درقضیه افغانستان سیاست خارجی اش راشکل دادوهمچنان پایگاهی برای احزاب شیعه شد.

ایران مذاکرات صلح ژینورابدون شرکت مجاهدین بی اساس وفاقدارزش خواند وبه‌شرکت مجاهدین اصرارورزیدتا مذاکرات ضمانت قانونی دراجراء در

باید بااتخاذچنین سیاستی که‌ایران درپیش گرفت روسها درجنگ موشک و ویران سازی شهرها ، عراق راتقویه کردندواین موشک های روسی بودکه از بغداد برایران فرومی آمدوباعث ویرانی هامی شدوهم چنان هرزمانیکه بین روسهاوایرانی هابرای بهترشدن روابط شان صرف به‌میان آمده ایران خروج عساکرتجاوزگرروسی راازافغانستان به‌دودلیل شرط برای بهترشدن روابط شان قرارداده که‌حسب آتی است.

۱ – تحدید امنیت ایران برمبنای تعقیب اهداف استعماری ونظرگاه های نظامی درمنطقه خلیج فارس وخاورمیانه وبه‌موازات اقدامات نظامی روسها در منطقه درگیری امریکا درقضایای منطقه

۲ – نفرت وانزجار ازتسلط کفری بر ملت مسلمان.

وپس ازخروج عساکرروسی ازافغانستان سیاست ایران راچنین میتوان شماره بندی کرد.

۱ – قطع کمک های روسیه به‌دولت مزدور ودست نشانده وعدم مداخله روسها در اموداخلی افغانها.

ب : سقوط وکنار رفتن دولت مزدور ودست نشانده وبه‌میان آمدن یک حکومت اسلامی که موٴیدسیاست خارجی ایران در منطقه ،وجهان باشد.

ج : خواستارموقعیت بهتربرای احزاب شیعه درحکومت موٴقت اسلامی وسیع القاعده بدون درنظرداشت کمیت احزاب شیعه.

پس ازدیدارهاشمی رفسنجانی ازروسیه ودیدارروزیرخارجه روسیه ایدوارد شوردنادزی ازایران وملاقات ها وديدارهای وزرای خارجه دوکشورچرخ های سیاست خارجی ایران درموردافغانستان درمسیرسیاست روسها براه انداخته شدکه این تغییرفاحش سیاست خارجی یک دولت انقلابی راحسب ذیل خلاصه می کنیم.

۱ – صلح بدون درنظرگرفتن روسها غیر ممکن است.

ب : اجرای آتش بس ومذاکرات احزاب مسلمان باحزب دیموکراتیک خلق برسر بوجودآوردن یک حکومت وسیع القاعده.

ج : تائید نظرروسها درجهت دایرنمودن

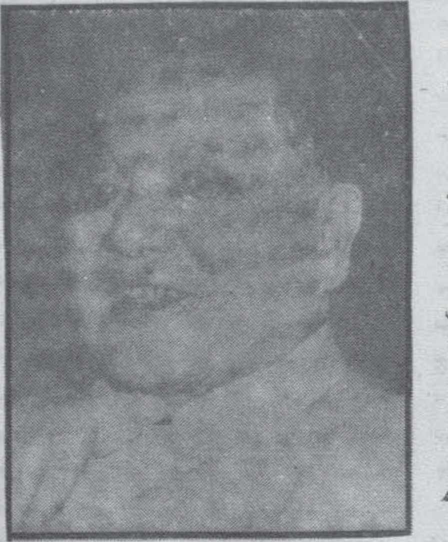

کنفرانس بین المللی درموردافغانستان

۵ – چین :

چینائی هاحرکات استعماری وتوسعه طلبی روسها رااززمان ۱۸۸۴ به‌این طرف زیرنظردارندوآنرایکی ازعوامل بی ثباتی کل منطقه وتحدیدامنیت چین تلقی می کنند، آنگاه‌که‌برسرمسایل منطقه وهم آهنگی سیاست چین وهنددر سال ۱۹۶۰ گفتگوبین چوئن لای ونهرو به‌عدم موفقیت انجامیدچین درصددحل معضلات مرزی اش باپاکستان ،نیپال ، بوتان وبرما ، برآمد،چین بااتمام این ممالک موفق به‌قراردادهای مرزی شدبه جز ازبوتان وهند، پیمان عدم‌مداخله بین چین وافغانستان پس ازبه‌امضاء رسیدن پیمان عدم مداخله‌بین برما و نیپال وچین به‌امضاء رسید.

کودتای ۱۹۷۳ که‌طی آن داود ،به‌قدرت رسیدچین آنرا قدمی درجهت توسعه‌طلبی به‌طرف جنوب به‌حساب آوردوزمانیکه مارشال مو شکلاکو در۱۹۷۳ ازافغانستان دیدارکردنفوذ روزافزون روسیه رامشاهده‌کردکه بمقابله بین پاکستان وافغانستان برسرمسئله پشتونستان که‌ازطرف روسها ازطریق حکومت داود خیلی دامن زده میشودچینائی ها آنرا برای منطقه‌خطرناک تلقی می پندندوباعث بی ثباتی وعدم امنیت درمنطقه به‌شمارمی آوردند.

بقدرت رسیدن حزب دیموکراتیک خلق در افغانستان در۱۹۷۸وتهاجم روسیه درسال ۱۹۷۹ به‌افغانستان راچینائی ها نقشهٔ درجهت برتری وایستلای جهانی روسیه خواندند. الحاق غیرقانونی وعا علصانه واخان در۱۹۸۱ به‌وسیله ماسکو باعث بوجودآمدن مشاجرات منطقه-

سی درناحیه پامیرشد وهدف روسها در گرفتن این ناحیه تحت فشار قرار دادن پاکستان از این نقطهٔ مدنظر گرفته شد چینایی ها برای حفظ ثبات وامنیت منطقه سیاست خارجی خودرا برضدتسلط روسها برافغانستان وکمک به مجاهدین با سیاست پاکستان درقضیه افغانستان هماهنگ ساخت وازلحاظ سیاسی ونظامی برای کمک به مجاهدین پاکستان رامورد حمایت خودقرارداد.

حضورنیروهای روسیه درافغانستان سد راه هرگونه مذاکرات درجهت عادی شدن روابط بین چین وروسیه، ازطرف چینائی ها اعلام شد.

سیاست چین را درقضیه افغانستان پس ازخروج نیروهای روسیه حسب آتی خلاصه کرده می توانیم.

۱ - سقوط رژیم کمونیستی ودست نشانده وعدم مداخله روسیه درامورداخلی و خارجی افغانستان.

ب: اجرای موافقتنامه ژینوواسکان تقریباً پنج ملیون مهاجرین افغانی که درپاکستان وایران بسرمی بردند در افغانستان پس ازسقوط دولت مزدور و دست نشانده.

ج: ساختن یک حکومت وسیع القاعده.

۶ - پاکستان.

به قدرت رسیدن حزب دیموکراتیک خلق افغانستان وحضورنیروی های روسیه درافغانستان راپاکستان مستقیماً تحدیدی برای خودودیگر ممالک کوچک دانست وازطرف دیگرمرکز تجمع مهاجرین ومجاهدین افغان گردید درملل متحد خواستار حل سیاسی قضیه افغانستان شدوازمجاهدین در oic دفاغ کرد وبه صورت کلی برضدحرکت روسها به طرف جنوب با مجاهدین همگام وهمکلام شد واکثریت ممالک عرب مانند پاکستان درجهت طرفداری ازمجاهدین حمایت خودرااعلام داشتندخصوصاً عربستان سعودی

سیاست پاکستان درگذشته وحال واضح بوده ولی به طورخلاصه می توانیم که چنین بگوییم:

۱ - اجرای موافقتنامه ژینووبرگشت مهاجرین به عزت واحترام به سرزمین خودشان.

ب: سقوط رژیم کمونیستی وقطع مداخله روسیه درافغانستان.

ج: حکومت باقاعده وسیع ودوست پاکستان به مفهوم اینکه هردو مملکت

به صلح وآرامش درجوار هم به سر ببرند بدون اینکه درسرهوای مداخله درامور یک دیگری را داشته باشند.

باشرح نمودن موضع گیری های ممالک همجوار وابرقدرت ها دانستیم که این ممالک به نحوی ازانحاء درگیرمسایل افغانستان هستندوکنش وواکنش ازخود نشان داده اند، بناءً آنچه راکه ما برای به میان آمدن صلح درافغانستان و منطقه درارابطه به این ممالک مطرح می کنیم این است که:

هیچ مملکت حق ندارد که حق خودارادیت ملت ما را سلب کند وخواهان حکومت دلخواه ویاطرفداران نظام سیاسی و اقتصادی وایدیولوژیکی خودشان باشند ملت ما برای حاکم ساختن نظام اسلامی بنا برتکلیف شرعی شان وهمان طوریکه آئین اکثریت نیزهست انقلاب اسلامی را براه انداخته اندکه به جزء اززندگی در سایه های فرحت بخش نظام اسلامی زیر چترهیچ نظام وایدیولوژی ساخت بشر قانع نخواهندشد، شهیدشدن یک ونیم ملیون انسان واین همه ویرانی ها تنها به خاطرهمین هدف مقدس بوده وبس روسها بعدازاین دراپغ آزادی ملت ما را فراهم نسازندوبه این واقعیت باید تن در دهندکه کمونیزم درافغانستان جای پای ندارد ونقشه های روسها به طرف جنوب نقش برآب است وخیال.

وآن عده ازممالکی که درزمان حضورنیروی های روسی تجاوزگروهم حال برای خاتمه دادن حاکمیت حزب دیموکراتیک خلق تحت حمایه روسیه، همدوشی وهمکاری با مجاهدین داشتندوداریم قدردانی کرمنافع خودشان است به منافع مجاهدین و رزمندگان مسلمان وبه صورت کلی ملت مسلمان افغانستان مقدم بشمارندویا نظرات خودرا طوری تحمیل کنندکه جو ایدیولوژی اسلامی ما درتضاد بود و افرادی را برای حمل نظریات شان پیدا کنندآنگاه نه تنها صلح وسلامت در افغانستان بازنخواهدگشت بلکه یک ترا ژیدی دیگری درکل منطقه رخ خواهد نمودوعدم ثبات درافغانستان منطقه را نیزبی ثبات ونا پایدارخواهدساخت که نتیجتاً صلح جهانی را به مخاطره خواهد انداخت.

همانطوری که ما مرزهای جغرافیایی ممالک را محترم می شماریم مرزهای جغرافیایی ما نیزباید محترم شمرده شودوهمانطوری که ما هوای مداخله درامورداخلی ممالک رانداریم دیگران نیزازمداخله درامور ما باید بپرهیزندوحق خود ارادیت داخلی ملت ما رامحترم بشمارندودرصدد دیکته نظریات شان برای ما برنیایند.

* * * *

نامهٔ قوماندانان تنظیم های جهادي ولایت فاریاب عنواني حکومت موقت.

قوماندانهای تنظیم های جهادی درولایت فاریاب یک نامه عنوانی حکومت موٴقت مجاهدین فرستاده وضمن آن ازدشمنان خطرناک انقلاب اسلامی که درجامهٔ مجاهدفعالیتهای تخریبکارانه مینمایندتشویش جدی خودرانشان داده اند. اینک متن نامه عیناً جهت استفاده خوانندگان محترم شفق تقدیم میگردد.

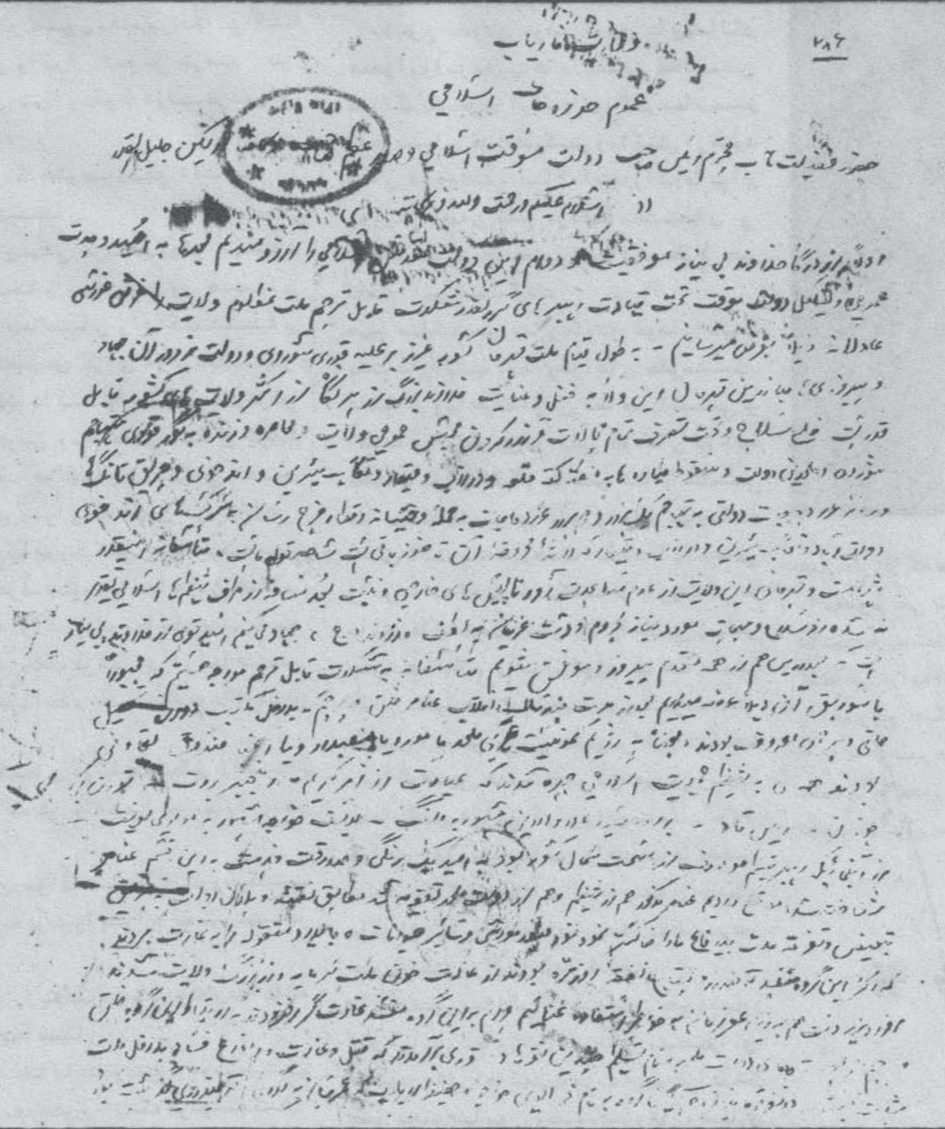

عموم حوزه های اسلامی

حضور فضیلت مآب محترم رئیس صاحب دولت موقت اسلامی ... رکین جلیل القدر

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

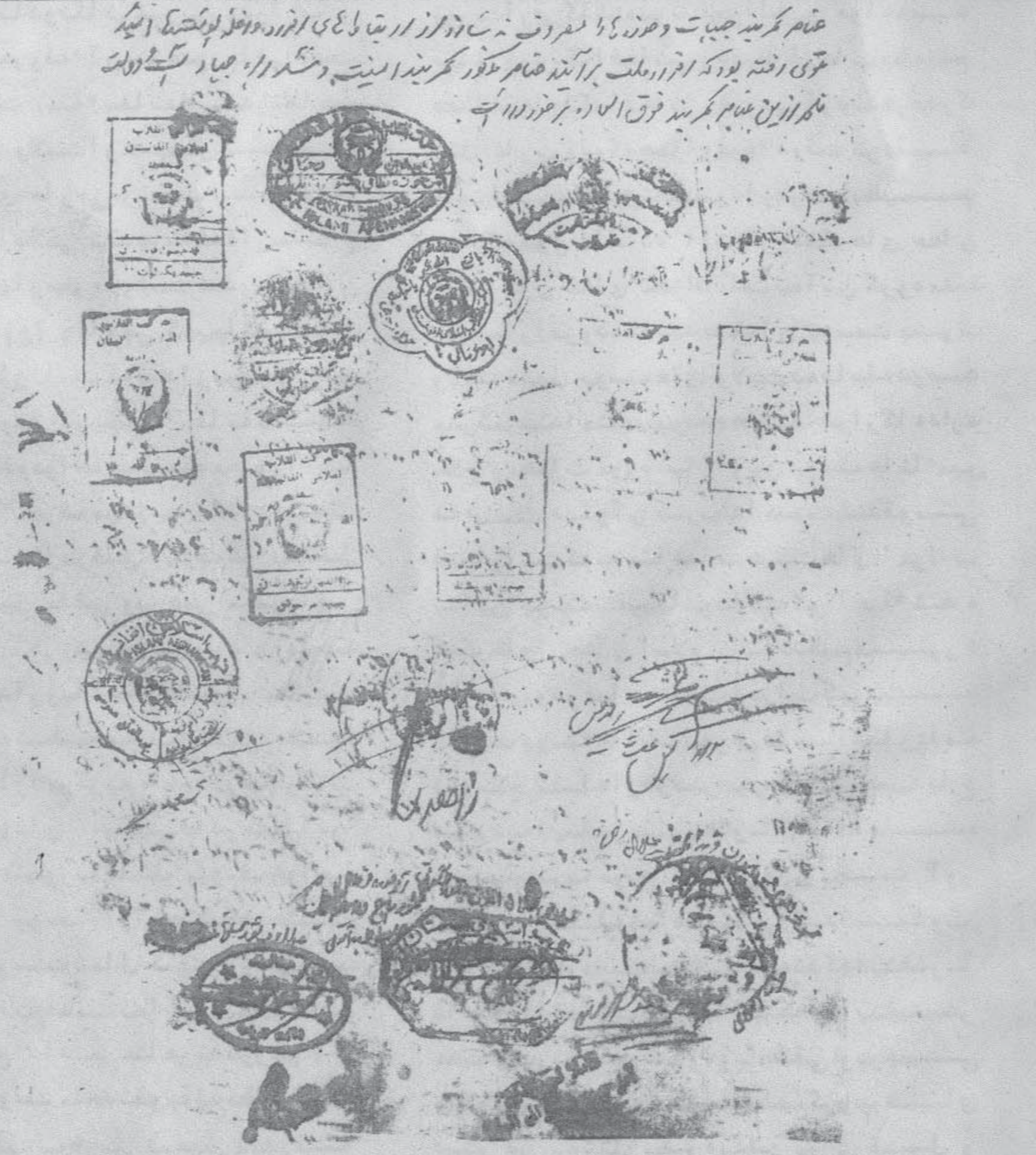

عناصر کمربند جبهات و حوزه ها [illegible] افراد [illegible]
[illegible] رفته بود که افراد ملت برآیند عناصر مذکور کمربند امنیت دشمن را [illegible] جهاد [illegible] دولت
ملحد از این عناصر کمربند فوق العاده برخوردار است

۷۸۶

ولایت فاریـــــاب
عموم حوزه های اسلامی

حضور فضلیت مآب محترم رئیس صاحب
دولت موء قت اسلامی وصدراعظم صاحب وکافهء
اراکین جلیل القدر !

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته .
اولاً ازدرگاه خداوندی نیاز موفقیت و
دوام این دولت مقدس اسلامی را آرزومندیم
بعدها بهامید وحدت عمومی وتشکیل دولــت
موقت تحت قیادت رهبری های گرانقــدر
مشکلات قابل ترحم ملت مظلوم ولایت را غوررسی عادلانه ذیلاً بعرض میرسانیم . بــه
طول قیام ملت قهرمان کشورعزیز بر علیــه
قوای شوروی ودولت مزدورآن جهاد وپیروزی
ها مبارزین قهرمان این ولاء بهفضل وعنایت
خداوندبزرگ ازهرنگاه ازاکثرولایت هــای
کشورقابل قدراست خلع سلاح وتحت تصــرف
تمام محلات آزادکردن محبس عمومی ولایت
ومحاصره وزنده بهگورقوای متهاجم شوروی
وملحدین دولت وسقوط طیارهها به منطقهکته
قلعهودرزاب وقیصار وتگاب شیرین واندخوی
وحریق تانک ها وسائرعراده جات دولتی بـه
تهاجم یک هزار ودوهزار عراده جات بهحمله
وحشیانه وقطارخرچ رسان بهسرک هــای

اندخوی دولت با دوتگاب شیرین ودرازب و
قیصار که لاشهٔ محروقهٔ آن تا هنوزباقی است
شاهدقول ما است، متاءسفانه اینقدرشهامت
وقهرمانی این ولایت ازعدم مساعدت
ژورنالیست های خارجی ونسبت بعدمسافه از
طرف تنظیمهای اسلامی تقدیرنه شده از سلاح
ومهمات موردنیاز محروم ودست عریان
به لطف خداوند (ج) جهاد می کنیم امیدقوی
از خداوندبی نیاز است که بعدازین هم از همه
مقدم پیروزوموفق شویم متاءسفانه به
مشکلات قابل ترحم مواجه هستیم که مجبوراً با
سوابق آن ذیلاً عرضه میداریم: بعدازمدت
چندسال انقلاب عناصرخلق وپرچم که بداخل
مکتب دوره تحصیل خلقی وپرچمی معروف
بودندومخصوصاً به رژیم کمونیست های ملحد
ماموروبا منصبدار ویااعضاء صندوق تعاونی
بودندهمه گی به تنظیم جمعیت اسلامی چهره
شدندکه عبارت ازآمرکریم، انجنیربرات
تورن اکبر، چونان، رئیس قادر، برادر
سیدعلاءالدین مشهوربه ملنگ، یوسف خواجه
مشهوربه مولوی یوسف ازآنجائیکه رهبر
تنظیم موصوف ازسمت شمال کشوربودبه امید
یک رنگی وصداقت خدمت به این قسم عناصر
شناخته شده موقع دادیم عناصرمذکورهم از
تنظیم وهم ازدولت ملحدتقویه شدمطابق
نقشهٔ وپلان دولت به طریق تبعیض وتفرقه
ملت بیدفاع ما راخاکسترنمودونودفیصد
مواشی وسایرحیوانات وجایدادمنقوله را به
غارت بردند که اکثراین گروه مفسدقرضدارو
محتاج نفقه روزمره بودند ازغارت خون
ملت سرمایه داربزرگ ولایت شدند افراد
زبردست هم به این عصرزمانه بخاطر
استفاده غنایم به این گروه مفسدغارت
گرافزودندبه ارتباط این گروه خلق وپرچم
ازپوسته های دولت ملحدبه نام تسلیم چندین
نفرهای دستوری برآمدندکه قتل وغارت و
انواع فسادبداخل ملت شدت بخشندونفر
قوماندان های این گروه به نام فخرالدین
خواجه وحفیظ ارباب که عمرشان به گدائی

وقرضداری گذشته بود فخرالدین خواجه به
مبلغ نودلک افغانی وحفیظ ارباب به مبلغ
هفتادچهارلک افغانی عروسی کردندهرقدرکه
قتل غارت ولوکه همراه قوهٔ دولت برعلیه
ملت ازین عناصرشدیدشودازطرف تنظیم
موصوف فوق العاده افتخاروکمک های جهان
اسلام خون بهای شهدای ملت به این گروه مفسد
بی شمار افزوده شدچندجبههٔ آن به سمت جنوب
ولایت متصل پوسته های ولایت به فاصله دوصد
مترکمربندامنیت پوسته ها شده قرارگاه دارند
سلاح ومهمات موردنیازازین پوسته ها تاءمین
شده قسمت دیگرآن کمربندامنیت غندقومی
قیصار است که به مشاهدات هیئت های اعراب
به این پوسته تطبیقات ساخته گی اجراء شده
کمک های جهان اسلام را به تنظیم مورد
نظرجلب ودرغیاب هیئت اعراب کمربند
امنیت پوسته ها است بغرض فریب افکارعامه
فیرسلاح ثقیله ازطرفین موردتلفات مردم بیدفاع
میشودبه اینقدرمدت چهارسال به فاصله
دوصدمتربه موضع های طرفین بخت آور
یک مرمی ثقیله تصادف نه می کندقضاوت
اسلامی ازطرف تنظیم دیده نه شدکه اینقدر
فاصله راقضاوت کندویا اینکه به اینقدر
مدت چقدرتانک وطیاره ویا خلقی وپرچمی
سرکوب شده باشد تنها به تسلیم گروپ های
دستوری به شکل پهره بدلی برای قتل و
غارت به این گروه می آیندوبعدازمدت
چندماه برعلیه ملت عملیات میکنندپس به
دولت میروندواین عمل تسلیم شدن وپس
بدولت رفتن منظورمخصوص دولت است که برای
اطمینان شوروی ها به نشرمیرساندکه یک
گروپ ازافراطیون بدولت وصل شد، برعلاوهٔ
این جنایت ها دومدرسه جامع یکی ازحوزه
سرحوض ودیگری ازحوزهٔ اصحاب کهف
به مصارف ملیون ها عواید ملت که
موقعیت این مدارس جامع به سمت شمال کشور
سابقه نداشت این عناصرمفسدقبلاً به یک
تعرض مدارس فوق عبادت خانه خدا را تخریب
وچوب ولوازم اورا به ولایت بردندتا اینکه

بداخل دولت ملحد معتمد شوند خلاصه اینکه
صدبرابر قوای روس ازین گروه مفسد تلفات
جانی ومالی عاید ملت گردیده وتخمین چند
صد تن قوماندان های مبارز معروف ولایت
به فریب قرآن عظیم وانواع چال ،نیرنگ
ازدست این گروه شهید ویا خلع سلاح ویا اسیر
شده اند که نام نویس ایشان به این عریضه
گنجایش نداشت نمایندگان حوزه ها درصورت
لزوم نام نویس میدهند که هرکدام آن نظربه
خدمت جهادی لیاقت مرتبهٔ جنرالی داشتند
ازآن جمله فرزندان آمرحوزه سرحوض
غلام نبی ومحمدین خان نیازی است که از
مدت جهاد مان یک سال بدست این عناصر اسیر
است ، اخیرا" به اساس تحولات جدید و
مقررات دولت موقت اسلامی تماما" جبهات
اسلام ازتمام احزاب مختلف بصورت وحدت
صادقانه به تصفیهٔ ملحدین دولت جرگه عمومی
وپروگرام ها بسته بودیم که به ارتباط ویا
عملیات حملهٔ دولتی را خارج کردن بگیریم
متاسفانه ازین نقشه وجرگه ما یان ازطرف
این گروه مفسد تعرض قتل وغارت وتبلیغ
تبعیض به عنوان محرومیت سمت شمال کشور
به تمام نقاط ولایت شدت یافته یک منطقه
بی قتل وغارت نیست به هرفرد دهقان وچوپان
مجبورا" جبهه مسلح موظف شده است با اثر
این تبلیغ تعبیض بدستور این منافقین
ملاجان آغا قوماندان معروف جبهه افغانکوت
یک مبارز متقی سمت شمال کشور با چند نفر
به شهادت رسید مدت دوماه علاوه شد که به قیصار
وحوزه سرحوض وحوزه گیلمباف وبعضی مناطق
گرزیوان وکوهستان ها قتل وغارت شدید
است از قرار اظهار آمرحوزه گیلمباف به ظرف
دوماه تعرض این منافقین ،شش صدفیر
میزائیل وتوپ وهاوان وراکت انداز بر
علیه اهالی بیدفاع گیلمباف وبه قرار
اظهار آمرحوزهٔ سرحوض هشت صدفیر به مناطق
مربوط حوزه سرحوض وچهار صدفیر به حوزه قیصار
ازطرف این منافقین وطن فروش ها از افتخار
تنظیم جمعیت فیر شده به فضل مرحمت پروردگار

تلفات جانی ازین حوزه ها محدود است از
خود این گروه مفسد تخمین دوصدتن مردار
شده وتعداد زخمی بی شمار است موجبهٔ شدت
تعرض وشدت تبلیغ تعبیض معلوم نیست که از
تشکیل دولت موقت از ختم تنظیم دستور است
ویا اینکه مخصوص دستور دولت ملحد است

فلهذا تماما" حوزه های مربوط فاریاب
به هرتنظیم که هستیم از مشاهدات این
جنایات فوق به آن دولت مقدس اسلامی
عرض کردیم که اگر آب از سرچشمه خیت است
به اصلاح سرچشمه ومرتکب تبلیغ تعبیض توجه
فرمایند وهرگاه ارتکاب از سرچشمه نیست سلاح
ومهمات خون بهای شهدای ملت ازین عناصر
خلق وپرچم قطع گردد وهرگاه اینقدر جنایت
وتباهی ملت غوررسی نه شود مجبورا" به
مقامات جهان اسلام وحتی به
ملل متحد معضلات را بعرض میرسانیم بسیار
مدت شد که به این عریضه اقدام کرده بودیم به
جریان اکمال مهرتا په دوقطعه عریضه وسیار
آن بدست منافقین افتاد به قرار معلومات
سیار مذکور را به قتل رسانیده اند این
عریضهٔ سوم است که بعد از مهرتا په بزرگان
ولایت به آن مقام تقدیم شد از آنجائیکه از
حضور مبارک حضرت صاحب وپیر صاحب توقع داریم

که این قسم عناصر معروف خلق وپرچم بر علیه
ملت مسلح نه شود به خود تنظیم هرقدر که از
جنایات این مفسدین شکایت شد افتخار
تنظیم افزوده شد اگر تعرض شدید عناصر کمربند
جبهات وحوزه ها را مصروف نه ساز داز ارتباط
های افراد داخلهٔ پوسته ها امید قوی رفته
بود که افراد ملت برآیند عناصر مذکور کمربند
امنیت سدراه جهاد است ودولت ملحد ازین
عناصر کمربند فوق العاده برخوردار است .

مهرها وامضاهای
قوماندانان تنظیم
های مختلف جهادی در
فاریاب

دکمونیزم پیدایښت

سلطان محمود " صلاح "

(کمونیزم دصیهونیزم زیږنده دی)

دموسی (ع) ترمشری لاندی له مصرنه دیهودانوراوتللوله زمانی راهیسی دی قوم ډیری تودی سړی گاللی دی، او د دی تولودردونوا ومصیبتونو سبب هم ددوی له غدرا وجفانه ډک طبیعت دی ځکه دوی نه له چا سره دوستی ساتلی،نه ئی په عهدوفا کړی اونه ئی هم دنورو ملتونونیکی منلی ده.

دا قوم دالهی نعمتونو په ناشکری اوله خپل هغه رب سره په عنادمشهوردی کوم چه دوی ته ئی له ظلم اوپه مصرکی د فرعون له تسلط نه نجات ورکړ،دوی له الله (ج) څخه سرغړونی سره سره دهغه (ج) دنبیانو په وژنه کی هم شهرت گټلی دی . خوددوی هغه نسلونه چه دخیرا وهدایت په لاره تللی الهی عهدئی ساتلی گندی پورتنیو صفتونو څخه متثنی دی .

یهودانو خپله جفا ، عذرا وخیانت هرقوم ته بنودلی دی،که څه هم هغوی ورته خپل ملک کی ځای ورکړی وی ،نیکی او کومک ئی ورسره کړی وی خودوی دهغوی دنیکی اووفا په ځای ورسره په ډیروسختوا وتنگوشرایطوکی غدرا وخیانت کړیدی، اودهغوی دوفا اوکومک لاس ئی په مټ کی ږرپسر ی کړیدی.فکروکړی لدینه سترلوی غدرا وخیانت به کوم وی چه دچا دنیکی اوکومک په بدله کی دهغه ددښمنانو په څنگ کی ودریږی اوپه ضدئی پرا ښستل شوی جبهه تقویه کړی .

دیهوداتوله غدرا وخیانت نه ډک دریزونه اوکړه وړه د دی سبب شوی چی نورولسونه اوقومونه دیهودی قوم اودلکیو ته دانتقام اخیستو په فکرکی کړی اودی ته ئی اړباسی چه ددوی دغدرا وخیانت سره برابر اومناسب دریز غوره کړی .

لنده داچه څومره بدی ورځی او مصیبتونه چی پرپهودو راغلی دا یوازی اویوازی ددوی دغدر، پستی اوجفا نتیجه ده ،ځکه دهرچا دنیکی جواب دوی په بدی ورکړی دوفا په ځای ئی له جفانه کار اخیستی اوځرگنده ده چی نورهم خپلی وفا او مرستی په مقابل کی غدرا وخیانت دی ته اړباسی چه دانتقام حینو په فکرکی شی اوغدارته دخپل عذر او خیانت جزاء ورکـــړی .

همدا وه چی یهودان ،هم دخپلو عملونو په سبب پداسی غم اودرداخته شـــول چی یهودان مفکرین ئی دی ته اړایستل ترڅوچمکی پرمخ دتیت اوخوارشویو یهودودبدی ورځی لپاره حل لاره پیدا کړی، طرحی ئی جوړی کړی،اودوه لاندینی ټکی ئی خپل لوړهدفونه وټاکل .

۱- پرټوله دنیا باندی تسلط موندل اوبیا ورڅخه دخپلو اهدافوا واغراضو په لاره کی گټه اخیستل ،ځکه یهودان عقیده لری چه دوی دخدای (ج) غوره کړای شوی بندگان اونـــور خلک ددوی دخدمت لپاره دی .

۲- داوسنی تفرق اوتیتوالی نه دخلاصون پخاطر دیوه واحد یهودی دولت جوړول .

همداوه چی نولسمه پیړی کی دیهودانولیده کا ته زیات شول، کدکنفرانسونه ئی جوړکړل ، چه بالاخره دهمــــد ی پیړی په اواخروکی دیهودوکدپروتوکولونه دحکماء صهیون دپروتوکولونو په نامه اعلان شـــول .

درانه کارنه ـی دومره مهلت هم نه درلودحی آن خپــــل وایزمن (دیهودی دولت لمړنی رئیـــــس) دخپلو یادا شتونو په (۱۰ -۱۱) صفحه کی پدی هکله وائی :

"نوموړی کنفرانسونه چه هرکال اویادضرورت په وخت کـــی به دایریدل اودټولی نړۍ دیهودانونما یندگانو به پکـــی برخه اخیسته ، عبارت له یوه داسی پارلمان څخه ووء چــه دواړی دلری والی اووطن بیلوالی سره سره ئی دنړی ټول یهودان یوله بل سره تړل " (۱)

پدی پروتوکولونوکی دیهودولمړنی هدف ته څرگنــــده اشاره شوی اودی ته بلنه شوی چی یهودان بایدټولـــه دنیا ترخپل تسلط لاندی راولی اوورڅخه دخپلو اهدافــو پخاطر گټه واخلی ځکه یهودی قوم دخدای غوره کړی شوی قوم دی په پنځم پروتوکول کی داسی راغلی .

" موږ دانبیاوء (ع) په شریعت کی دالولوچی الله (ج) موږ دحمکی دحاکمیت لپاره غوره کړی یو ، اودا صلاحیت ئی راپه برخه کړی چی ددی کارترعهدی ووتلای شو ، د اوسنیو حکومتونو پرځای به یوداسی مرکزی حکومـــــت قائمووچی دتسلط لاسونه ئی هری خواته غزیدلی اودداســی نظام درلودونکی دی چی په پوره بری سره ټوله دنیا پـــه خپله حلقه کی راولی " (۲)

په څوارلسم پروتوکول کی لیکی :

" ... خو مکرمثال به راوړل کیږی راتلونکو هغه نسلونـــو تـــه چه زموږ دموسی (ع) تعلیماتو ته غوږږدی، هغه موســـی (ع) چه پخپله قاطع عقیده سره ئی موږ ته دټولو ملتونـــو دتسلیمولو مسئولیت راسپارلی دی "(۳)

بین المللی صیهونیزم دخپل هدف دتحقق اولاسته راوړ و لپاره په هره لاره تللای شی، اوپدی کی هیڅ څه مانــــع اومشکل نه گوری چه دهدف لاسته راوړو په خاطرحتی له یو ی غیراخلاقی لاری اووسیلی نه هم کار واخلی ،ځکه هغوی عقیده لری چی (الغایه تبررالوسیله) هدف وسیله رواگرزولـــی شی ، اوبله داچی دوی اوس له خپل اصلی اخلاقی مسیر او طبیعت څخه دومره لری شوی ،چه دملتونو په وړاندی دغدر اوخیانت مثال گرزیدلی، نوذهدف دتحقق لپاره دنـــا روا اوغیراخلاقی وسیلی نه استفاده کی څه مشکل نه وینی، د حکماء صیهـــون په لمړنی پروتوکول کی لیکل شوی :

" هدف وسیله رواگرزوی، اوپدی وخت کی چه موږ خپلـــه طرحه اونقشه جوړوو باید توجه موږ هرامراوکا رضرورت او گټورتوب خواته دهغه امردا خلاقیت اوافضلیت په نسبت ډیره زیاته وی " (۴)

په عملی ډگرکی بین المللی صیهونیزم داسی مختلفـــی لاری چاری اختیار کړیدی چه په یو سطحی نظرسره یودبل ضد اونقیض ښکاری خو په حقیقت کی هغه له یوی نقطی نه راشروع شوی اودیوه هدف په لورروانی دی چه منبع ئی صیهونیستی

طرحي او پلانوندا ومصب (هدف) ئي دنوموروطرحوتحقق ا و تطبيق دي .

دهنه لاروپا روله جملي نه چه بين المللي صيهونيزم پـه نري كي دپهودي گتودتاه مين پهخاطررا مينختهكري دي يو هم كمونيستي فلسفه اوفكردي، كيداي شي داسلامي امت اوحتي دنري زيا ته برخه خلك پدي حقيقت لانه وي پوه شو ي چه كمونيزم دبين المللي صيهونيزم زيږنده او دپهودي اهدا فودتحقق لپاره يوه لاره اوسيله ده ،خوتاريخي حقايق زمونږددي قول دصحت لپاره شاهدي وركوي، اوپدي رابطه كي خپله دصيهونيستي داعيانوا ومشرانو ډيرداسي اقوال شته چي زمونږددي ادعا تائيدكوي (مثال بهوروسته را وړل شـي) .

كيداي شي ځيني خلكوته ددي پورته ذكرشوي مدعا دصحت پههكلـه لدي املـه سوال پيدا شي چه گوري روس د فلسطيني قضيي پههكله دعربودپه اصطلاح ملاتړي دريزغوره كړي ، خومونږوا يوچه ددي بي گتي موا قفوشا ته بل څه دي هغه داچي گوشش كيږي دپهودوپه وړاندي دداسي بي ضرره دريزونو په مرسته پدي حقيقت چي دا اوس مونږورځخه خبري كوونږده واچول شي ، وپنوچي دا موا قف وروسته له هغه غوره كړاي شول كله چي يهودي دولت جوړا وپښي ئـي تينگي شوي خومخكي لدينه ددي قضيي پهرابطه دكمونيستي هيوآ دوموقف داډول نه وه ، اوحتي هغه وخت كمونيستان لـه امريكا نه هم زيات پراسرا ئيلوزړه سواندي اومهربانـه وه ،له هغه امريكا نه چه دا اوس دا سرا ئيلي ذولت دبقـنا ضامـنه ده .

ډيرخلك داسي فكركوي چه گويا دصيهونيستي فكرلمړني موسس او داعي مشهوريهودي هرتزل دي، ليكن حقيقت دا دي چي ددي فكرلمړني موسس موسي هس پدي نوموړي پـه صيهونيستي فلسفه اوتفكيركي دهرتزل، اودكمونيستي فكو دموسس كارل ماركس استاددي.

نوپه داگه ويلي شوچي دصيهونيستي اوكمونيستي فلسفي اومفكوري موسسينودوا ړوله يوي مورنه شيدي رودلي، او دپوه عقل اوفكرشاگردان دي .

شايدځيني لاپدي هم نه دي خبرچي كارل ماركس دپهودي حاخام مردخاي ماركس لمسي دي، كارل ماركس په (١٨٤١) كال له خپل استا دموسي هس سره وپيژندل، دهغه فكـرا و نظريي (خصوصاً دعام اشتراكيت پههكله) ډير خوښ شو

بيشكه چي دكمونيزم داوسني شكل تعدا ب دماركس په لاس ايښودل شـويدي خوكارل ماركس دغه مبادي اوفلسفه له خپل يهودي استادموسي هس څخه اخيستي دي، دابراهيم الحلو (كمونيزم اوصيهونيزم غبرگوني دي) نومي كتاب په (١٧) مفحه كي راغلي دي .

"څرگنده ده چي دصيهونيستي فلسفي اصول له هرتزل نه مخكي دموسي هس له خوا وضعه شوي وو ،نوموړي دنــو ي صيهونيستي فكرموسس او په نولسمه پيړي كي دنوي نظريي يهودي مفكردي، ده په (١٣٦٢) كال (روم او قدس) نومـي كتاب ليكلي اوپكي ئي دفرانسي په مرسته دفلسطين پـه خاوره كي ديهودي دولت دجوړېښت پيشنهادكړيدي، هرتزل له همدي كتاب نه هغه مبادي چي په (يهودي دولت)نـومي كتاب كي ئي ذكركړيدي اقتباس كړي دي .

لنډه داچي موسي هس دهرتزل اوكمونيستي فكرموسـس كارل ماركس دوا ړواستاددي، كارل ماركس له خپل استاد موسي هس سره په (١٨٤١) كي وپيژندل اودهغه افكاريـي دومره خوښ شول چي ځان ورنه هيرشو ، ډيريهودي مورخين هم پدي اعتراف كوي چي موسي هس له كارل ماركس نـه مخكي اشتراكي نظريات وړاندي كړيدي .

دهمدي كتاب په (١٨) صفحه كي راځي :

"دحاخام لويس برونزپخپل (اغرب من الخيال)نومي كتاب كي وائي: يهودي تاريخ ډيركم ددي ذكركوي چي دحاخام مردخاي ماركس لمسي كارل ماركس فكراً وعملاً "لهاسرائيلو سره دهغه خلكو په نسبت زيات اخلاص درلود كوم چي دا اوس ئي دا سرائيلوله محبت نه خولي خلاصي كړيدي) .

روبرت ولپا مزپخپل (اليهودفي امريكا)نومي كتـاب كي ليكي:" صيهونيزم دكمونيزم ملگري ،موپدا وځتـي شيدي وركوونكي دي، دواړه په دنياكي دعا م انقلاب غوښتونكي دي، اوهغه كمونيزم چه دپا څه يهودي ماركس پذريعـه ئي تعاليم اومبادي وضع شوي اوبيا ديهودانوپه مرسته په روسيه كي تطبيق شويدي ديهودي فكرزيږنده دي " .

دصيهونيزم اوكمونيزم نومي كتاب په مقدمه كي ليكل شويدي:" [illegible]كندحقيقت دي چي صيهونيزم اوكمونيـز م غبرگوني دي، منبع ، هدف اوجوهرئي يودي، اودواړو تر شا يولاس كاركوي،ظاهري اختلاف ئي دهدف ته رسيدولپاره يوموقتي ترتيب دي اوچي كله هم كا مياب ! وبيا حتمـي شكل غوره كړي نوويني به چه دواړه ددنيا دنيولولپاره سره يوشـي " .

دهمدي كتاب په (٦٢) مخ كي راځي:" دكمونيزم اوصيهونيزم ظاهري اختلاف پدا را وا عتبا رورندي،ځكه يهودي كـه صيهونيست وي اوكه كمونيست زيا تره همدا ډول دي

كمونيزم اوصيهونيزم دهغه يهودي قوميت دوي څيري دي كوم چي لگيا دي دنړوله مينځ وړني هلي ځلي كوي ".

نوموړي كتاب وروسته له هغه چه دهاليودښمنائي بداپو ستوروته چـي زياتـره ئي يهودان وو اوكمونيزم تـه غـاړه ايښودلي وه اشاره كوي په (١٢٥)صفحه كي ليكي :

" په ډيرتعجب اوحيرانتيا سره بايـد وپوښتـل شـي چي څه علت وو چي دي بدا يو يهودا نوكمونيزم ومانـه ؟ ددي سوال له تولونه ذرست ځواب داكيداي شي چي وويـل شي، كمونيزم څو اقتصادي حركت ندي بلكه هغه يوخالـص نژادي حركت دي اوبيا ولدي اساس نه پرته نه كمونيزم نه څيرل كيدا ي شي اونه هم پيژندا ي ."

دمی با حافظ

وحید "مژده"

هیچ حافظ نکند درخم محراب فلک
این تنعم که من از دولت قرآن کردم

* * *

ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ
به قرآنی که اندر سینه داری

* * *

ز حافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد
لطائف حکمی با نکات قرآنی

* * *

از آغاز طلیعه اسلام تا امروز هزاران مسلمان همت به حفظ قرآن گماشتند وسوره‌های این کتاب آسمانی را آیه به آیه از بر کردند. اینکه حافظ در این میانه خود را از دیگران متمایز میداند و چنین ادعائی را عنوان میکند، آیا صرفاً یک اغراق شاعرانه است و یا اینکه واقعاً حافظ در این میانه استثناست ؟ برای جواب به این سوال نخست باید به سبک بیان درغزلهای حافظ بپردازیم .

نخستین ویژگی وخصوصیت انداز بیان حافظ درمقایسه با شیوه سخن شاعران سلف وی در اینست که در اکثر غزلهای حافظ انسجام مضمون رعایت نشده است مثلا: یک یا دو بیت غزل در وصف یار است یکی دو در بی اعتباری دنیا، در اندرز ونصیحت و یا مذمت صوفیان ریاکار و زاهدان سالوس .

ولی این سخن به آن معنی نیست که حافظ در غزلهای خویش پراکنده گوئی کرده و یا احیاناً سخن بی ربط گفته است . با پروردن چنین معانی در فرازهای مختلف وعدم رعایت انسجام در مضمون حافظ پیام آور انقلابی در غزل است که بعد از وی در طوالی قرون نسل اندر نسل، غزلسرایان بعد پیروی اقتدا کردند زیرا این شیوه به دلنشینی غزل فارسی صدچندان افزوده.

این انقلاب که حافظ در شیوه‌ تغزل آورد ملهم از قرآن بود . در اکثر سوره‌های قرآن نیز شیوه‌ بیان در توالی معانی قسمت قسمت و بخش بخش است یعنی چنین نیست که هرسوره فقط درباب یک موضوع خاص باشد درهرسوره‌ قرآن چندین موضوع محوری مطرح شده است . حافظ در نتیجه موانست مستدام و توالی با قرآن این چنین شیوه‌ بیان در غزل را الهام گرفته است .

دربیان مطلب و معنی نیز سخن حافظ سرشار از تاثیر قرآن است . در بسیاری از غزلهای خویش حافظ بر آیاتی از قرآن مجید نظر دارد که به اشاره مختصر به بعضی از موارد اکتفا میکنیم :

تا "نفخت فیه من روحی" شنیدم شد یقین
برمن این معنی که ما از وی و او از آن ماست

* * *

شب وصل است وطی شد نامه هجر
«سلام فیه حتی مطلع الفجر»

* * *

* مصرع اول انا انزلناه فی لیلة القدر آیه ۱ سوره قدر و مصرع دوم آیه ۵ همان سوره

آسمان بار امانت نتوانست کشید
قرعه فال بنام من دیوانه زدند

*

اشاره به آیه ۷۲ سوره احزاب "ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم که از برداشتن (امانت) ناتوان بیمناک شدند پس انسان آنرا برداشت به تحقیق انسان ستمگر و نادان است .

حافظ به بیان زیبائی حیات ابدی مسلمانان را در پیروی از احکام اسلام مضمر میداند:

فرق است از آب خضر که ظلمات جای او است
تا آب ما که منبعش الله اکبر است

یکی از جمله اعجازهای قرآن سبک سمبولیک خاص آن در بیان است به همین علت با گذشت زمان و وسعت گرفتن دامنه‌ فهم و دانش بشر ما به مرزهای جدیدی از معارف قرآن دست می یابیم مرزهائی که همیش درحال گسترش است . سید قطب شهید در این رابطه به نوعی آفرینش هنری قرآن در تجسم و پرداخت صحنه‌ها اشاره دارد .

در غزلهای حافظ سمبول ها ارج ومنزلتی خاص دارند بکارگیری سمبول ها و استعارات در غزلهای حافظ را باید به تاثیر پذیری وی از قرآن مرتبط دانست حافظ در تبیین معانی بسیار بلند سمبول هائی را بکار می گیرد این شیوه بیان سمبولیک سبب شده است که هرکس که دیوان وی را می گشاید به اقتضای سطح دانش و فهم خویش در بیان حافظ حرف دل خویش را می یابد . اینکه بعضی ها در دیوان حافظ فال میگیرند بخاطر همین مطلب است .

همانگونه که قبلا" اشارت رفت حافظ یک شاعر متصوف است و زیبائی کلام وی در غزل های عرفانی به اوج خویش می رسد در بزم حافظ نیز چون هر متصوف دیگری عشق صدرنشین مجلس است برای اینکه منزلت عشق را در جهان بینی حافظ دریابیم بهتر است این اصل را در عرفان اسلامی مورد ارزیابی قرار دهیم .

برای دست یابی به چنین منظوری نخست باید پرسید که عشق چیست ؟ اکثراً عشق را دلبستگی شدید معنی کرده‌اند گویا کلمه‌ عشق از (عشقه) آمده است که گیاهی است و چون بر درخت یا گیاه دیگر بپیچد آنرا خشک گرداند ولی خود سرسبز باقی ماند از نظر روانشناسان عشق نوعی بیماری روانی است که از توجه منوط و خارج از حد اعتدال پدید می آید .

از نظر متصوفین عشق مفهومی نیست که با عقل و علم و زبان قابل تعریف و تفسیر باشد به عبارهٔ دیگر عشق یک مفهوم علمی و عقلی نیست بلکه (معرفتی شهودی) است که به بیان در نمی آید . حقیقت عشق همچون هستی به ما از رگ گردن نزدیک تر است .

در عرفان اسلامی عشق انگیزه آفرینش کاینات بوده وجهان بینی حافظ نیز بر همین پایه استوار است به قسمتی از این غزل شورانگیز توجه کنید .

درازل پرتو حسنت زتجلی دم زد — عشق پیدا شد وآتش به همه عالم زد
جلوه‌ئی کرد رخت دید ملک عشق نداشت — عین آتش شد ازاین غیرت وبرآدم زد
عقل می خواست کزآن شعله چراغ افروزد — برق غیرت بدرخشید وجهان برهم زد
نبود رنگ دوعالم که نقش الفت بود — زمانه طرح محبت نه‌این زمان انداخت

عرفا را نظر براینست که جهان از برای آن بوجود آمده تا مظهر وجلوه گاه حق باشد وخداوند (ج) جمال خویش را درآن به جلوه درآورد. چون بالاترین مرتبه‌ٔ هستی ذات حضرت حق است پس معشوق حقیقی سلسله هستی اوست ومظهر کامل آن معشوق وجود انسان کامل می باشد که خلیفه او در جهان آفرینش است همین عشق به کمال وعشق به‌اصل خویش انگیزه نیرومند حرکت همه‌ٔ ذرات جهان ازجمله انسان بسوی حضرت حق است.
این عشق یک جانبه نیست "یحبهم و یحبونه" (خدا ایشان را دوست میدارد وایشان خدا را) بنابراین رسیدن به معشوق (خدا ج) جزازطریق عشق ممکن ومیسر نیست.

نقطه‌ٔ عشق نمودم بتوهان سهومکن — ورنه چون بنگری ازدایره بیرون باشی

عرفا معرفت را بالاتر ازعلم می دانند ورسیدن به معرفت را نتیجه‌ٔ مجاهده وریاضت می شمارند. درعبادت و پرستش نیزاهداف خویش را ازعابدان وزاهدان جدا می دانند. ایشان زاهدان وعابدان را سوداگرانی می دانند که بخاطر پاداش به عبادت می پردازند. با این تفاوت که عابدان هم دنیا را می خواهند وهم آخرت را وزاهدان تنها طالب آخرت اند. اما عارفان خدا (ج) را بخاطرخودش می پرستند نه بخاطر پاداش واجردنیا و آخرت.

زهی همت که حافظ راست کزدنیا وازعقبی — نیامد هیچ درچشمش بجزخاک سرکویت

من ترک عشق بازی وساغرنمی کنم — صدبارتوبه کردم ودیگرنمی کنم
باغ بهشت وسایه طوبی وقصروحور — باخاک کوی دوست برابرنمی کنم

عامل دیگردرمقبولیت شعرحافظ شاعری مردمی است به‌این معنی که درمبارزه برعلیه واعظان بی عمل وزاهدان ریاکارا ودرکنارمردم ایستاده است.

عصر حافظ نیز چون روزگار ما دورانی بوده که در آن گروهی قرآن را دام تزویر می کرده اند و هر مدعی بی عملی ادعای اهل طریقت بودن داشته است در چنین بازاری که خزف را گران می خریدند و لعل را بی ارزش می شمردند حافظ رندانه نقاب از چهره اهل تزویر و ریا بر میدارد.

زاهدان کاین جلوه برمحراب و منبر می کنند — چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند
مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس — توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می کنند
گوئیا باور نمی دارند روز داوری — کاین همه قلب و دغل درکار داور می کنند

گرچه بر زاهد شهر این سخن آسان نشود — تا ریا ورزد و سالوس مسلمان نشود

شاید به همین دلیل حافظ هرگز به پیری بیعت نکرد و در حلقه مریدی هیچ مرشدی در نیامد در حالیکه در آن عصر ایلخانان مغول در بوجود آوردن گرمی بازار خانقاهها و حلقه های ذکر و وردا هتمام می به جهد داشتند و دارائی های بسیار را وقف این کار نمودند ولی حافظ بعنوان یک عارف وارسته منظور حکام وقت را به درستی دریافت و بر آن چنان تاخت که اکنون پس از گذشت قرنها سخن وی در موارد مشابه مثل است.

حافظ نظر به عمل زاهدان عصر خویش داشت و این درس را از زندگی وی و دیگر عرفا باید آموخت که آنکه ادعای گامی در طریقت دارد باید گفتارش را با معیار عمل سنجید نه ظاهرش به جستجوی مسی ارزد نه شجره النسبش که از فلان خاندان و از اولاده فلان ابن فلان است.

حمله مغول به گرمی بازار تصوف کمک فراوان نمود و بعد ها حمایت ایلخانان از خانقاهها موجب گسترش کمی این جریان شد ولی به کیفیت و صفای معنوی تصوف صدمات جبران ناپذیری وارد آورد. بسیاری از مشایخ این عصر دانسته یا ندانسته فریفته جاه و مسند دنیائی گردیدند و حمایتگر حکام ظالم و خونخوار شدند و در مقابل از حمایت مادی آنان برخوردار گشتند و به این ترتیب تصوف طریق انحطاط پیمود. مولانا در دیوان شمس تلمیحی دارد درباره شیخ نجم الدین کبری از کبار مشایخ عهد مغول که در سن هشتاد سالگی چون در جنگ کشته شد و از اسپ فرو افتاد کاکل (پرچم مغولی) را در کف داشت.

به‌یکی دست می خالص ایمان نوشند

به‌یکی دست دگرپرچم کافرگیـــــرنـــد

جنبش ملامتیه درتصوف بخاطـــر آن بوجودآمدتا آب رفته‌را بجوی باز گرداندوبا تزویروریا به مقابلـــه برخاست .ملامتگـــری گرچه‌درا صلاح تصوف تاحدی موثرافتادولی موفق به‌ریشه‌کن کردن کامل جریان ریائی نشد .حافظ هرچندازملامتگران نیست ولی باجریان ریاوتزویردرتصوف بشدت به‌مقابله برخاست .

باده‌با محتسب شهرننوشی زنهـــــار

بخوردباده‌ات وسنگ به‌جـــام انـــدازد

علی هجویری (متوفی درسال۴۶۵ ق) درکشف المحجوب ازانحطاط تصـــوف این چنین پرده برمیدارد :
"این علم تصوف " به‌حقیقـــــت مندرس گشته‌است ...وخلق مشغـــول هوی گشته‌اندومعرض ازطریق رضـــا کارازتحقیق به‌تقلیـــــدافتـــاده است .... ومدعیان به‌دعوی خوداز کل معانی بازمانده ومریدان دست ازمجاهده‌بازداشته‌وظن معلول خود رامشاهده‌نا مکرده " .
وسعدی نیزدرین باب سخنی دارد رساوزیبــــــا :

پیش ازین طائفه‌ای درجهان بودنـــد بصورت پریشان وبه‌معنی جمع اکنون جماعتی هستندبصورت جمع وبه‌معنی پریشان .

پایان

پاتی

په‌انتخاباتوکی برخه‌نه‌اخلی پـــــه اسحاباتوکی دبرخی نه‌اخستونکوخلکو شمیرډیرزیات دی اودازموږدنه‌راتلونکی ضامن دی.اوس چی حالات پرکومی خــوا روان دی دهغوڅخه معلومیږی چی سپین پوستی په‌دتورپوستودګدون پرته‌ترډیره وخته حکومت ونشی کـری ، لکه څنګه‌چی . دلته اروپائی سپین پوستی راتول شوی اوبوقوم بی جوړکړی په‌همدی ډول به‌یوه ورځ داتول خلک یوځای شی اوبوقـــــوم . به‌جوړکړی،تاریخ دمظلوما نوبه‌حق کـــی دی سپین پوستی په‌ډیرژرداحقیقت درک کـړی اوکه په‌خپل وخت‌کی سمه‌فیصلــه ونشــوه نوبه‌دی هیوادکی به‌سخته‌کوږنی حکره پیل شی .

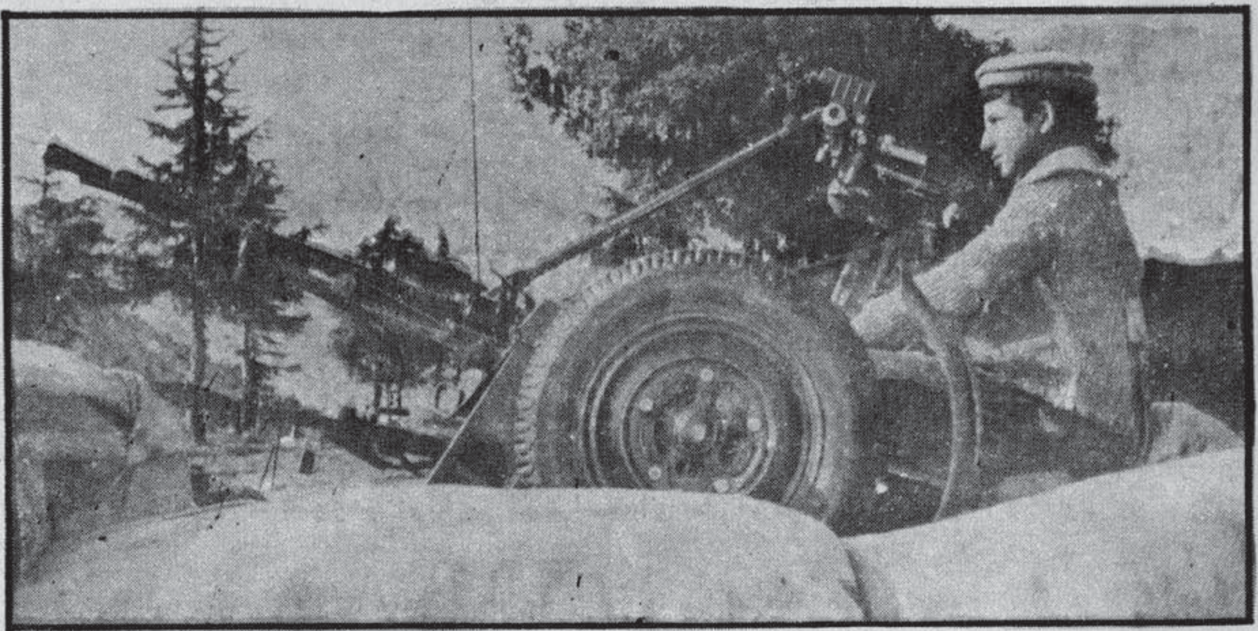

ترجمه چندبیت گزیده از شعر علامه اقبال لاهوری (رح)

ترجمه از : رحیمزی

چین وعرب وهند همه از آن ماست
چون پیر وتوصیدیم جمله جهان وطن ماست
امانت گرانبهایی را در سینه ها نهفته داریم .
محوکردن نام ونشان ما چه خیال پوچی است .
آری !
در وادی های " مغرب زمین " زمزمه های آذان ما پیچیده !
وهیچ سدی نمی تواند راه سیلاب روان ما را بربندد .
ای آسمان ! (بخاطرداشته باش) ما هراسی از باطل نداریم .
ومیتوانی ما را بارها بیازمایی .
ای گلستان " اندلس " آیا آنروز را بخاطرداری ؟!
روزی راکه درشاخه های تو آشیان گزیده بودیم .
ای موجهای خروشان " دجله " تو هم با ما آشنایی .
تاهنوز هم دریای تو ترانه های ما را زمزمه می کند !

دفتحی پیغام دگولی پەژبە

" ناگار "

مەکړه گومان چی بس قلم چلوم
دننگ غازی یم توره هم چلوم
دخلافت سترا مانت راسره
پیتی پشاد درانه غم چلوم
دتکبیرونو بدرگه می هرفیر
دسپیدوکربنی پەتورتم چلوم
اذان ته وختم پەبام دنړۍ
دانقلاب زورچم پەچم چلوم
زما توپکه اِستا داسری گولۍ
زەبەیی پە"سرو"تروروستی دم چلوم
جهاد، جهاددی اِزادی اوامن
بس ماورایی له کیف وکم چلوم
پیغام دفتحی دگولۍ پەژبه
کلەیی زیرکلەیی بم چلوم
پت دکودلوپا رولی یمه
دغضب غشی پەارم چلوم
ناگاره اِنەده مرثیەخوگوره
زیری دمحوی دماتم چلوم

لنډۍ

پەشهیدانوغرونه ژاړی
لەهره خوړەیی سیلاب داوبکوځینه

زموږپا یسته غرونه غازیان دي
الله اکبرناری څوځل تکرا روینه

مصاحبه ها

محبوب الله "محمدیار"

س : کاکاجان لطفاً خودرا به خوانندگان محترم مجله شفق معرفی کنید ؟

ج : نام مه عبدالغفار ولد حضرت شاه ساکن قریهٔ چارباغ ولسوالی قرغه یی ولایت لغمان .

س : کاکاجان شما درکدام سال مهاجر شده اید ؟

ج : مه درسال ۱۳۶۳ همرای فامیل خود به پاکستان آمدم .

س : تعداد فامیل تان چند نفر اس ؟

ج : فامیل مه ۹ نفر است ، برادرم عبدالستار دوکان رخت فروشی داشت ، و ده چارباغ لغمان بدست روسها شهید شد .

س : اگر بگویی که حالی ده کجا بود وباش دارین ؟

ج : فعلاً ده حاجی کمپ پشاور استم ، یک بچه گکم که عبدالمختار نام داره ده لیسه سیدجمال الدین افغانی ده صنف هشتم درس میخانه وخودم ده نوی اده میوه فروشی میکنم .

س : کاکاجان ، ده ای وختا آوازای رقم رقم اس ، خودت بگو که ده ای باره چی شنیدی ؟

ج : بچه جان مجاهدم قصه ها خودلخراش است ، ما خوده راه خدا هجرت کردیم ، جهاد کردیم سرما بسیار ظلمها شد که همه اش از دست ظاهرشاه است .

مه ده ای فکر استم که با دا زدوازده سال جهاد وجدا ن کدام مسلمان قبول میکنه که باز ظاهر فاسد سر ش حکومت دته . مه خوب به یاد دارم که ده وخت ظاهرشاه مردم چغچران اولادای خوده مثل حیوانات میفروختند ، ده چغچران قحطی آمده بود وظاهرشاه بیخبر از هرچیز به عیش ونوش خود مصروف بود رهبران تنظیمها به ما وعدهٔ حکومت انتخابی ره دادن ما معطل استیم که چی وخت ای حکومت جور میشه .

پروپاگندای رادیوهای کافر اسر ما تاء ثیر نمیکنه ، ما تصمیم گرفتیم که دگه ده ملک ما پاچاها ونوکرای خارجیا حکومت نکنه .

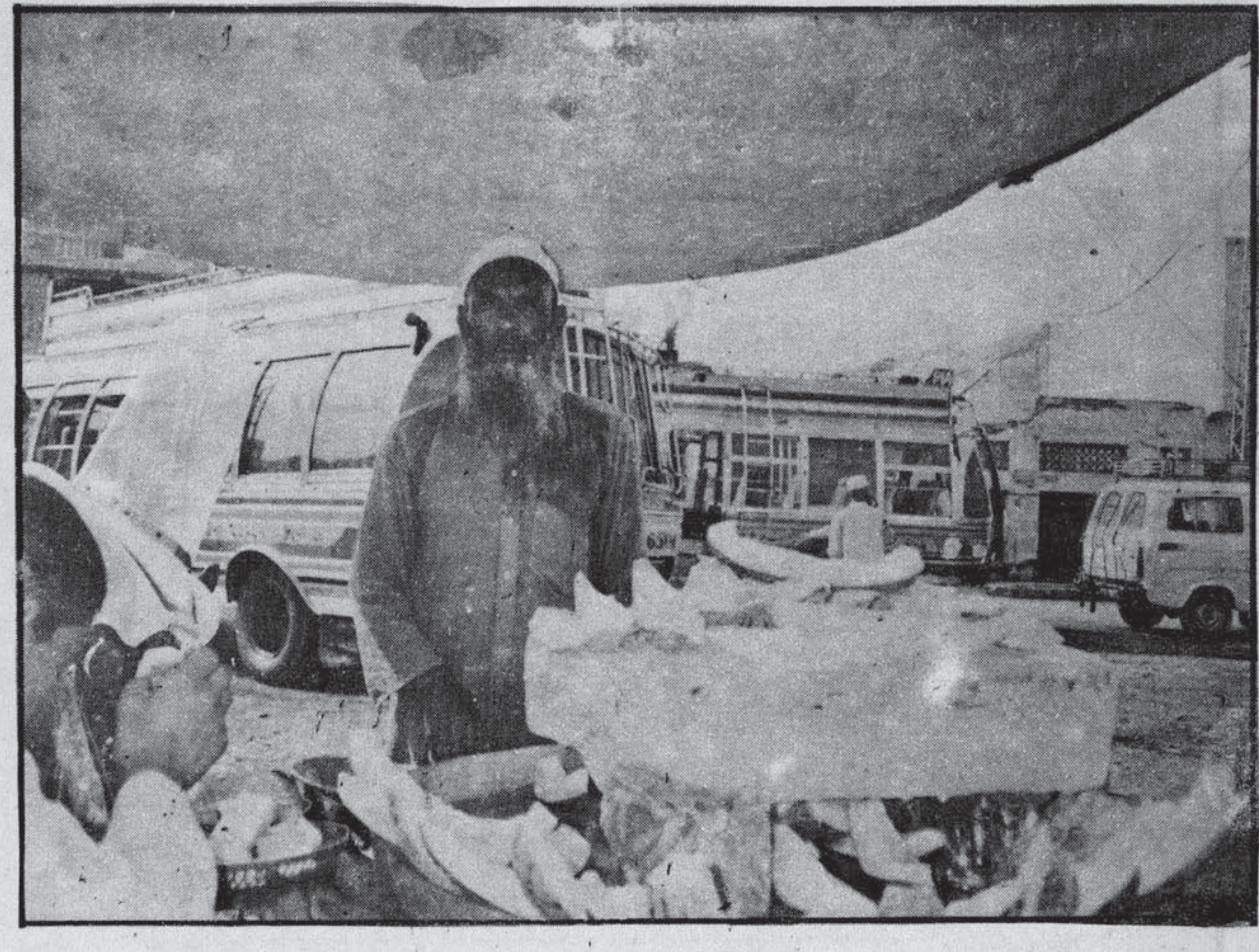

س : برا درخودرا به‌خوا نندگا ن مجله شفق معرفی کنید ؟

ج : نا م مه عبدا لقیوم ا زولسوالی قرغه‌یی ولایت لغما ن ا ستم .

س : برا درفعلا" چی کا رمیکنید ؟

ج : مه‌خوده‌زما ن تره‌کی کا فروظیفهٔ معلمی خودره‌ترک گفتم وبه‌جبهه‌رفتم، ده تشکیل جبههٔ ا مبیرسهم گرفتم ویک چندوخت بحیث ا مرنظا می هم‌وظیفه‌ا جرا کردم ، ده سا ل ۱۳۶۲ همرای فا میل خودیکجای مها جرشدم وبه معرفت حزب ده کمیتهٔ فرهنگی ا تحا د ا سلامی‌مجا هدین ا فغا نستا ن بحیث عضوتوزیع نشرا ت مقرر شدم ، با دا زمنحل شدن ا تحا د با زبه‌جبهه رفتم وقتی که‌با زپس آ مدم‌ده کمپ مهاجرخانه گرفتم وحالی ده‌سبزی مندیستی ترکا ری فروشی میکنم .

سا عت ۳ بجه شب ا زخا نه‌می برآیم به سبزی مندیی میآ یم وسا عتای ۲ یا ۳ — پیشین با زبه‌خا نه‌میروم .

س : ده‌ای وخت‌آوا زی آ مدن ظا هرشا ه ا س ، شما ده‌ای موردچی میگین ؟

ج : ظا هرشا ه ره‌خوهمه‌میشنا سن ،حا جت به‌معرفی ندا ره ،ده‌زما ن حکومت ا وغیر ا زبی حرمتی به علما ومسلما ن کشی چیزی دیگری نبود ، ا وبودکه‌رهبرا ی مسلما نه ا زبین میبرد .

وختی که شورا ی مشورتی جورشدوحکومت وکا بینهٔ مجا هدین سا خته شدما خوش شدیم ،خوَوعده‌ها یی که‌ده‌ا ول بمردم‌دا ده شدتا حا لی عملی نشده ا ی مسئله‌ما ره پریشا ن سا خته وخوده قنا عت دا ده‌نمی توا نیم، حا لی با یدا نتخا با ت میشدتا که مردم به سرنوشت خودمیفا میدن،ما با ید بفا میم که ده‌با رهٔ سرنوشت ما چی‌تصمیم ها گرفته‌میشه ،ا گرملت ا زجریا ن دور با شه شما با ورکنین که‌دشمنا ده‌صفوف ما جای میگیرن .

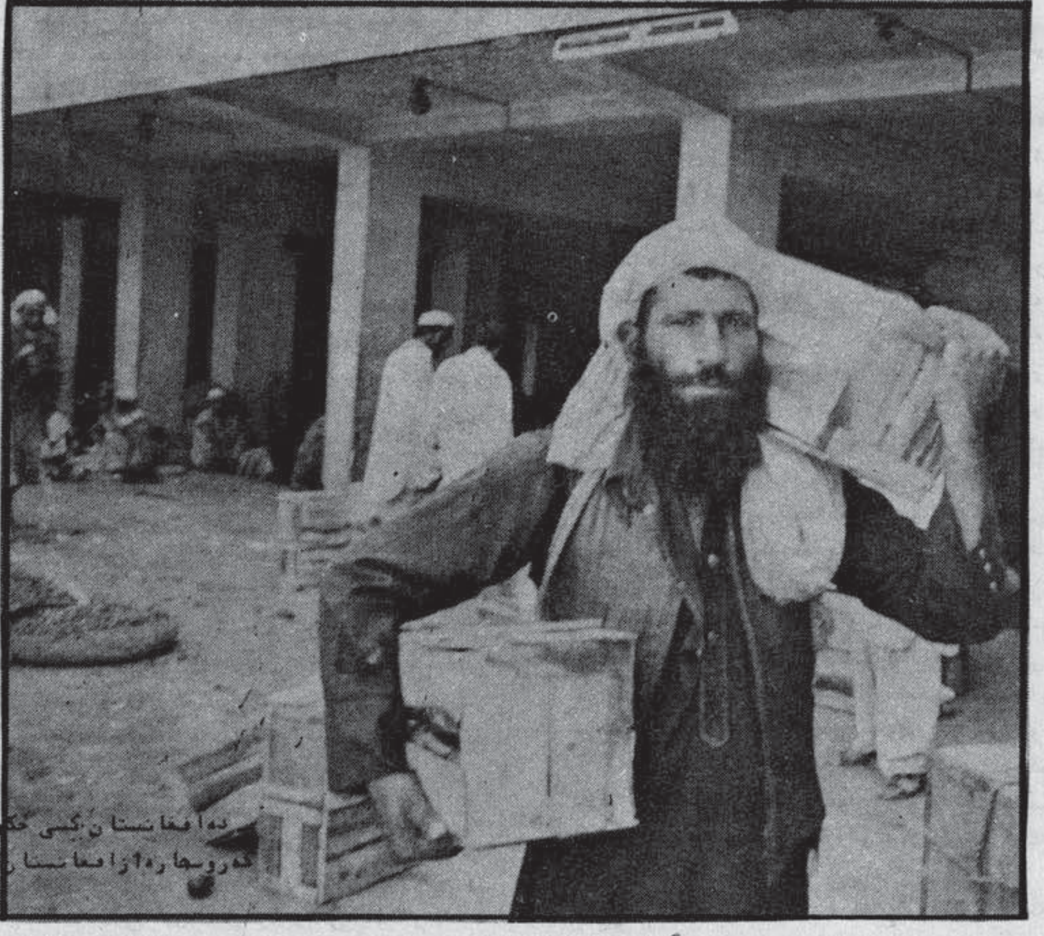

ده ا فغا نستا ن یکبی حکومت که ده میتا نه که روسها ره ا زا فغا نستا ن کشیده .

زموږ اسلامي انقلاب

او بهرني هڅې

رحماني

لەدې واقعیت نەهیڅوک هم سترګې نشي پټولای چي بېګلګر او پراختیا غوښتونکي ځواکونه کله هم نەغواړي چي، کوچني او وروسته پاتي هیوادونه دې ددوی لەسلطې او باداري نه ځان خلاص کړي زیاربا سي په یونه یو دول با یدغریب هیواد ونه ددوی برلاسی او باداري تەغاړه کېږدي .

دهمدې اصل په بناء زموږ دانقلاب لەپیلە ،نړیوالو استعمـاري ځواکونو هڅەکړې چي زموږدملت واک او اختیار یا بالفعل بخپله قبضەکې وساتي او یا یې داسې چاته وسپاري چي ددوی ګټې پکې خوندي وساتلی شي زموږ پخواني او اوسني تاریخ ددې واقعیت څرګند مثالونه لري دپردو ځواکونـو دغه لاسوهني په دې تیرولسو کالو کې هم پوره محسوسي وي خو دومره بربندې نه وې لکه همدا اوس چي لیدل کیږي، کیدای شي ددې یوعلت دا و چي په تیرو کلونو کې دغو ځواکونـو زموږ دتش لاسي ملت په وړاندې دروسانو چي دنړۍ لوی اوستر قدرت دی دماتي تصور نشوای کولای ،هغه هم په داسي حـال کې چي په نړیوالو افکارو کې دا ذهنیت هم موجودووچـي " روسان چي چیرته ننللي بیا بیرته په شا نه دي ګرځېدلي" . هغوی پدې هدف زموږ سره مرستەکوله او دهمدردی غږیـي اوچتولو چي لږ ترلږه دروسانوله پاره څه دردسر پیدا شي، اود څه موري لپاره همدلته مصروف وساتل شي نویا دا چي نه یې غوښتل درسوا لاسوهني په صورت کې دافغان مجاهد ملت ذهنیت ددوی په وړاندې هم خراب شي خوکله چي دغه تصور زموږ د مجاهد ملت دنەتسلیمیدونکي ارادې په وړاندې غلط ثابت شو ، روسانو په ماتي سره زموږ هیوا دپرېښود ، نـو دهغو هیوادو په چلندا و پالیسي کې هم بنکاره بدلون څرګند شو چي تر پرونه یې زموږ سره دلاسوهني په نا مه نه بلکـي همدردی چیغې وهلې، همدغه په اصطلاح پروني همکاران او مرستیالان نن په ډیره رسوایي او دخپل شوم فطرت په اساس هڅه کوي، زموږ دملت اراده بخپله ګټه وڅرخوي اووصـي او قیمومولە ځانه جوړکـړي .

زموږ دانقلاب پدې حساس پړاو کې چي دبری ترمنزله مـو واټن په شیخ حساب دی بهرني ځواکونه په ګډه او یو غږ سـره داسلامي حکومت په وړ، ـ ـ ي راپورته شوي او نه پریږدي چي زموږ دملت په وینو کښل شوي ثمره ،زموږ ملت ترلاسەکړي.

" الکفر ملت واحده " پر بنا ټول کفري او نیمه کفري ځواکو- نـه دمختلفو عواملو په اساس سره یو ټول تبلیغاتـي چینلونه یې زموږ داسلامي انقلاب په وړاندې پکار اچولي.

دتعجب اوږخوداده چي ځیني داسې هیوادونه هم چي تـر پرونه یې ځان زموږ داسلامي انقلاب یواځیني حامی او مدافع

" اوس لەهمدغو کفري ځواکونو په قطار کـي ودریدلي او زموږ دملت او اسلام له قسم خوړلي دسمن سـره یې لاس یو کړی ، هڅه کوي دکفر په ګټه اسلام لەپښوو غورځوی او ددې ترڅنګ داسلامي انقلاب دراوستونکي افتخار هم د ځان بولـي .

کفري ملتونه چي زموږ داسلامي انقلاب دبریالیتوب اود اسلامي حکومت درامنځته کیدو مخالف دي پدې کې څه دتعجب خبره نشته ځکه چي اسلام او کفر کله هم نه دي سره جوړ شـوي

او ددنیا دپیداکیدونه تر اوسه پوري دغه دمخالفت عملاً پیل شوی او ترقیامته به دوام مومي .او سر بیره پردې ځینـي نور عوامل هم شته چي کفري ځواکونه یې زموږ دملت پـه وړاندې مخالفت ته هڅولي دي مثلاً" پەراتلونکي کې لـه پاکستان سره په متحده جبهه کې دهند په وړاندې ودریږي او. بل داچي په تیره زمانه کې افغاني مسلمانو شاهانو دهند سترستر بتان نړولي او هلته یې اسلام خپور کړی پدې خاطـر نه غواړي په راتلونکي کې دد.ا سې دردسر سره شـي.

انګریزانو ته خوا فغانانو دسر په کاسه کې اوبه ور کړي دهغو استعماري ماڼۍ یې نړولی نو ځکه هغه دمسلمانانو او اسلامي حکومت نه ویره لري بلکه همیشه هغه څوک غواړي چي غلامانه ذهن ولري او دهمدغه خصلت په اساس واکداري اوچوکی تـه رسیدلي او بل یې دانګریزانو ګټې خوندي ساتلي وي

امریکاییان له اسلام نه ویره لري روسان خودې زموږ قسم خوړلـي دښمنان .

خو پوښتنه دا مطرح کیږي چي ایران په څه علت نـه غواړي چي زموږ په ملک کې اسلامي حکومت راشي ایران پـه ځای ددې چي زموږ سره مرسته وکړي برخلاف زموږ پر خـلاف تبلیغات کوي، لەروسانو سره ،تګ راتګ ،ناسته ولاړه دنیکو مناسباتو غوښتونکي دي دا ټول هغه څه دي زموږ دملت سره ددښمني معنا لري، تردې بدتره یې لاداچي په ډیره بې شرمي غواړي زموږ ملت دژبې او یا مذهب په بناء سره وویشي، تـر څو وکولای شي پدې وسیله مجاهدین کمزوري او دیته مجبور شي چي ددوی ټول شرایط ومني اودا یران دبیـن- المللي کنفرانس پلان ته غاړه کیږدي کوم بهرنـي

هیوادونه چي زموږ دمجاهد ملت ځپلو ته په کمین کې ناست دي همدا اوسني حالت دمداخلې او ګټې ترلاسه کولو لپاره ډیـر سازګار بولي هڅه کوي پخپله لاسوهنه باندې زموږ دمجاهدینو له اختلاف نه ګټه واخلي، او پدې وسیله سره ،زموږ مجاهـد ملت پخپل منځ کې سره وجنګوي او کمزوري یې کړي، ځیني هیوادونه دقوماندانانو په اختلاف سره دې کار ته لاس اچولی ځیني دپخوانیو له کاره لویدلو څیرو را مخته کول غواړي او. ځیني بیا دځیني تنظیمونو درهبرانو په اغوا کولو هغوی تـه دزیاتي مرستي په ورکولو ددوی دمخالف تنظیم په بدنامولو دوړو تنظیمونو په تقویه کولو ،دیوه او بل ائتلاف په جوړولو او....

لنده دا چي دانقلاب پدې حساس پړاو کې دښمنان غـواړي

زموږ په همدې ضعيفي نقطې نه کتبه واخلي او زموږ ېرى تــه
رسيدلى انقلاب نه پښو وغورځوي، زموږ ملت سره نوښه نوتــه
او پخپل منځ کې وجنګوي . نو يکاردا ده چې په دې حســاس
پړاو کې په ډېره هوښيارۍ قوم واخلو . موږ خپل اختلافونــه
پخپله حل کړو د قضايي ګډو هيئتونو په جوړولو سره د برخورد
عاملين مجازات کړو . د پردولاسو هڅونه اجازه ورنکړو چې
زموږ په منځ کې د اختلاف اورته لمن ووهي، د چا په مــړو د
مکراو پښکي توپي کړي او ځوک په يوه او بل نا مه وغــندي .
او نه موږ دومره بې غيرته شو چې د نوه او بل له لاسه نه برد و
عرض وکړوا و به زوره بي ديته را وبولوچي زموږ اختلافــات
نور هم بې زيات کړي .

يکا ردا ده چې په صبرا وحوصلې او اسلامي تدبيرا و افغاني
غيرت سره خپل مسايل حل کړو که دا کار نشو کولاى نو بيا يــې
دملت را يي ته وسپا روچي هغوی خپل نما ينده ګان وټا کی او
منازعا تو د پرا ختيا مخه ونيسي . الله تعالى دې موږ تــه
توفيق راکړي چې ټول مسائل د اسلام د سپيڅلو اصولو رڼا کی.
حل او اسلامي انقلاب بری ته ورسوو .

والسلام

واخرج البخاري عن انس رضي الله عنه قال :
خرج رسول الله صلى الله عليه وسلم الى الخندق فاذا المهاجرون والانصار يحفرون في غداة باردة
ولم يكن لهم عبيد يعملون ذلك لهم. فلما رآى ما بهم من النصب والجوع ، قال :
اللهم! ان العيش عيش الاخره * فاغفر الانصار والمهاجره - فقالوا - مجيبين له :
نحن الذين بايعوا محمداً * على الجهاد ما بقينا أبدا ..

(حياة الصحابه ج ١ ص ٢٧٠)

امام بخاری از حضرت انس رضی الله عنه روایت کرده است که گفت رسول الله صلی الله علیه وسلم
به طرف خندق بیرون شدند و مهاجرین و انصار را دیدند که در صبحگاهی سرد، خندق را حفر می کننــد و
غلامهایی نداشتند که این کار را برای شان انجام دهند چون رسول الله صلی الله علیه وسلم خستـه
حالی وگرسنگی ایشان را دیدند، فرمودند :
الهی! عیش (حقیقی) عیش آخرت است، پس انصار و مهاجرین را بیامرز .
ایشان در جواب پیامبر محبوب شان گفتند :
ما کسانی هستیم که به محمد صلی الله علیه وآله وسلم بیعت کرده ایم و این بیعت ما برجها د تا وقتی
است که زنده ایم .

دتوري شپې مسافر

ژباړه او لنډیز:
م - ز - شفیقي

مقدمه

دشفق مجلې درنولوستوالو !

داسلام ویاړلي تاریخ ډېرې حماسې او کارنامې هم په خپلو پاڼو کې خوندي کړې او ډېرې دردونکې تراژیدۍ هم .

داسلام دنومیالیو فاتحینو دتورې او میړانۍ ارواپالې کارنامې هم پکې شته او بیا دهمغو توریالو په لاس دآزادو اسلامي ریاستونو دبیرته له لاسه وتلو او دکفر په لمن کې دسقوط غمونکې پېښې هم .

داسلامي تاریخ یوه ستره تراژیدي په اندلس " اسپانیا " کې داسلامي بیرغ رانسکوریدل او دطارق بن زیاد او عبدالرحمن ... او نورو زرګونو توریالیو په قربانیو او هلو ځلو فتحه شوي سیمې بیرته دنصرانیانو په لاس کې لویدل تراژیدي ده .

موږ داندلس دسقوط دوروستیو شپو ورځو په باب دپاکستان یو نومیالي مسلمان او متعهد لیکوال "نسیم حجازي " دتاریخي ناول " اندیري رات کې مسافر" پښتو ژباړه درته وړاندې کوو .

" دتیاره شپې مسافر" داندلس دوروستي ولایت " غرناطې " دمسلمانانو دوروستیو شپو ورځو زړه بوږنوونکې تصویر دی ، .

تاسي به وګورئ چې له اتو سوو کالو وروسته ولې مسلمانان دذلت او نابودۍ په تیاره کې ډوب شول او ولې یې دتورې په زور ګټلې سیمې بیرته له لاسه ووتلې تاسي ته به ددغه تاریخي ناول په لوستلو ددښمن دمکر او چل لارې چارې هم بربنډې شي او دمسلمانانو په مینځ کې داسلام او قرآن دښمنان هم . وبه وپیژنئ چې بې غیرته " امیرانو " څنګه دشهامت او شهادت له لارې نه ذلت او مړینتوب لاره ونیوله او په لاخره ددې ټولو غفلتونو او لټیو تورانجام څه وو ؟

ددې یادونه هم ضروري بولم چې دناول لیکوال نړیوال شهرت لري هغه تر اوسه پورې تر شلو پورې تاریخي ناولونه کښلي چې هر یو یې داسلام دتاریخ یوه ګوښه رڼا کړې ، دغه یو دا مجاهد قلم په لاس د

اسلام لەستروفاتحینوسره مورچل پەمورچل گرزیدلی اودهغوی کارنامی یی دخپل جادویی‌قلم پـــه شهکا ریوا بدی کړی دی، اودادی نن هغه‌لگیادی زموږدموۍ من اوبرمیا ل ولس داتلوالیوپه‌بابـیا خپل بیا وړی قلم چلوی. داهم بایدووایم چی دغه ناول پەنږدی پنځوسوومخونوکی چاپ شوی دمجلی لپاره مودالازمه وگنله‌چی لەژبا ړی سره‌لږڅه‌تلخیص‌هم شی نوځکه‌ځنی پیښی پکی را لنډی شوی دی که‌یـی د مستقل کتابی شکل دچاپ امکانات برابرشول بیا بەبشپړه ژباړه درنولوستونکوته‌وړاندی کوو او وروستی خبره داچی دلیکوال دسریرزی لومړی برخه موهم دناول سره‌دارتباط پەخاطر را ژباړلی ده لەوروستی یوی برخی څخه صرف نظرشویدی نوردا تاسوا وداهم"دتیاروشپودمسافرو"دردونکـی داستان.

" ژبـــاړن "

ړومبـــی خبـــری :

زماپەمخ کی دتاریخ هغەپاڼی پرتی دی چی پەاندلس‌کـی دمسلمانانووروستی پاچاهی "غرناطی"لەتباهی وروسته‌هغـه سترقام هم خاوری شوچی غازیانویی اتەپیړی وړانـــــدی. جبل الطارق تەمخامخ ددریاب پەغاړەخپلی کښتی سوځولـــی وی.

ماتردیره وخته دساحل پرغاړه هغەقافلی لیدلی چی دلاری پرسرپاتی گردونواودوړو کی یی داسلام دزړوروبچیانوتیـــر عظمتونه اوویاړونه‌پټ ووا وبیا زماسترگوتەهغەشیبی هـــم ودریدی چی د" فردیناند" پـــو ځونه غرناطی تەننوتل .

دطارق اوعبدالرحمن داولادونوآه‌اوافسوس می رساواوریدل.

دغرناطی دبودا کانوا وځوانانودذلت اورسوایی زړه‌لړزوونکی منظری می هم ولیدی پرکوموچی درحم تـهپـــو لی دروازی د تل لپاره تړلی شوی وی .

څوځواری می پەزوره‌زوره‌وژرل!!

دغرناطی دبرمناکوتالارونوا ولەکنی‌گوښی‌دکوکورونوباژارونواو کوڅوپەمخ کی ودریدم ،ما دهغوخاینانوکرس کرس خنداگانی هم واوریدی چی لەدیری مودی یی ددښمن دراتگ لپاره تیـــاری نیولی وه ، زماپەمخ کی اصلا" دهغەقافلی سرگدشت غوړیدلـی پروت دی چی پرراتلونکی یی دتوروتیاروپردی پرتی وی.

داندلس دتاریخ پاڼی می هغەوخت واړولی چی کلەدهندوانو یومتعصب لیډرووبیل :" کەلەاتوسووکالووروستـ[redacted]دا سپانیـــا دمسلمانانوسوم بیرته خاوری کیدای شی نوپەهندوستـــــان کی ولی داسی نشی کیدای ! " اوبیاچی کلەد۱۳۶۵کال جگړه دیوه حقیقت پەڅیرزموږمخی تەراغله نوپردی پوهیدل مشکل نەووچی دسولەشیزسیاست ترپرده لاندی دبرهمنی ښکیلاک ناولی هدفوبەپټ ووا ودهندوستان پەساره‌اوا وردوکی داندلس تاریخ دتکرارلومړنی تمرینونەپیل شویدی .

ددی کتاب دلیکلوپەپیل کی می فکرکاوه‌چی داوربندلیـــه تړون نەدغرناطی ترسقوط پوری چی کومی پیښی راغلی هغـه بەدکتاب پەدری څلوروبابونوکی ختمی شی بیابه‌تر (۱۵۰۲م) — پوری دتیاری شپی دمسافروسرگدشت ولیکم‌خودیوه‌اوږده‌داستان لپاره‌ول زماپەوس‌کی نەوو .

بیاکلەچی ماله‌نیمایی نەزیات کاره‌ختم‌کړی وۍ د"داکــی د سقوط ، سترماتم پیښ‌شو اوبیاتردری میاشتوپوری چـــادا پوښتنه‌همونه‌کړه چی زەژوندی‌یم او‌که‌نه؟ماپه‌زړه‌کی‌پەواروارد‌ا پوښتنه کوله‌چی آیادغرناطی اوبغداد سقوط دمسلمانانـــو دعبرت لپاره کافی نه وو؟! آیاد داکی دسقوط نتیجی بـــه یوازی دمشرقی پاکستان ترپولوپوری محدودی پاتی شی ؟

د۱۹۷۲ دکرمی پەموسم کی می ځان تیارکړا وپەزړه‌کی می پـه کلکه وویل چی دراتلونکی،کال ترمارچ پوری بەداکتـــابـ بای تەرسوم خوزماپرذهن دداکی دسقوط اغیزی تراوسەپاتـی وی، بالاخره‌دنومبرپەمیاشت‌کی زەداعمابوپەځانگړی مریضی احته شوم‌اونږدی شپږمیاشتی مالەځوپانوزیات څەونەلیکلی شوای ،اواوس‌چی کتاب‌ختم شوی دی نوزه‌حس‌کوم‌چی دداکـی اوغرناطی سقوط دیوه داستان بیلی بیلی کړی دی همغـــه اوښکی زمایەمخ کی دی،همغه زړه‌بوږنوونکی منظری دبوداگانـ ـوا وځوانانوهمغه‌دنب اورسوا سی چی په ۱۵۰۲ میلادی یی‌غرناطه پەخپله لمن نغښتی وه په ۱۹۷۱ م کی یی داکه‌پەغیږه کـــی راونغښتله .

" نسیم حجازی "

سینتافـــی :

د۱۴۹۱م کال وروستی میاشتی یوسهاردختیځ پرافق لمرخپــل سررا پورته کړا ودخپلوزرینووړانگوجال یی پرویړه‌سیمـــه وغوړاوه، دلویدیزپرغروتوویدی تیاری ورووروخوځیدی او خپله لمن یی ورټوله کړه، دسرانویدا ، النفجاره اوالحمــر دلوړولوړوغرونوپرڅوکودوا وروسپین تاجونه دلمرشغلوتـــه وځلیدل دسینتافی پەیوه پوځی کمپ‌کی ورو ورودخلکوتـــگ راتگ پیل شـــو .

ملکه‌ازابیلالەشاهی خیمی نەلږلر ی پریوه‌غونډی ناسته‌وه اودغرناطی نیاره‌غونډی منظره‌یی مخامخ ښکاریده ،کلەکلـــه بەیی نظرپرشاوخواولاړوخیموا ویا وړاندی دویگاپەهسکوتپتـو کی پرویځاړوا وسوځیدلیوکلیوولگیدکوم چی رڼگوا وسوځیدلیو کورونویی دسختی جگړی شاهدی ویله ،خوځوشیبی وروسته‌بـــه یی بیرته هغەلەطلسم‌نەدک ښارچی پەشپږمیلی کی یی لوړلــوړ مناروپه‌هروخت لەلری ښکاریدل اودهغی پەذهن کی نقـــش وو تظرهغی خواتەوروگرځاوه .

ملکه‌ازابیلاپه‌ژوروسوچونوکی دوبەوەچی ناځاپەیی دآس د پښوترپهارترغوږشوا وچی پورته‌شوه‌کیفنی لوری تەیی وکتـــل " فردینانډ" غونډی تەراورسیدا ودآس لەشانەیی ټوپ واچاوه وړاندی راغی دملکی لاس یی ښکل کراوویی ویل : نن هوادیره سړه‌ده. تاباید‌استراحت کړی وای ."

ملکی ځواب ورکـــړ :

" کلەچی وروستی منزل دومره لنډوی نومسافرآرام‌نشــــی کینا ستلی،نن سهارمی دادرپه‌یا دول غوښتل چی لەاوربندنـه لس ورځی تیری‌شوی اودتړون دلاسکیک لەمخی موږبایـــد دسینتافی ترغرناطی داشپږمیله‌لاره‌پەراتلونکو(۶۰) ورځـــو کی لنډه‌کـــړو".

فردیناندځواب ورکـــړ :

"ملکی ! تەداسی فکرولی نەکوی چی دا (۶۰) ورځی اوشپږمیله دهغه‌قوم دژوندا ومرگ ترمنځ وروستی فاصله‌ده‌چی اتەســوه کاله‌یی پەدی ځمکه‌حکومت‌کړی وۍ ."

.زه‌پوهیږم چی ستاپەذهن کی تراوسه‌د"ریمنیس "دلنک اعـــزه

ده ،خوهنه‌بودا راهب ته‌خه‌پته‌ده‌چی هه‌قوم چی دنا بودی پـــر
خه‌ده دریدلی دی دخوکالوپه‌ترخ کی بی له‌جبل الطارق خخـــه
دپیرسی ترغرونودکلیسا بیرغونه‌راسکورکری وو .
سیا دوا ره‌په‌چوکیوکیناستل ازابیلا وویل :
" ره‌ستا له‌رایی نه‌مخالفت نه‌کوم زه‌په‌دیخبره‌ویارمچی پـــه
کومولاسوداندلس دآزادی دیوه بلیدونکی ده هغه‌زمادمیــــره
لاسونه‌دی، اوزیمنیس هم ستا په‌ستروستروفتحواعترافکـــری
وی .
فردینانـــد : ماده‌غه‌لیک‌لوستی دی.هغه‌غواړی چی مـــورد
اورسندترون بیرته مات‌کرواو پرغرناطه‌یرغل ورورو .هغـــه
یوازی یومذهبی راهب دی اوزه‌دتول وضعیت‌څارونکی سپاهی
یم ، هغه‌پوهیږی چی دغرناطی اپوسیدونکی مرەشوی دی اواوس
یوازی دهغوی دلاشونوتونی کولوکارپاتی دی، خوزماسپاره‌د
غرناطی حالت اوس‌هم هغه: ورغورځونکی غره‌ته‌ورته‌دی چـــی
ویلی شوی موادیی په‌ځوښ‌راغلی ددی اوزغورځوونکی غـــره
پرغاره دکلیسا داقتدار بیرغ له‌ځرولوپخواددی ضرور ت
دی چی ایسیدونکی وبلی موادسی ساره ٔ شـــــی .

داسیی ده‌چی زموږلښکرله‌غرناطی نه‌شبرمیله‌لری پروت‌دی
خواوس‌هم دغرناطی په‌منځ منځ کی زموږجکړه‌روانه‌ده‌اوددی
قوم ځنی داسی کسان شته‌چی همدااوس‌دخپل قامدمقاومـــت
اوتینگاربرجوسه‌نږوی .
آیادازموږستربری نه‌دی چی کوم کارچی موږدزرگونــــــو
سپاهیانوپه‌قربانی ترسره‌کولی شواوس‌هغه‌دداسی چاپه لاس
ترسره شی چی زموږدبیمن یی دخپلی وروستی کلاساتونکی گنی.
ازابیلا وویل :
زه‌هره‌شیبه‌دادعاکوم چی نه‌له‌ابوعبدالله نه‌کومه‌تمه‌لری
هغه‌ترسره سی خوکله‌کله‌ماداخبره دیره‌خفه‌گوی چی هغه‌یوځل
له‌تاسزه وعده خلافی کریده‌نودوهم‌ځلی پرهغه‌اعتبارهوښیاری
نه ده .
فردیناند: دقسطله‌راهب هم همدعه‌خبره‌لیکلی وه‌خودابالکل
غلطه ده‌چی زه‌پر هغه اعتمادلرم‌هغه‌بوعیاش ،تنبل اودبـــد-
لیدونکی مزاج خاوندی خوهغه‌ته‌زه‌اړینم ځکه‌چی هغه‌دخپل‌قوم
ذلت‌اوسپکتوب‌لپاره کوم وسایل براببرکری دی بل څـــوک
هغه‌نشی براببرولی، اوس‌دغرناطی حالت هغه‌زخمی زمری تـــه
ورته‌دی چی په‌اغزنه‌ونه‌خپل زخمونه‌گروی،اوزه‌ددی پرځای چـــی
رامخکی شم او وروستی گوزاروررکرم‌ابوعبدالله‌ته‌ددی فرصت
ورکوم چی دغه تبی زمری وتری اوزماپه‌پښوکی یی وغورځوی.
زه‌دخدای (ج) شکراداکوم چی موسی بن ابی غسان کوم‌سری
دترکانوا وببربریانودمرستی غوښتلولپاره‌لیږلی و، هغه‌پـــه
مالتاکی بندی‌پرو ت دی، که‌مسلمانانوله‌بهرنه مرسته‌ترلاســه
کری وای نوزموږجوړه‌شوی لوبه‌به‌گډه‌وډه‌شوی وه .
ازابیلا:
" شکردی چی ستادااندیښنه‌هم‌لری شوه .
فردیناند: زمادااندیښنه‌به‌هغه‌وخت‌لری شی چی هغه‌دیـــو "
بندی په‌حیث‌زمامخی ته ودروی اوبیاڅوک وواییی چی دا -
" حامدبن زهره" دی .
ازابیلا : ولی زموږسفیربه‌دهغه‌پرځای بل څوک لیدلی وی چی
بندی دی ؟
فردیناند: نه.ماچی کومه‌کښتی په‌هغه‌پسی لیږلی وه‌تراوســه
یی درک نه‌معلومیږی .
ازابیلا :دترکانوجنگی کښتی په‌دریاب‌کی یوه اوبله‌خــــزا
گرځی خدای (ج) دوکړی چی له‌هغی سره مخامخ نشی .که‌هغـــه
غرناطی ته‌راورسیږی وضعه‌په‌خطرناکه شی .

فردیناند وویل : کله‌کله دشپی په‌تورتم کی له‌ویری دیو ه
سری چیغه تول کلی راویښوی ،دازماسترمسئولیت‌دی چی پـه
کوم کلی چی زه شو خون وروړم‌هلـه بایدیوڅوک هم نه‌وی چی
چیغه وکری اوکلی راویښ‌کړی چی په‌نتیجه‌کی‌یوه‌کښلی جنگ
ته‌دبیاجگړی ضرورت پیښ‌شی .
ملکه ازابیلاخفه‌شوه‌خپل میره‌ته‌یی وکتل دهغی حالت هغـــه
ماشوم ته‌ورته‌و لکه‌یوه‌ښکلی ناڅکه‌چی په روزتری واخلی.
فردیناند دهغی دتسلی لپاره وویل :
ازابیلا ! زه‌ستاخفگان نه‌غواړم به‌دی باورلرم‌چی دنوی کال
په‌پیل کی به‌زه تانه‌غرناطه‌سوغات‌ورکوم ،ځنی خبری داســی
دی چی زه یی اوس‌تاته نه‌شم ویلی اوزه‌غواړم‌چی یوه‌ورځ نا-
څاپی زیری درباندی وکړم .
دآزابیلاتندی له‌خوښی‌نه‌وځلیده‌اوختیځ لورته‌یی دغرناطـــی
پر ناړسرگی خنګ کړی ... سماسی وولی :
هلته‌دیرخلک‌ښکاری هغه‌څه‌کوی ؟
هغه‌لاره‌جوړوی .
اوه دڅه لپاره؟
دتجارت‌لپاره غرناطی ته‌دغلی ،میوی اونوروارتیاوړشیانو
درسولولپاره .
ازابیلا په‌دیری پریشانی وویل :
نه‌ربښتیا غواړی دوی نه‌دتجارت‌لاره‌خلاصه کړی ؟
هوزه‌ددی خبری عملی ثبوت‌ورانډی کوم چی دقسطلـــــه‌ر م
زړی ملکه پرخپل نوی رعیت دلوړی مرگ نه‌لوروی،که‌څه‌هــــم
ریمنیس داکارهیڅکله هم نه‌منی ازابیلا وویل : که‌هغـــه
داسی خبره واوری ځان به‌ووژنی .
فردیناند وخندل : آیاهغه‌ته‌ددی ویل کافی نه‌دی چی د
غرناطی خلکونه دڅو ورځوخوراک تیارولوپه‌بدل کی هغه‌دتل
لپاره دخواری اوغریبی په‌کندوکی غورځول زموږلپاره‌گرانه
نه‌تمامیږی .
ازابیلاوویل : زه‌په‌دی پریشانه‌یم‌چی زه ستاپه‌پروگرام پوه‌نـــه
نه‌یم خبره څوپه‌دی یوه خبره زماسرنه‌خلاصیږی چی زمـــــوږ
دبیمن اته‌سوه کاله‌په‌دی ملک له‌حکومت په‌وروسته‌اوس‌ولـــی
دومره په‌عقلت‌کی دی آیاهغه‌په‌دی هم‌نه‌پوهیږی چی کله‌زموږ
پرمخ دغرناطی دروازی خلاصی شی ددوی دحساب ورځ به‌رارسیږی
فردیناند ځواب ورکړ: هغه‌په‌هرڅه‌پوهیږی خوکله‌چی دیوه‌قوم
دزوال وخت‌راورسیږی هغه‌بیاخپل ځان عولوی اودقوموســـو
داخلاقی کمزوری وروستی مرحله‌هغه‌وی چی دخپل ژونددنقـــا
لپاره ترهلوځلوځان وژل آسانه گنی، نن‌زموږددبیمن همدغه
حال دی ، دازموږنیکمرغی ده‌چی دی ولس‌چی په‌کوموخلکــــو
رونه‌ترلی دی هغه‌بیازموږپه‌لمن کی لویدلی دی .
ازابیلاوویل :ابوعبدالله ته‌دامعلومه‌ده‌چی څوهفتی وروسته
به‌دهغه پاچاهی ختمیږی اوددی پرځای به‌په‌انعجاره‌کی یـــوه
ورەسیمه دڅه‌مودی لپاره ورکول کیږی، ابولقاسم‌ته‌به‌هـــم
وزارت‌پاتی نشی نوبیادوی په‌کومه‌تمه‌له‌موږسره‌پملوـــــه
کی ملگری شوی‌دی ؟
فردیناندوخندل : لوبه‌بوای زماده ،هغه‌دواړه‌خودشطرنــــج
داسی دی، ابوعبدالله‌خوله‌هنوخلکونه‌دی چی دځنکدن پـــــه
حالت‌کی هم مرک‌ته‌ددوکی ورکولوزیاربا سی اوابوالقاســـم
خوربښتیا هم چالاک دی خوبه‌غوړوا وچربووعدوبی ښه‌څوشالـــــبه
ساتلی شـــم .
زه‌هغوته لیکلی وعدی ورکوم خوچی وخت‌راغی بیابه‌نـــــه
وعدی وی اونه‌هغه‌پخوانی خبری دوی به‌په‌خواری اوبی وســـی
کی پاتی کیـــږی .

ازا بيلا بيا وويل :
كەحا مدبن زهرەلەبندە راوسبتى اوغرناطى تەراشى سوبيا بە رموڕپرحلاف خلك راوپا روى .
فرديناند ځواب وركر :
تەبيغمە اوسەماددى هم چارە كڕى دە .
خورا تەووايە تەزمادا عصابوا متحان ولى اخلى ؟
فرديناندپەفاتحانە دول هغى تەوكتل اوويى ويل :

ماددبنمن لپارە زندان جوركرى دى چى دغرناطى دآزادى رون پكى ببدى كڕم ددى مياشتى ترپايتەرسيدومحكى بەدعرناطى ځلورسوە كسان موڕتە يرغمل سپارل كيڕى، دعەځلورسوەكسان تەدسوځ اودغرناطى دمشراسولەدلى سدوى حي دهغوى لەپريكڕى پرتە بەپەغرناطەكى هيڅ كلەكوم حركت پيل نەشى .
ملكي ازابيلا فرديناندتەپەتعجب وكتل سيايى وويل :
ستا مطلب دادى چى ابوعبداللەاوابوالعاسم بەدعەكسان دمبڕو اووزوپەځيرلاس ترلى تاتەراولى تودغرناطى پوځ اوولس بەځە عكس العمل نەښيى ؟
نەتەدادابولقاسم مسئوليت دى چى دخلكوداعتراض مخەونيسى .
ملكي وويل : داسى يم لكەخوب چى وينم آياتەپەدى بساور لرى چى ابولقاسم بەستادا غوښتنەومنى اوخلك بەلەهغەسرە مخالفت ونەكڕى ؟
- هغەدا غوښتنە منلى اوخلكوتەيى پەدى قناعت وركڕى چى دتجارت لارى خلاصيڕى ، سولەراځى اوجنگ جگڕى بەپاى تەرسيڕى ....

تيرى روښنايى اوراتلونكى تيارى :

دغرەپرلمن ديوە كلى درى خواو تەپرتوبا عونوپرپا نبو دمنى نبى رانبكارەشوى وى، جموبى لورى تەديسرا نويدابو رولوڕوغروپرځوكولومڕى واورەاوريدلى وە،سلمىٰ دكلاپربام لمرتە ناستە وە،پرپنځوس كلنى كى يى هم پەځيرەكى دځوانى اثارنبكاريدل عاتكەيوە ځوارلس پنځلس كلنەنجلى چى پرهوښيارە اوښكلى ځيرە كى يى دعربو،بربراوهسپانيې عورە ښځينە نبى راعوندى شوى وى يوكتاب پەلاس كى پە زينوكى ښكارە شوە سيغە راعلەاودسلمىٰ سرەپرقالينە كيناستە .
تروروجاسى ! هغى كتاب خلاص كڕاوويى ويل :
رە دسعيددوى كرەنللى وم چى كتاب راورم حولەزبيدى سرە پەخبروشوم لڕوځنديدم ،سعيدترا وسەلەغرناطى بيرتەنەدى راستون شوى ، منصوردپرغمجن وى ، جعفراوزبيدەهم پريشانە ووجعفر ويل كەترمانباسە رانەغى زە ورپسى ځم اوپوښتنەيى كوم ، هغوى پەدى اندېښنەكى وو چى دغرناطى آزادى خرځو- ونكى يى عيسويانوتە پەلاس وركڕى .
سلمىٰ جگە شوە ودريدە اوتوى پيغلى تەيى پەدا دمنەلهجە وويل :
عاتكې ! زەپەدى پوهيڕم چى لەوراره اوتوكرانونەيى دسعيد پەباب تەديرە انديښنە يى ځوتە بايدا دەوى چى پەدى ترددى وحتكى ابوعبدالله ځلورسوە كسان فرديناندتەپرغمل سپارى لەهغى وروستە ددى ويرە بشتەچى ځوك نبيا دسولى پە مخالفتكى څەخبرە وكڕى .
عاتكې وويل : تروروجاسى ! زەدمنصورپەباب حغەيمدهغى نبيلە سعيدتەبل هيڅوك هم نشتە .
سلمىٰ وويل : لورى ! زە بەدى كاكاتەووايم چى يوښوكر

غرناطى تەولبڕى اودسعيدپوښتنەوكڕى خوكورەستا ديرتك دسعيد كوزنە ښەنەدى، سعيدښە سڕى دى اوستاپركاكا هم دراميوپەځيرگران دى حواوس تەهم پيغلەيى ستا ورتگ ښەنەدى لەبلى حواستا دكاكا پرزوى "عمير" هم ښەنەلگيڕى .
عاتكى پەغوسە كتاب يوى خواتەكيښوداووى ويل :
تاتە خومعلومە دەچى دعميرنوم اوريدل مى نەخوښيڕى .
سلمىٰ موسكى شوە ويى ويل : ماتەمعلومەدەاوزماهمدهغى ځنى عادتوسە نەدايشى خوستاپركاكالەامين اوعبيدسەعمير ديرگران دى، هغەفكركوى چى سەلويەتى نبيا بەدى بدسەترى راځى .
عاتكې وويل : تروروجانى تەځەوايى ؟
سلمىٰ : لورى ! زمادا مطلب نەدى چى ځوك بەتاپەزورمجبور كڕى حوكاكا دى وايى چى عميرپەدى ورځوكى راځى نوتەلرپام كسوە .
عاتكە ديرساعت چوپ وە نبيايى وويل :
كاكامى چى دعميرنوم ديرغمل كسانولەليست نەويوست نواميين اوعبيدڅەگناەكڕى وەچى نەيى ايستل ؟
سلمىٰ جواب وركڕ : كاكاتەدى وزيرابولقاسموبلى ووچى دا يوزوى دى پرينبودى شم دنوروپەباب كەڅەوايى نبياخودانور مشران راباندى پرەاچوى .
عاتكې وويل : نبيامى كاكاجان دعميرپەځاى امين ياعبيد ولى نەراگرځاوە .
نەپوهيڕم دادهغەكمزورى دە .
دعميرمورهم ستاپركاكاديرەگرانەوەاوچى هغەژوندى وەزە يى لەكورە وشرلم زە لەامين اوعبيدسرەيوځاى ستالەپلارسرە غرناطىتەتللى وم ،كلەچى دعميرمورمرەشوەستاكاكا پەخپلە سهوە پوەشو اوزەيى بيرتە راوستلم .
تروروجانى ! كەنەپەغوسە كيڕى يوە پوښتنەكوم.
ووايە !
تەپەدى داده يى چى كاكاجان ددښمن باداری پرځان منى؟
سلمىٰ ځواب وركڕ : نەلورى ، دچاچى درى وروڼەشهيدان شوى وى، بدن يى ټپى ټپى وى اوبولاس يى هم پەجها دكى غوځ شوى وى هيڅكلە هم دښمن تە دغلامى سرنە ټيټوى .
عاتكە : نوخپل زامن يى ولى يرغمل دښمن تەولیڕل .
سلمىٰ : لورى دادابوعبداللەاوابولقاسم كارونەوو .
عاتكە : تروروجانى كەحا مدبن زهرەپەخپل مقصد كى كاميا شى اودسركانواويادمراكش دخلكوكومك موڕتەراورسيڕى نو نبيا بەزما كاكاڅە كوى ؟
سلمىٰ عاتكى تەپەحيرحيروكتل نبيايى ورتەوويل : لورى تە چورتمەخرابوه كلەچى دجهاد غږاوچت شى اودغرناطى د آزادى نغارە وغږول شى نبياستاكاكا دخپلورامنولپارەدغر- ناطى آزادى تەقربانوى .
سبى دە چى اندلس نبيادبوە يوسف بن تاشفين انتظاركوى حواوس نبيل وحت دى، هغەوحت داندلس دعوامواجتماعى شعور روندى وى اوتولوديوسف بن تاشفين هركلى وكڕحودغرناطى اميران اوس سولە دخپلى آزادى پەبيەاخلى اودلته او س عالمان اميران اوعام ولس ټول خپل ځان غولوى،داسلام غازيانوخپلى وينى وراندى كڕى حودغرناطى جلكوپرهغو وينودخپلى آزادى ديوەبلغونەساتلەكە پە .... كى دژوندځە نومە ساتى واى نوموسىٰ بن ابى غسان عوندى سرمولهدبە يى نااميدە دسها دت پەلاربوازى نەپريښود .
عاتكە : تروروجانى ! دنااميدى خبرى مەكوە ،اوس همدنى قوم دخلاصون لپارە حامدبن زهرە عوندى مجاهدشتە ،

سلمێ : دغرناطی خلک اوس دهغی ورحێ انتظاربا ئێ چی د فردینا ندلنبکری ہا رنەنوزی اوخوهغێ وروستەپرهعوی هعە تیارە شپە راتی چی پەتعدیرکی یی لیک دەاو هیڤیا نەلری، دغرناطی خلک اوس پەدی یقین دی چی حامدبن زهرەزوند ی نەدی .

عاتکە : دخدای (ج) دپارە داسی مەوا یەهغەزوندی دی هغە حتماً راڤێ .

سلمێ : لوری ! زەتا دنا معلوموا میدونولەدیووبلولونەنەمنعەکوم خوزماترسترگوخوداسی تیاری دی چی دروبنا یی‌هیچ ڤرک پێکی نەلگی .

عاتکە : تروزجانی ! زە خودفردینا ندلەغلامی نە لەخهل ماما سرە دالفجارە لەآزادی غوبنتونکوسرەوینوتوپولوتەتہاوہم پلاربەمی ویل چی پەدی دنیاکی دمسلمان لپارەدآزادی لە ژوندنەهمغورە اوسترنعمت دشها دت مرگ دی .

دعاتکی پەسترگوکی اوبکی وځلیدی پورتەشوەاودلویدیځ لوری تەیی دغرونوپەمینځ‌پەیوەزورنا وسترگی خبی کسړی . ددی ناوپەپای کی دهغی سترکی پەیوەکورولگیدی چی هغە پەکوچنی والی کی لەمورسرەهرەورځ ورتلە .اوعاتکەوروورود تیروخاطروپەتیا روکی ورننوتلە .....

دادمحمدبن عبدالرحمن کوروٴ چی دهغەمیرمن آمنەدعاتکی دمورملکری وە دکلی خلکوبەویل چی دآمنی پلارحامدبن زهرە دیرلوی عالم دی اوپەغرناطەکی دعاتکی

دپلارکور دحامد بن زهره

دکورترڅنگ وٴ ، سعیددحا مددریم زوی لەعاتکی نەدری کالە مشروٴاوهغەیی دما شومتوب دلوبوملگری وٴ دسعید دوە مشران وروڼە دجنگ پەلومړیوشپوورڅوکی شهیدان شوی وو او دهغە پلاراومورپەیی دحجدا ومیرانی کیسی کولی .

دحامدبن زهرە لورآمنەپرعاتکەدیرەگرانەوەاوهغەبەیی خالەبللەآمنی لەپلارنە دینی کتابونەلوستی ووا وهغی بیا دکلی نورونجونوتەسبقونەویل ٭ عاتکە هم‌پەپنځەکلنی‌کی د آمنی دزدەکوونکوپەدلەکی شاملە شوە .

څووختەوروستەآمنەدمحمدبن عبدالرحمن دشریک ژوندملگری شوە ، اولەڅومیاشتووروستەبیا محمدبن عبدالرحمن کومی سرحدی پوستی تەدجهادلپارە ولاړیوەورځ دهغە دتپی کیدو آوازەکلی تەراغلی وە اوبیاآمنەدهغەدخدمت لپارەورغلە دغە وخت دوی تەخدای (ج) یوزوی "منصور"هم وکړی وٴ .

حامدبن زهرەخپل وفادارنوکر جعفراودهغەمیرمن زبیدەدلور کورتە واستول اومنصوریی هغەتەوسپارە ،منصوردری کالو وٴچی یوە ورځ کلی تەخبرراغی چی محمدبن عبدالرحمن او میرمن یی آمنە دواړەشهیدان شویدی دهغی لەشهادت نە وروستە حامدبن زهرە اوسعیدکلی تەراغلل هغوی‌منصورلە ځانە سرە کورتەنیولو خودعاتکی مورغناړەدمنصورپالنەپە خپلە غاړە واخیستە کلەکلەبەسعیددعاتکی کورتەدمنصور لپارە راتە اوخپل خوریی بەیی لیدە ،دمحمدبن عبدالرحمن ځمکە اوباغونە دهغی نوکرجعفرتە وسپارل شول اوپەکورکی یی هم جعفراوزبیدە اوسیدل دعاتکی پەذهن کی تیری خاطری یوە پربلە پسی راژوندی شوی اوهغەپرخپلوتیروتولوخوږو اوترخوپیښورا وگرځیدلە ....

دعاتکی پلارنصیربن عبدالملک یوزورمجاهدا ودیوی دلی مجاهدینومشروٴ ، هغە تەیووخت دکلی نەپاس دالفجارەاو غرناطی ترمنځ دلاری ساتلووظیفە وسپارل شوە ، نصیر د غرنیوسیموپەخلکوکی دحجاد جذبی راژوندی کولولپارەدحامدبن زهرە خدمت تە دیراړشواوبیا یی لەهغەنەوعوبنتل چی لەده سرە غربی سیمی تەولاړشی اوهغەهم سمدستی ورسرەولاړ سعید دهغوڕضاکارانوپە دلەکی و چی لەدغی لاری بەیی غرناطی تە خوراکی شیان رسول عاتکی تەسیا هغەوخت وریەیادشوچی کاکا یی هاشم‌دحامدبن زهرە

دآس جلب سیولی وٴ پەزرکوسوخلکودهغەمرسی وٴ ... او ځولحظی وروستە حامدبن زهرە داسی حادویی حبری وکړی چی دهرچا پەسترکوکی اوبکی دندشوی ....

اوبیا هغەوخت وریەیادشوچی عاتکی دآس ځغلول ،غیشی ویشتل اوتوری وهل زدەکول ، هغەبەهروخت لەسعیدسرەدآس ځغلول لوبی کولی .

هغی تە وریەیادشول چی دکاکازوی یی عمیر لەسعیدسرەنە پریښودلەچی لوبی وکړی اویوەورځ یی سعیدپەڅپروهلی وٴ .

کلەچی دشمال لەحاطلحیزوڅمکوویجاړولووروستەدفردینا ند لښکری دغرناطی پەمح کی لنکرواچاوە نودنصیردندلاریاتە مهمەشوە ،دښمن ځوځلی دهغە پوښتی پرسرلوړوڅوکودنیولو هڅە وکړە خولەسختی ماتی سرە بەمخامخ شوا وبیا عاتکی ، تە هغەورځ پەیادشوەچی دښمن پرکلایرغل راووړا وهغی پە داسی حال کی چی خپل مخ اوویښتان یی پټ کړی ووددښمن پەوړاندی دیرەزړورتیا وښودەاودیرکسان یی پەغشوا وتورو دمرگ پەخوب ویدە کړی وو، لەهغی ورځی راوروستەعاتکە د" غرناطی لور" پەنوم پەشاوخوا کلیوا وپوستوکی مشهورە شوە نصیردخپلی لورپەجرئت اوشجاعت دیرویاړکاوەاوپەدی پورە باوروٴ چی هغەدهردول دښمن مقابلە کولی شی .

اوبیا هغەورځ هم راغلەچی دغرناطی پرشاوخوا ددښمن دمحاصری کړی تنگە شوە هغە تەلەغرناطی نە دعتبە پەمشری شل تنە پیادە اواتە تنەسپارە پوځیان دمرستی لپارەراغلل عتبە چی شنی سترگی اوسرەږیرەدرلودەلەڅومودی وروستە دنصیرپام دځان پەلوری واړاوەاوبیا هغە دپنځوسو سپاهیانومشروتاکل شو ، پەکلاکی دهغەپە باب دا مشهورەوەچی هغە یوازی قوماندی اوریدلوا وقوماندی ورکولوتەتیاردی اوپرشوندویی خندا هیڅکلە نەلیدل کیږی .

یوەورځ عاتکە پەآس سپرەشوەلەکلانە دری میلە لری یی ولیدل چی عتبە پەدیرە توندی آس ورپسی ځغلوی ،هغی خپل آس لە لاری چپ کړاوعتبەتەیی لارپریښودەخوناڅاپەعتبەدهغە مخی تە آس ودراوە هغی تەیی وکتل ښایی سترگی بکتبە واچولی اوویی ویل :

ښځنە غوارم ، دازماگستاخی ونەگڼی دکلادساتونکی لورباید دامنیت لەتیولوپرتە دومرە لری رانشی،لەخطرنەساخبرول زماوظیفە دەکەڅەهم دکلاجنوب لوری څەناڅە پەامن کی دی خوبیا هم ستاسرە بایدساتونکی وی .

عاتکی اځواب ورکړ :

تاسوزماپە باب اندیښنەمەکوی، زەدیرە لری نەتلم‌اوتە چی ماتە کومەمشورەراکوی هغە تاتەهم‌بایی چی عملی یی کړی .

عتبە : زەستاپەمطلب ونەپوهیدم .

عاتکە : زمامطلب دادی چی‌ژتەدپوځ یومنصبداری دځان ساتنی فکرلەتاسرە هم بایی .

عتبە وویل : مابەهیڅ وخت عامل ونەوینی همدااوس ځلور ساتونکی لەماسرە دی دوە عتی وشتونکی می بنی حوانبە یەکندوکی اودوە مخامخ دعوندی پرسردی خوکەماسراسیا ن ونیسی هم‌دزندان سختی زعملی شم،خوتاتەبایی نەوی معلومم چی هغوی لەبنځوسرەڅەدول رویەکوی، تەدیوە زړورپلارلوریی اوماستادزړورتیاپەباب هم دیرڅەاوریدلی خوکەبدە نەد ر

باڼدي لګيږي زه په کلاکي هم ستا استوګنه لازمه نه وينم زه
ستا لپاره کلي ښه بولم که اجازه راکوې چې پلار ته دې ووايم
چې کلي ته دې واستوي .
نه نه، زما د پلار پرېشاني ته ضرورت نشته زه وعده کوم چې تور
به پام کــــوم .
عتبه : ما ته له تا سره د پاتې کېدو اجازه ده .
هغه په ډېره بې حيايي عا تکې ته کتل خو د عا تکې په ځيره کــې

دغوسې ځپې را وپا ريدې د خپل اس جلب يې را وګرځا وه او ويـــې
ويـــل :
نه ته خپل کار کوه ، بيا د هغه آس له هوا سره خبرې کولې . او عتبه
ته يې بيا د خبرو کولو موکه ورنه کړه هغه نيغه کلاته را غله او کله
به چې هغه له کوره را وتله دا يې حس کړه چې د شنو سترګوا وســـرو
وينبتا نو ځښتن يې هر وخت له کوم کونج نه څـــا ري .
(دوام لـــري) ;

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

افغانستان په تيره عيسوي مياشت کې

محمو پيښو ته يوه کتنـــه :

په تيره عيسوي مياشت کې د محمو پيښو په مينځ کې يوه پيښه تر ټولو د مخه
نظر ځا نته ا ړوي ، چې هغه د مجاهدينو په موقتي حکومت کې د حزب اسلامـــي
افغانستا ن د غړيتوب په تعليق کې لويدل دي حزب اسلامي افغانستا ن
پريکړه وکړه چې وروسته له دې به د حکومت د کابينې په غونډو کې برخـــه
وانخلـــي .
که چا دا فغانستا ن جها دسياسي پېښې اوو قايع په غور سره کتلې اوڅېړلې
وي دا پېښه به ورته عجيبه ښکا ره نه شي . د ډول ډول اتحادونو د ناکا مېدلو
او د هغو څخه د ترخو تجربو د اخيستلو وروسته حزب اسلامي ، فيصله وکړه چې نور
به په هغه اتحا دا و شورا کې هيڅکله برخه نه اخلي کوم چې د تناوې پر اساس يې
شکل نيولی وي او غير منتخب وي . په تيره لسيزه کې او زموږ د مجا هد ملـــت
د مبا رزې په اوږدو کې کله چې يو اتحا د مينځ ته را غلی، خلکو دا ميد په سترګه
ورته کتلي، هغه يې استقبا ل کړی خو د څه مودې د تېرېدلو وروسته وا تحـــا د
ما ت او يو بل تنظيم تر ی زيږيدلی دی او د ملت پر بدبختيو بو ه بله بدبختـــي
اضافه شوې ده . د حزب اسلامي او جمعيت اسلامي دا تحا د د ما تېدو نتيجــــه د
حرکت انقلاب اسلامي زيږيدل وو ، وروستی اتحا د بيا دا تحا د اسلامي تنظيم
وزيږا و چې مشري يې استا د سيا ف دی او په هغه پسې بل اتحا د ځينې رنځوری
او ضعيفې ډلګۍ وزيږولې چې اوس ځا ن د آزا دوا و مستقلو تنظيمونو پـــــه

نا مه یا دوی .

واقعا " دا یو ناکا مه تجربه‌وه ،اوحزب دا تحا ددپا ره‌نوی او معقولـه
طرح وړا ندی کړ چی هغه‌دمتنا سبی نما یندگی طرح وه ، دنوموړی طرحـی
په‌ا سا س هرتنظیم په‌جها دکی دخپل رول اوبرخی په‌تنا سب با یدپه‌شـور ی
کی ا ستا زی ولـــری .

په‌همدی جریا ن کی روسی یرغلگردهیوا دنه‌په‌تیښته مجبورشول اولـــه
افغا نستا ن څخه ووتل .

دلته دسیا سی خلا دنه‌پیداکیدلودپا ره‌با ید دمجا هدینوعبوری حکومـــت
جوړشوی وا ی، دا یوضروړت و، ،خودا حکومت به‌څنگه تشکیل کیدلو ؟ددیـــرو
بحثونوا وشخړووروسته دمشورتی شوری په‌جوړیدوتوا فق وشو ،بیا په مشورتی
شوری کی دتنظیمونوترمینځ دیودول انتخا با توپریکړه‌وشوه حـــــزب
نه‌غوښتل دخپلوا صولونه‌سرغړونه‌وکړی اوبیا دتسا وی پربنسټ جوړه‌شـوی
شوری ومنی، خوقسمونه‌وخوړل شول، تضمینونه‌ورکړل شول اودتولونـــه
مهمـــه دا ده چی دملت اوجها ددسرنوشت سوا ل په‌مینځ کی و، ،له‌همـــدی
املـه حزب له‌دی طرحی سره موا فقه وکړه خوپه‌دی شرط چی دشپږومیا شتو
په‌ا وږدوکی با یدا نتخا با ت وشی اوا نتخا بی شوری جوړه‌شی، بیــــا دا
ا نتخا بی شوری به‌یا فعلی حکومت ته دا عتما درا ، یه ورکوی اویا به‌بـــل
حکومت ټاکی . دروا ن کا ل دا گسټ په‌نیما یی کی هغه‌موده سرته‌ورسیده
چی دا نتخا با تودترسره‌کیدلودپا ره‌منل شوی وه .متا ٔ سفا نه‌نه‌ا نتخا با ت
وشول اونه‌حتی دا نتخا با تودپا ره دتیا ری نیولونښی نښا نی لیدلکیدلی
حزب ا سلامی څوځلی خبردا ری ورکړچی دحکومت عمرپا ی ته‌رسیږی او
ا نتخا با ت با یدوشی، چا پا ملرنه‌ونه‌کړه ، له‌بلی خوا حکومت اوچا رویـــی
دا سی مسخره شکل ځا نته نیولی و، چی مشرپی(مجددی) په‌را دیوگا نوکی د
حکومت دبیوا ځینی مصمم اوقوی مؤ ید (حزب ا سلامی) اودهغه‌دا میرځخـــه
دشکا یتونونا رې سوری پورته‌کړی وی، کله‌چی دمجا هدینوموقت‌حکومـــت
جوړشو ، دا دحزب ا سلامی اودهغه‌دا میرچی په‌حکومت کی یی دبهرنیوچا ر و
دوزیرونده‌درلوده‌دفعا لیتونونتیجه‌وه‌چی حکومت په‌بین ا لمللی سطـــح
وزن پیدا کړا وپرمختگ یی وکړ ، خودمشورتی شورا دپریکړونه‌سرغړونـــه
چی په‌سرکی یی دا نتخا با تومسئله‌وه ، ا وهره‌ورځ دعهدونوما تول اودبـــی
با وری فضا جوړول دحکومت په‌مینځ کی بوپا لل اوبل تکول هغه‌هم‌پـــــه
با زا ری سطح،دا هغه‌عوا مل ووچی حزب یی ددی تصمیم‌نیولوته‌ا ړکړترڅـــو
خپل عضویت په‌حکومت کی معلق کړی .ا وداهم روښا نه ده‌چی پرته‌دحـــر ب
دملاتړنه‌به‌دا حکومت دا سی یوه‌نا قصه‌دستگا ه وی چی موجودیت به‌یی صرف
دکا غذپه‌مخ اودرا دیوگا نوپه‌څپوکی احسا س کیدلی شی اودا ضعف‌ا ونقـــص
به‌سبب شی چی هغه‌خطرنا ک میکروبونه‌چی دا لس ،یوولس کا له‌په‌کمین کـــی
وودی ضعیف وجود ته‌نتوځی اودویجا ړیدوا مکا نا ت یی برا برکړی،ا ودد ی
وضعی مسوول به‌هغه څوک وی چی دمشورتی شوری دپریکړومخا لفت کوی

تولونکي اوليکونکي :
عوض الدين "صديقي"

دشفق مجلي گرانولوستونکو !

په لاندينوکرښوکي به تاسو دافغانستان په باب دهغوسياسي جريانا تو نيته پېښي راټول شوي مطالب ولولئ کوم چې دروان عيسوي کال داگست په مياشت کې پېښ شوي اوتاسو يې ځلورمه برخه دشفق په تيره گڼه کې ولوستله هيله من يم چې د استفادې اوخوښي ور موده گرځي .

اگست :

۱۱ اگست ۱۰زمري : دکابل گوداگي رژيم ديوې اعلاميې په ترڅ کې چې دکابل راډيوله خوا خپره شوې وه وار بيا دښې د لسو بجوڅخه دسهار ترڅلورو بجو پورې دشپې پرکرځېدو راگرځېدو باندې دبنديز اعلان وکړ .

۱ اگست ــ ۱۰ زمري : دمجاهدينو عبوري حکومت په ستاکهولم کې ددوو ستر و قدرتونوترمنځ دافغانستان مسئلې په باب دخبرو دپيل کيدوله امله يوه اعلاميه خپره کړه چې په کښې راغلي وو : موږچاته داحق نه ورکوو چې زموږ دراتلونکي په باب فيصله وکړي اعلاميې کې داهم راغلي وو : دافغانستان دراتلونکي فيصله يواځې مجاهدين کولی شي .

۲ اگست ــ ۱۱زمري : دجمعيت اسلامي مشر اودعبوري حکومت دبيا آباديو وزير په اسلام آباد کې د"انسټيټوټ آف سټرټجيک سټډيز" له خوا جوړې شوې غونډې ته په وينا کې وويل : دافغانستان دبيا آبادولپاره يوه اوږده منظمه برنامه جوړه شوې هغه وويل : په دې برنامې باندې دعمل کولو په لاره کې به بهرنيو هيوادو باندې بروسه ونشي .

۲ اگست ــ ۱۱ زمري : معتبرو خبري سرچينو رپوټ ورکړچې دکابل امنيت بيا روسانو په لاس کې اخيستی رپوټ ليکلي تيره ورځ دکابل رژيم ددې په خاطر د شپې بنديز اعلان کړچې داروسي عسکر چې په فارسي ژبه خبري کوي اودشپې له خوا دکابل امنيت ساتل ددوی په غاړه وي دچا له خوا و نه ليدل شي او نه وپيژندل شي .

۳ اگست ــ ۱۲ زمري : باوري سرچينو رپوټ ورکړ چې د جلال آباد په ښار کې هغو ښځوچې زامن يې په زور جنگ ته ليږل شوي اودوی يې دژوندا ومرگ په باب معلومات نه لري مظاهره وکړه اودنجيب گوداگي رژيم څخه يې وغوښتل چې ددوی زامن آزادکړي .

۳ اگست ــ ۱۲ زمري : دعبوري حکومت لپاره دامريکا خاص استازی ټامسن په امريکاکې ديوې وينا په ترڅ کې وويل : مجاهدين دومره قوي دي چې اصلا" په راتلونکي حکومت کې نجيب ته دځای ورکولو پوښتنه نه پيداکيږي .

۳ اگست ــ ۱۲ زمري : په ستاکهولم کې ددوولويو قدرتونوترمنځ دافغانستان ــ مسئلې په باب خبرې بې نتيجې پای ته ورسيدې .

۴ اگست ــ ۱۳ زمري : دسعودي عربستان مشرشهزاده سعودالفيصل دملگرو ملتو دعمومي منشي په نوم يو ليک وليږه چې په کې راغلي وو : موږ به افغانيمهاجرينو سره خپلو مرستوته دوام ورکړو په ليک کې داهم راغلي وو :دمجاهدينو هلې ځلې برحقه دي .

۴ اگست ــ ۱۳ زمري :باوري سرچينو رپوټ ورکړچې مجاهدينو ديامیان په ولايت کې دهغو ځلورسووشهيدانو جسدونه پيداکړي چې دتره کي په وخت کې وژل شوي وو اوبيا ورباندې خاوري اچول شوې وې .

۴ اگست ــ ۱۳ زمري:دملگرو ملتو دعمومي منشي يو ويندوی خبريالانوته وويل: داوسنيو حالاتو په ليدلوسره دافغانستان مسئلې دسياسي حل ضرورت ليدل کيږي .

۵ اگست ــ ۱۴ زمري : دکابل په ښارکې ددښمن پرپوځي مراکزوباندې دمجاهدينو لری ويشتونکي توغندي ولگيدل چې د هغو له امله دښمن ته زيات تاوان ورواوښت .

۵ اگست ــ ۱۴زمري : وروررحکمتيار دحزب اسلامي امير اودعبوري حکومت دبهرنيو چاروو زيردافغانستان داخل ته تر (۳۰) ورځني سفروروسته راستون شوا وديوه مطبوعاتي کنفرانس په ترڅ کې وويل : دتخاردپيښې اصلي عاملين بايدمحاکمه شي هغه وويل : موږددې طرفدار يوچې هم مسعوداوهم سيدجمال پېښورته راوغوښتل شي اوهرڅوک چې ددې پيښواصلي مسئول وي هغه ته سزا ورکړل شي

۶ اگست ــ ۱۵ زمري : دروسيې دبهرنيو اچاروو زيرشواردنادزې ايران ته ترسفر وروسته کابل ته سفروکړ ترڅوگوداگي نجيب ته دراتلونکي په باب پروگرام ورکړي .

۶ اگست ــ ۱۵ زمري : دشوردنادزې د راتگ په وخت دکابل ښارددفاع وزارت دارالامان قصراوکانتيننټال هوټل دمجاهدينو په لری ويشتونکوتوغندیوولگيد چې زيات مالي اوځاني تاوان يې ورورسا وه خودقيق شميريې معلوم نه دي .

۶ اگست ــ ۱۵ زمري : په وروستيو کې دحزب اسلامي له خوا دانقلاب روانوحالاتو باندې درڼا اچولوپه خاطر يوه غونډه جوړه شوه غونډې ته وروررحکمتيا روينا وکړه اوزيات يې کړه :

۷ اگست ــ ۱۶ زمري : دپاکستان دخيبر ايجنسي قبائلي سيمي يوه مشرسيف الله شينواري ديوې وينا په ترڅ کې وويل : که مجاهدين زموږدتجارت لپاره دجلال آباد لاره خلاصه نه کړي موږبه پرېنږدو چې مجاهدين زموږله سيموتيرشي .

۸ اگست ــ ۱۷ زمري : دکندهار په ولايت کې دمجاهدملي قوماندان "حاجي لطيف" ته چا زهرورکړل اوترشل ساعتونې ورسته ددې په حق ورسيد .

۸ اگست ــ ۱۷ زمري : دکابل ښار پرنظامي مرکزونوا وکانټيننټال هوټل باندې دمجاهدينو توغندي ولگيدل چې د هغوله امله کمونستانوته مالي اوځاني تاوان ورواوښت .

۹ اگست ــ ۱۸ زمري : د"حاجي لطيف" زوی دکندهار ولايت څخه کويټې ته يو ليک راوليږو چې په کې راغلي وو : دحاجي لطيف قاتلان دهغه دوه باډي گارډان وو چې دکابل رژيم څخه يې څو مليونه روپۍ اخيستي وې تر څوداکاروکړي هغوی ونيول شول اوتر اعتراف وروسته محاکمه او اعدام شول .

۹ اگست ــ ۱۸ زمري : دمجاهدينو د عبوري حکومت ددفاع وزيردعلماؤ يوې غونډې ته په وينا کې وويل : مجاهدين په خپلو مينځو کې ديوې کورنۍ حيثيت لري، بايد خپل منځي جگړوته تشويق نشي .

۱۰ اگست ــ ۱۹ زمري : باوري سرچينو رپوټ ورکړچې امريکا په پاکستان کې د خپل سفارت يو پخواني غړي چې دافغانستان چاروپلټونکي وو دگينوسياسي هلوځلو اواختلافونو په وجه دخپلې دندې استعفی کړې او امريکا ته تې غوښتنې دی رپوټ ولي: هغه دافغانستان مسئلې په باب دامريکا وستنی پاليسي سره څه اختلافونه لرل .

۱۰ اگست ــ ۱۹ زمري : په باجوړ کې د جماعت الدعوه سنت والقرآن گوند په دفترکې يو بم وچاودید چې زيات مالي تاوان يې ورواړاوه .

۱۰ اگست ــ ۱۹ زمري : دپاکستان دبهرنيو چارو وزير صاحبزاده يعقوب خان په پېښورکې دعبوري حکومت دصدراعظم (سياف) بهرنيو چاروو زير (حکمتيار) ددفاع وزير (مولوی محمدنبي) دکورنيو چاروو زير (يونس خالص) او ستر و محکمې

مشر (گیلانی) سره وکتل او دافغانستان مسئلې درواړو خواوو لخوا په باب یې ورسره خبرې وکړې.

۱۱ اگست – ۲۰ زمری: دافغاني مهاجرینو سره دانساني مرستو یوې ډلې چې دتعلیم او تربیې په ځانګه کې کارکوي دیوې وینا په ترڅ کې وویل: افغانستان کې ژوبا نو تعلیمي نظام بیخي له منځه وړی او په هغوی باندې وچ روسي تعلیمي نظام سلط لري.

۱۲ اگست – ۲۱ زمری: په ایران کې دجمعیت اسلامي او اته گوني اتحاد دهیئت ترمنځ خبرې وشوې او دهغې په ترڅ کې دجمعیت نماینده دوروور حکمتیار دا دریځ چې ایران باید دافغانستان په کورنیو چاروکې مداخله ونه کړي وغانده.

۱۲ اگست – ۲۱ زمری: دکورمې ایجنسۍ دمدې سیمې څخه لس کیلو متره لرې د "جالندر" په کلي کې دکابل رژیم پیسو بویکه توغندي ولگیدې چې څوکورونه یې ویجاړ کړل.

۱۲ اگست – ۲۲ زمری: باوري خبرې سرچینو پوت ورکړچې روسانو نوی مادل توغندي دکابل رژیم ته ورکړي ترڅو د مجاهدینو پر ضدیې استعمال کړي.

۱۵ اگست – ۲۴ زمری: دمجاهدینو عبوري حکومت یوا ته کسیزه هیئت وټاکه ترڅو د تخارد فرخار تنګي دهغې پیښې په باب پلټنې وکړي چې دحزب او جمعیت مجاهدینو ترمنځ پېښه شوې وه.

۱۵ اگست – ۲۴ زمری: دکابل ښار پر هوايي ډگرباندې دمجاهدینو له خوا د توغندیو یوه درنه حمله وشوه چې دهغې له امله دالوتکو الوتنې وځنډولې شوې.

۱۷ اگست – ۲۶ زمری: دپاکستان دبهرنیو چاروو زیر ما حبزاده یعقوب خان ایران ته سفر وکړ ترڅو دایراني مقاماتو سره د افغانستان مسئلې په باب خبرې وکړي – هغه 'داسلام آباد په هوايي ډگرکې خبریالانو ته وویل: دایراني مقاماتو سره دسیمې او افغانستان مسئلې په هکله خبرې کوي.

۱۷ اگست – ۲۶ زمری: دروسیې دبهرنیو چاروو زیر شوردناد زي په ماسکوکې د ایران سفیر سره دافغانستان مسئلې په باب خبرې وکړې.

۱۸ اگست – ۲۷ زمری: دکابل پر ښار باندې دمجاهدینو لري ویشتونکي توغندي ولگیدل چې دهغې له امله ددښمن او ه تنه صاحب منصبان ووژل شول.

۱۸ اگست – ۲۷ زمری: په ایران کې د میشته اته گوني اتحاد دپوري اړوند یو گوند چرکت اسلامي مشر شیخ آصف محسني د "بي بي سي" سره په مرکه کې وویل: که عبوري حکومت ته پراخېږي نو دافغانستان په باب دې یونړیوال کنفرانس را وبلل شي ترڅو دا مسئله حل کړي.

۱۹ اگست – ۲۸ زمری: دکابل رژیم اعلان وکړچې یو تن فرانسوی ژورنالست یې دهلمند په ولایت کې نیولی خو فرانسوي مقاماتو په دې باب وویل: ښايي دا هغه فرانسوي مرستندوی وي چې تیې مجاهدینو ته پټې جوړوي.

۱۹ اگست – ۲۸ زمری: دعبوري حکومت دارشاد عامه وزارت په چوکاټ کې ینو مطبوعاتي مرکز پرانستل شو دارشاد عامې وزیر "نجیب الله لفرائي "دمرکز د پرانستو په غونډه کې وویل: د "افغان نیوز ایجنسۍ "او "لبنیان مرصوص" آژانسونه په دې مرکز کې منحل شوې او د "افغان میډیا سنټر" لپاره هم هلې ځلې روانې دي چې ښايي په دې ورځو کې ددې مرکز سره یو ځای شي.

۲۰ اگست – ۲۹ زمری: دکابل دگوډاگي رژیم دګارد عمومي قوماندان "فاروق ظریف" دمجاهدینو سره یوځای شو هغه په ملگرو ملتو کې دکابل دپخواني سفیر "فریدظریف" ورور دی.

۲۰ اگست ۲۹ زمری: دکابل ښار پر نظامي مرکزونو دمجاهدینو لري ویشتونکي توغندي ولگیدل چې دهغې په ترڅ کې نوی دول توغندي هم وو چې په هواکې چوي او بیا دیرش نمونه خوشې کوي.

۲۱ اگست – ۳۰ زمری: وروور حکمتیار دیوې وینا په ترڅ کې دخپلو ټولو قوماندانانو وغوښتل چې هیڅ بهرني ژورنالست، مرستندوی، ډاکټرا و .... ته دافغانستان داخل ته دحزب دا جازې پرته ددا خلیدو اجازه ورنکړي هغه وویل: دا بهرني اتباع دمجاهدینو په منځ کې لساني، مذهبي او سیمه ایزې شخړې پیدا کوي.

۲۲ اگست – ۳۱ زمری: دکابل دگوډاگي رژیم مشر "نجیب "دیوه مطبوعاتي کنفرانس په ترڅ کې دافغانستان مسئلې دحل لپاره یونوی وړاندیز وړاندې کړ هغه وویل: باید دشپږو میاشتو لپاره اوربند اعلان شي او په همدې موده کې دانتخاباتو داجراء او اساسي قانون دتصویب لپاره زمینه مساعده شي.

۲۲ اگست ـ ۳۱ زمری: مولوي یونس خالص دعبوري حکومت دکورنیو چاروو زیر دمهمندا وباجوړا یجنسۍ له مشرانو سره دلیدنې په ترڅ کې وویل: موږ فیصله کړې چې دخپل حزب ټولې اداري په عبوري حکومت کې منحل کړو او دا اعلان به په څوورځوکې وکړو.

۲۲ اگست – ۳۱ زمری: دامریکا دسنا دبهرنیو چارود کمیټې غړي "کلیون پیل" په ناصرباغ کې دمهاجرینو یوې غونډې ته په وینا کې وویل: امریکا به دافغانستان ترکاملې آزادۍ پورې مجاهدینو او مهاجرینو سره خپلو مرستو ته دوام ورکړي.

۲۳ اگست – ۱ وږی: دمولوي خالص دا سلامي حزب مرستیال حاجي دین محمد دیوې مرکې په ترڅ کې وویل: تقریباً شپږمیاشتې کیږي چې مجاهدینو ته وسله نه ده ورکړ شوې.

۲۳ اگست – ۱ وږی: دکابل ښار پر هوايي ډگرباندې دمجاهدینو توغندي ولگیدل چې دهغې له امله ددښمن لس تنه پوځیان ووژل شول او زیات شمیر ټپیان شول.

۲۳ اگست – ۱ وږی: فاروق ظریف د. کابل دگوډاګي رژیم دګارد قوماندان چې څوورځې دمخه مجاهدینو ته تسلیم شوی وو دعبوري حکومت دصدراعظم استاد سیاف سره ولیدل او ددې لیدنې په ترڅ کې یې اتلس ملیونه دالره روپۍ عبوري حکومت ته ورکړې.

۲۴ اگست – ۲ وږی: مولوي خالص د عبوري حکومت د کورنیو چاروو زیر دیو مطبوعاتي کنفرانس په ترڅ کې دخپلو ټولو صحي، تعلیمي او نظامي ادارو منحلیدل په عبوري حکومت کې اعلان کړل هغه په دې ترڅ کې دنورو گوندونو څخه هم وغوښتل چې دې کار ته اقدام وکړي ترڅو له دې لارې یو واحد قوت منځ ته راشي.

۲۴ اگست – ۲ وږی: دعبوري حکومت مشر ،مجددي، صدراعظم استاد سیاف دیباپا دولو وزیر ربانی، دکورنیو چاروو زیر خالص دامریکا دسنا دبهرنیو چاروکمیټې غړي "یورن کلیزپیل" سره ولیدل او د افغانستان مسئلې درواړو خواوو لخوا په باب یې ورسره خبرې وکړې.

۲۴ اگست ۲ وږی دکابل دښار او خوا سیمو مجاهدینو او قوماندانانو دکابل رژیم داتور ډگر چې گواکې مجاهدینو پر ښار باندې داسې توغندي استعمال کړي چې په هواکې چوي او دیرش نمونه خوشې کوي.

۲۴ اگست – ۲ وږی: دکابل گوډاګي رژیم دپاکستان دشمالي وزیرستان د

"پاوني" پرکلي باندې بمباري وکړه چې دسيمې خلکوته يې مالي تاوان ورواړاوه .

۲۵ اګست – ۳ وړی : دجمعيت سرچينو رپوټ ورکړچې په تخارکې دشوراى نظار مجاهدينو "سيدجمال "، څوک چې څوورځې مخکې دشوراى نظار ځينې قوماندانان وژلي وې نيولی .دا خبره دجمعيت اسلامي دسياسي چارورئيس دبي بي سي راډيو سره په مرکه کې تائيدکړه.

۲۵ اګست ۳ وړی: باوري سرچينورپوټ ورکړچې ملګروملتودافغانستان مسئلې دسياسي حل لپاره خپلې هلې ځلې ګړندۍ کړی،رپوټ ويلې په همدې خاطرڅوورځې دمخه دملګروملتواستازی دمجاهدينو مشرانوسره ترليدلووروسته ايران ته سفروکړا ودايراني مقاماتوسره يې وليدل .

۲۵ اګست – ۳ وړی : دکابل دګوډاګي رژيم دبهرنيوچاروو وزير " وکيل "دملګروملتودعمومي منشي کوئيار په نوم يو ليک وليږلو چې په کې دامريکا اوپاکستان څخه شکايت شوي وې چې مجاهدينوته بې نوي اومدرني وسلې ورکوي .

۲۶ اګست – ۴ وړی :باوري سرچينورپوټ ورکړچې دافغانستان مسئله به دنا پيلو هيوادونوپه کنفرانس کې مطرح شي رپوټ زياته کړی : دملګروملتو مشرکوئيار به هم په دې کنفرانس کې دکابل رژيم اوپاکستان له وفدونوسره وګوري .

۲۶ اګست – ۴ وړی :دپاکستان دجنرال د"ګوشت " او"توال "په سيمه کې دکابل رژيم دوه سکډتوغندي ولګيدل چې زيات مالي تاوان يې دسيمې خلکوته ورساوه .

۲۷ اګست – ۵ وړی: باوري سرچينورپوټ ورکړچې "انساني فلاحي تنظيم"دهغه فرانسوي مرستندوى دخلاصون په خاطريو څلورکسيزه هيئت کابل ته وليږه کوم چې څوورځې مخکې دکابل رژيم له خوا د هلمندپه ولايت کې نيول شوى وې .

۲۷ اګست – ۵.وړی : "فاراينترن اکنامک " خپروني رپوټ ورکړچې پاکستاني مقاماتودافغانستان مسئلې په باب خپلې اوسنی پاليسي کې دتجديدکولو امرورکړی رپوټ ليکلي:بوټوا وجمهور رئيس په دې نظردی چې مجاهدينوته وخت ورکړی شي ترڅو دجنګ په ډګرکې دکابل رژيم ته ماته ورکړی رپوټ زياته کړی . دامريکادکانګريس هغه غړی چې دپاکستان څخه يې ليدنه کړی وه امريکا يي مقاماتو ته دجنرال ضياء الحق ترشهادت وروسته دپاکستاني اوسنی پاليسي څخه شکايت کړی .

۲۷ اګست – ۵ وړی : د پيښورپه جناح پارک کې دجمهوری اسلامي اتحاددرهبری مقاماتويوى درنې غونډې ته دوينا په ترځ کې دمجاهدينوڅخه پرخپل ملاتړ ټينګارو کړ .

۲۸ اګست – ۶ وړی: باوري سرچينو رپوټ ورکړچې روسانو په دې وروستيوکې ترپنځوسوزياتوسکډتوغندي ،ټانکونه اونورنظامي مهمات دکابل رژيم ته ورکړی .

۲۸ اګست – ۶ وړی : دمجاهدينودعبوري حکومت دبهرنيوچاروو زارت يوه نماينده عبدالهادي ارغنديوال په اسلام آبادکې دپاکستان حکومت ته دهغې مسافرو ونکي الوتکې په پيداکولوکې چې دګلګت څخه د اسلام آباد دپرلورپرواز کړی وې او څو ورځې کيږی ورکه شوی دمرستی اوهمکاري ورانديزوړاندې کړ .

۲۹ اګست – ۷ وړی: حزب اسلامي ديوی اعلاميې په ترځ کې عبوری حکومت کې خپل ګډون ترهغې وځنډاوه ترڅوچې عبوري حکومت دانتخاباتوپرطرحې عمل نه وی کړی ،اعلاميې زياته کړی، موږبه دپولو احزابوسره بنې اړيکې ساتومګر د حکومت دکابينوپه غونډوکې به ګډون ونه کړو .

۲۹ اګست – ۷ وړی: دمجاهدينودعبوری حکومت مشرمجددی دافغانستان سرحدی سيموته دعبوری حکومت ددفترونو دليدلوپه خاطرسفروکړ .

۲۹ اګست – ۷ وړی : دکابل ښارپر هوايي ډګرباندې دمجاهدينوڅوتوغندي ولګيدل چې دهغولوا مله دالوتکوپرواز وځنډول شو .

۳۰ اګست – ۸ وړی:دمجاهدينوسرچينو رپوټ ورکړچې دخوا ونيورا هيسې دخوست پرښاربا ندې مجاهدينودمحاصرې کړی تنګه کړی اوپه دې ورځوکې دهوايي ډګر دېرې مهمې پوستې فتحه شوی .

۳۰ اګست – ۸ وړی: دحزب اسلامي د سياسي چاروکميټې رئيس "عبدالقدير کرياب " بي بي سي" سره په مرکه کې وويل : موږيواځې په دې خاطردعبوری حکومت څخه موقتې جلا شوی يوچې دوی دانتخاباتوپرفيصلې عمل ونه کړ .خوکله هم چې پردې فيصلې عمل وکړی موږبه بيا په کبنې ګډون وکړوځکه داهغه حکومت دی چې موږخپله جوړکړی .

۳۰ اګست – ۸ وړی : دکابل ښارپرهوايي ډګراونوروپوځي مرکزونو باندې دمجاهدينوراکټونه ولګيدل چې دهغې له امله دښمن ته زيات مالي تاوان وروا وښت اودالوتکوپروازدڅوساعتونو لپاره وځنډول شو .

۳۱ اګست – ۹ وړی:دپاکستان صدراعظمې بې نظيربوټود "ګاردين" خپروني "سره په مرکه کې وويل :دمجاهدينودوډلو ترمنځ دښتولوا مله سخته په انديښنی کې يم خوددوی په خپل مينځې ماېلوکی دمداخلې اراده نه لرم هغې وويل : 'پاکستان نه غواړی مجاهدينوته دکار پروګرام ورکړی بلکې دا ددوی وظيفه ده چې په خپلو مينځوکې سره متحدوی خو زه دمصنوعي اتحادونوسره سخته مخالفه يم هغې زياته کړه :عبوری حکومت بايد خپله پاليسي روښانه کړی زه دعبوری حکومت له مشرڅخه غواړم چې هغه دې خپل پروګرام او پاليسي اعلان کړی .

۳۱ اګست – ۹ وړی: باوري سرچينو رپوټ ورکړچې دکابل ښارهوايي ډګر اودهغه شااوخوا پوستې دمجاهدينوترسختو حملولاندې دي اودی کاردنجيب رژيم سخت وارخطا کړی .

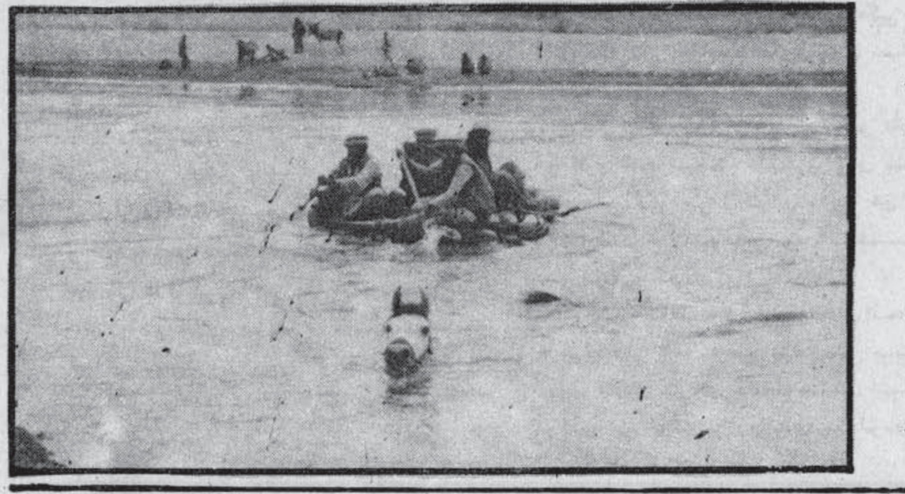

فقهي درسونه

الف : فقهي قواعد :

پنځه څلویښتمه قاعده : " اذا تعارض المانع والمقتضي یقدم المانع "

ترجمه : که مانع او مقتضي سره معارض واقع شول نو مانع مقدم کېدلی شي "

یعنې که په یو څیز کې دوه امره سره معارض شول چې یو ئې د عمل د اعتبار غوښتنه کوله او بل ئې د هغه عمل د عدم اعتبار نو پدې صورت کې مانع ته ترجیح ورکېدلی شي او مقتضي متوقف کولای شي .

مثالونه :

۱ – که راهن ورکوونکي د رهن اخیستونکي له اجازې پرته مرهونه پر چا خرڅه کړه نو هغه دا بیعه د رهن اخیستونکي په اجازې پورې موقوفه ده . دا ځکه چه مرهونه له دې وجې څخه چې راهن ورکوونکي ملکیت دی د بیعې د نافذ کېدو غوښتنه کوي ولې دا چې د رهن اخیستونکي حق ورپورې تړلی دی هغه في الحال د بیعې د نافذکېدو مانع دی ، بناءً پر مقتضي باندې مانع مقدم کېدلی شي ځکه که داسې ونه شي او موږ بیعه نافذه وګڼو نو هغه حبس به زائل شي کوم چې د رهن د مهمو احکامو څخه دی .

۲ – که د یو منزل پاس برخه د یو کس او لاندې برخه ئې د بل کس وه ، هیڅ یو ته د بل له اجازې پرته دا حق حاصل نه دی چې په خپل ملک کې داسې تصرف وکړي چې هغه بل ته زیان ورسوي ځکه د هغه بل کس د حق تعلق پدې باب کې د داسې تصرف کولو مانع دی .

سره له دې نه چه د یو چا له پاره د یو څیز مملوک کېدل هغه له پاره په هغه څیز کې د هر ډول تصرف د جواز او مشروعیت تقاضا کوي .

۳ – که چا په یو عقد سره خپل معلوم مال د نور داسې مال سره چې په فاحش جهالت سره مجهول و ، خرڅ کړ ، دا بیعه فاسده ګرځي ، دا ځکه چې د هغه د حال معلوم والی د بیعې د صحت غوښتنه کوي ولې په هغه بل مال کې فاحش جهالت د بیعې د صحت مانع دی . نو بناءً مانع مقدم کېدلی شي .

شپږ څلویښتمه قاعده : " التابع تابع "

ترجمه : تابع په هر صورت کې تابع وي .

یعنې هغه چه د یو څیز له پاره په وجود کې تابع وي په حکم کې نو هم د هغه له پاره تابع وي نو پر هغه باندې هماغه حکم مرتب کېږي کوم چه د متبوع له پاره ئې ثابت شوی دی .

مثالونه :

۱ – که چېرې یو داسې څاروی چې په خېټه کې ئې جنین (بچی) و ، خرڅ شو نو جنین په تبعي ډول باندې سره له دې نه چې د عقد په وخت کې ئې ذکر هم نه وي شوی په بیعه کې شاملېدلی شي .

۲ – که یو کس پر چا خپل باغ خرڅ کړ نو د هغې هغه میوه چې له عقد وروسته او مشتري ته د بیعې له سپارلو څخه مخکې تر لاسه کېدلی شي د مشتري ده ، ځکه هغه په وجود کې د بیعې تابع ده .

۳ – د مغصوبې (هغه چې په زور اخیستل شوې وي) زواید لکه د غصب شوې ګډې وړۍ او شیدې ، مغصوب منه (له چا څخه په زور اخیستل شوی) ته سپارل کېږي دا ځکه چې مغصوبه د هغه ملکیت دی او زواید په وجود کې د مغصوبې تابع دي .

اوه څلویښتمه قاعده : " التابع لایفرد بالحکم "

ترجمه : تابع په حکم سره نشي ځانګړی کېدای .

یعنې روا نه ده چې د یو څیز له پاره په وجود کې تابع ته د خپل متبوع د حکم نه بهر په ځانګړي حکم سره قایل شو ځکه چه د هغه د وجود په صورت کې هغه پورې ئې د متبوع حکم ملحق کېږي نو دا ممکنه نه ده چې په حکم سره جلا او ځانګړی وپېژندلی شي .

مثالونه :

۱ – هغه جنین چه د څاروي په ګېډه کې وي د مور څخه ئې جلا په ځانګړي ډول نشي خرڅېدلی .

۲ – د اوبه خوړلو او لارې تېرېدلو حق د ځمکې او لارې څخه په جلا او ځانګړي ډول نشي خرڅېدلی ځکه چې دا دواړه تابع دي او د خپل متبوع نه په حکم سره استقلال نشي تر لاسه کولای .

۳ – جنین ته هبه (یو څیز بخښل) نه ده جایز ځکه چې هغه په حکم سره نشي مستقل کېدی له دې قاعدې څخه څه مسائل استثناء شوي دي چې څو ته ئې په لاندې مثالونو کې اشاره کوو .

۱ – په معقول سبب سره جنین ته په مال باندې اقرار صحیح کېږي نو که جنین د اقرار له وخت څخه د شپږو میاشتو په کمه موده کې متولد شو د مقربه (اقرار ور باندې شوی مال) څښتن کېږي . مثلاً که یو چا اقرار وکړ چې پر ده باندې د جنین د هغه د وفات شوي پلار له درکه سل دیناره دي دا اقرار صحیح کېږي .

۲ – جنین ته د پلار په متروکه مال کې د میراث حق ثابتېږي خو پدې شرط چې ژوندی متولد شي .

۳ – جنین ته وصیت صحیح کېږي که یو چا جنین ته په یو څیز سره وصیت وکړ او هغه د وصیت له وخت څخه د شپږو میاشتو په کمه موده کې متولد شو . د موصی به (ور باندې د وصیت کړی شوی څیز) مالک کېږي .

۴ – د کفیل ابراء صحیح کېږي نه د اصیل ، سره له دې چې کفاله د اصل دین تابع ده .

۵ – رهن اخیستونکی کولی شي چې د رهن د حبس حق ساقط کړي سره له دې چې د حبس حق د رهن تابع دی .

اته څلویښتمه قاعده : "من ملک شیئاً ملک ماهو من ضروراته"

ترجمه : "څوک چې د یو څیز مالک شو د هغه د ضروریاتو هم مالک کېږي" یعنې د یو څیز مالک د هغه څه هم مالک کېږي کوم چې له هغه نه په ګټې اخیستلو کې هغه ته د ضروریه امورو څخه بللی شي .

مثالونه :

۱ – که یو چا کور واخیست نو د هغې خاصې لارې کومه چې دې کور ته رسېږي هم مالک کېږي . دا ځکه چې د کور لاره ضروري ده او پرته د لارې څخه د کور نه کومه ګټه نشي اخیستل کېدای .

۲ – څوک چې د یو میداني ځمکې مالک شو نو د هغې د ښالاڼې هم مالک کېږي ځکه چې هغه ئې د ضروریاتو څخه ده .

۳ – څوک چې د یو کور مالک شو نو د هغې د ضروریاتو لکه آشپزخانه ، تشناب او داسې نورو مالک کېږي .

۴ – که یو چا قلف واخیست نو د هغې د کلي هم مالک کېږي ، ځکه چې بې له کلي قلف نه ګټه نشي اخیستل کېدای .

۵ – که یو چا د شیدو په منظور غوا واخیستله نو په بیعه کې ئې خوسی هم شامل کېږي ځکه که داسې ونه شي نو مشتري ته به د دې امکان په لاس ورنه شي چې د خپلې اخیستل شوې غوا څخه ګټه واخلي .

نه څلویښتمه قاعده : "اذا سقط الاصل

سقط الفرع " .

ترجمه: کله چې اصل ساقط شي نو فرعه هم ساقط کیږي تابع د متبوع په سقوط سره ساقط کیږي .

مثالونه :

۱ ــ که دائن (پور ورکوونکی) اصیل (پوروړی ته) ابراء وکړه نو کفیل د ضمانت کوونکی هم بری کیږي. دا ځکه چې د کفیل ذمې الزام د اصیل د ذمې الزام ته فرعه او دهغې تابع ده .

۲ ــ که موکل وفات او یا لیونی شو نو وکیل ئې عزل کیږي دا ځکه چې د وکیل تصرف د موکل د تصرف ته فرعه دی نو کله چې د موکل تصرف ساقط شو د وکیل تصرف هم ساقط شو .

۳ ــ که بیعه د بائع د لاس کې هلاکه شوه نو له مشتري نه ثمن ساقطیږي دا ځکه چې ثمن د بیعې عوض دی او پر بیعه باندې تفریع شویدی .

پنځوسمه قاعده: " الساقط لایعود کما ان المعدوم لایعود" .

ترجمه: لکه چې نشت کړی شوی څیز بیرته نه راګرځي غورزیدلی څیز هم داسې بیرته نه راګرځي " یعنې هغه حقوق چې اسقاط قبلوی که کله ساقط شي نو له سقوط نه وروسته بیا بیرته نه راګرځي، ولې هغه حقوق چې اسقاط نه قبلوي هغه په اسقاط سره نه ساقط کیږي .

مثالونه :

۱ ــ که بائع د ثمن د اخیستلو پاره خپل د بیعې د حبس حق ساقط کړ بیا نه شي کولی چې د ثمن د پوره ترلاسه کولو په استناد، بیعه د مشتري څخه حبس کړي .

۲ ــ که د یوې عرصې (میدانی ځمکې) خاوند په هغې عرصه کې چې دهغې نه لارتیریږي د دلاري د خاوند په اجازه ودانۍ جوړه کړه نو د لاری د خاوند حق ساقط شو . وروسته بیرته نه راګرځي که نوموړی ودانۍ هم ونړیږي .

۳ ــ که وارث د خپل مورث د مرګ څخه وروسته د هغه داسې وصیت ته چې پر زیاد د یو نلث څخه ئې کړی وه اجازه ورکړه بیا نه شي کولای چې له دغې اجازې نه رجوع وکړي .

۴ ــ که دائن خپل بدلون ته له هغې دین څخه چې ورباندې ئې وه ابراء وکړه . د هغه دین ساقط شو . وروسته ئې دهغې دعوی نشي اوریدل کیدی .

۵ ــ که چیرته دیو کس شهادت د یو علت په بناء رد شوولی بیا هغه علت رائل شو او په هماغه حادثه کې ئې شهادت بیرته را وګرځاوه . نو دا شهادت ئې نشي قبلیدلی مګر دا چې دا وهلک شهادت که د صغر او ړوند

والی له کبله رد شوی وی او هلک بالغ او ړوند بینا شو قبلیدلی شي .

ولې که وارث خپل د میراث حق ساقط کړ یا زوجې یې له کوم بدل اخیستو نه پرته د خپلې نفقې حق ساقط کړ . یا هبه کوونکی په هبه کې د رجوع خپل حق ساقط کړ . نو دا اسقاطات نه ساقط کیږي . ځکه چې نوموړی حقوق اصلاً سقوط نه قبلوی.

ددین احیا او تجدید

په تیرپسې

شاه ولی الله رحمت الله علیه :

د مجدد الف ثانی رحمت الله علیه د مړینې نه وروسته او د عالمګیر پاچا د وفات نه ځلور کاله پخوا د ډیلی په شا وخوا کې شاه ولی الله رحمت الله علیه وزیږیده (۱) چې له یوې خوا دهغه د شا وخوا وړی ټولنې او محیط ته او له بلې طرفه دهغه د کار ځرنګوالی ته په مقابلو ی ټوکه سړی ګوری نو عقل یې هک پک او حیران پاته کیږي چې په داسې وخت کې د داسان فکر ، نظر او ذهنیت لرونکی شخصیت څنګه پیدا شو، د فرخ سیر، محمد شاه رنګیلی او شاه عالم هندوستان د هیچا نه پټ نه وا ونده په داسې تیاره وخت کې دداډول آزاد، فکر او بصیرت څښتن څنګه وزیږید ؟ څنګه نموبې وکړه او ودګرته راووت ،چې په هغه وخت کې د ټولو بندیز ونو سره سره آزاد فکر کوی، د تقلید پوهه او د ټولو تعصبا تو بندونه ماتوی په هره موضوع او د ژوند په هره مسئله خپل محققانه او مجتهدانه نظر اچوی او داسې فرهنګ پریږدی چې دهغه په ژبه، د بیان په انداز، په نظریاتو ، د تحقیق په موادو او راایستل شو و نتیجو خلاصه په هیڅ شي یې هم د محیط هیڅ تاثیر نه معلومیږي آن تردې چې لیکل شوو پاتوته په نظر کولو هم داګمان نشي کیدای چې دا په داسې زمانه او داسې محیط کې لیکل شوی وی چې شاوخوا دی عیاشي ،نفس پرستي،چور او چپاول ، ظلم زور،لوټ ماری بدامنې او د ملک ــ الطوائفي طوفان خپور وی .

شاه ولی الله رحمت الله علیه دانسانی تاریخ دهغو قیادتونو له جملې څخه حسابیږي چې دافکار و رکډوډ کړ ل شوی ځنګل په صفا کولو سره مستقیم او ستره لویه لاره پرانیزی او په ذهني نړی کې د موجوده حالاتو په خلاف داسې نوی او زړه را ښکونکی نقشه پیدا کوی چې هر و مرو دهغې بیا په خپلولاسو دانول وغواړی او ددې کار لپاره خپله میدان ته راووځی په تاریخ کې دا ډول مثالونه ډیر کم لیدل کیږي، ددې ډول قیادتونو اصلی دنده داوی چې هغه د سلګو نو اشتباهات او غلطي او دهغو نه را پیدا شوی ګرد ونه په تنقیدی توګه پاکوی، په ذهنونو کې نوی رڼا پیدا کوی، دژوند ورانه شوی او په عین حال کې پوخ شوی جسامت په ذهنی نړی کې ماتوی او اصلی حقیقت لرونکی واقعیتونه

ځیني را باسي او خلکو ته یې وړاندې کوي، دا کار خپله داسي درونده کار وي چې په هغه باندې مصروف کېدل سړي ته یې مشکله دومره وخت پرېږدي چې خومیدان ته داووځي او د تعمیر او جوړونې عملي کار هم وکړای شي، که څه هم شاه ولي الله رحمت الله علیه په تفهیمات الهیه نومي خپل کتاب کې یوځای دې ته اشاره کوي چې که د وخت او محل غوښتنه وای نو زما دومره توان او قابلیت وچې په جنګ کولو مي هم په عملي توګه اصلاح غوښتې وای، خو واقعیت دادی چې هغه دا دول یو کار هم ونکړاونه یې وغوښتل د جنګ او جګړې له لارې اصلاح راولي، د هغه ټولې قواوې او توان دافکار و د نوي تعمیر کار له یوې مخې ځانته راټول او جذب کړي وا وددې — دراسه کارسره یې دومره مهلت هم سه درلود چې آن خپل نژدې محیط ته یې هم په توجه کولو بریالی شوی وای، لکه چې وروسته به دې وضعې ته اشاره وکړای شي، د هغه له لوري پاکه شوې لارې باندې د عملي هلو ځلو لپاره یو شمېر نورو خلکو ته ضرورت وچې هغه هم په نیمه پېړۍ کې خپله د ده د ښوونې او تعلیم لاندې تربیه او ددې کار لپاره وړاندې شول.

د شاه ولي الله رحمت الله علیه د تجدیدکار په ذوولو یو عنوانونو ویشلي شوېوېې د تنقید د نده او بل یې د تعمیر دنده په نوم نوموو چې دلته دواړه عنوانونه بېل بېل بیانول غواړو :

تنقیدي دنده :

په لمړي عنوان کې شاه ولي الله رحمت الله علیه په ټول اسلامي تاریخ باندې ځغلنده تنقیدي نظرکړی او ترکومې اندازې چې ماته معلومه ده شاه ولي الله رحمت الله علیه لمړنی شخصیت دی چې د اسلامي تاریخ او د مسلمانانو د تاریخ اصولي او باریک فرق ته یې نظر رسېدلی او یوازینی څوک دی چې د مسلمانانو تاریخ یې د اسلامي تاریخ له نظره نقد کړی. او تبصره یې وړاندې کړې چې پدې سره یې ددې معلومولو هڅه کړې چې په هغو دیرو پېړیو کې د اسلام منونکو قومونو په منځ کې په واقعي توګه د اسلام څه حال و؟ داپدې دول — باریکه لیکنه ده چې په پېچومو کې یې مخکې هم خلک حیران شوي وو او ان تردې چې اوس هم له هغې حیرانتیا نه نه دي خلاص شوي، همدا وجه ده چې د شاه ولي الله رحمت الله علیه نه وروسته د داسې نظرڅېړنې راپیدا نشوچې په ذهن کې یې په حقیقي دول د اسلام تاریخ د مسلمانانو د تاریخ نه بېل تصور موجود وي، د شاه ولي الله رحمت الله علیه د لیکنو په کنوځا یونو کې د دواړو تاریخونو د بېلوالي په هکله اشارې شوې دي خو په ځانګړې توګه په ازالة الخفا شپږم توک کې له ۱۲۲ مخ ته نیولې تر ۱۵۸ مخ پورې په مسلسل دول د مسلمانانو په تاریخ تبصره کړې او داکمال یې کړی چې د

یوه یوه دوربېلګې او خصوصیتونه او د تېرې زمانې ځانګړې فتنې یې بیان کړي، د رسول الله صلی الله علیه وسلم هغه پېشلګو یی هم را نقل کړې چې په هغه کې دې پېښو او فتنو ته څرګندې اشارې لیدل کېدې، پدې تبصره کې نژدې هغه ټولې جاهلي نیمګړتیاوې او په اسلام کې د جاهلیت د راننوتلو ځایونه په ګوته شوي چې د مسلمانانو په عقائدو، علوم، اخلاقو او سیاست کې را ننوتې او ګډ شوي و.

شاه ولي الله رحمت الله علیه د نیمګړتیاوو پدې دول لېکرکې ځان وځوځا وه او هڅه یې وکړه څو معلومه کړي چې دګې نیمګړتیاوو په منځ کې هغه بنیادي نیمګړتیا کومه ده چې د هغې

په معلومېدلو سره د نورو نیمګړتیاوو د نسب لړۍ څرګندېږي ان تردې چې په اخیرکې یې په دوو شیونو ګوته اېښې او څرګنده کړې یې ده چې دادوی نیمګړتیاوې یو د سیاسي قدرت د خلافت نه پاچاهۍ ته اوښتل او منتقل کېدل دي او دوهم یې د اجتهاد روح مړه کېدل او جامد تقلید په دماغونو باندې حاکمېدل دي .

د اولې نیمګړتیا په هکله یې په ازالة الخفا کې په پوره تفصیل سره بحث کړی، د خلافت او پاچاهۍ اصولي او اصطلاحي فرق یې په دومره څرګند دول بیان کړی او پداسې دول یې داحادیثو دهغو تشریح کړې چې ... سره د محکیومو لسګونو په لیکنو کې یې مثال نشي پیداکېدای همدا رنګه یې د دې انقلاب نتائج پداسې توګه له پوره صراحت سره وړاندې کړي چې د لمړنیو په کتابونو کې یې مثال له نکاري. یوځای لیکي :

" د اسلام د ارکانو په اقامه کې لویه فتنه او فتور را منځ ته شوی ... د حضرت عثمان رضی الله عنه نه وروسته یو حاکم هم حج نه دی اداکړی خپل نائب به یې لیږلو پداسي حال کې چې د حج اقامت د خلافت د لوازمو نه ګڼل کېږي لکه څرنګه چې په تخت باندې کښېناستل، د پاچاهۍ تاج په سرکول او د لمړنو پاچاهانو په مخصوص ځایونو کې کښېناستل. د قیصر او کسرې لپاره د پاچاهۍ علامې وې همدا دول حج د خپل امارت دوران کې ترسره کول په اسلام کې د اسلامي خلافت علامه ده "

په یوه بل ځای کې لیکي :

"لمړی به وعظ او فتوی دواړه د خلیفه له رایه پورې موقوفه وی، د خلیفه نه پرته نه وعظ کېدای شوی او نه څوک د فتوی ورکولو مجاز و خو ددې اوښتون (انقلاب) نه وروسته وعظ او فتوی دواړه د خلیفه د نظارت نه آزاد شول نه یوازې دا بلکې وروسته خو د فتوی ورکولو لپاره د ما لحو خلکو د مشوري قید هم پاتې نشو"

یو بل ځای فرمایي :

" ددې خلکو حکومت هم د مجوسو د حکومت په څېر دی توپیر یوازې دومره دی چې ذا لمونځ اداکوي او د شهادت کلمه په ژبه وایي، موږ ددې تفسیر او تجول په لمن کې پیدا شوي یو، معلومه نده چې را تلونکې کې به خدای تعالی څه را ووینې "

باتې شوه دوهمه نیمګړتیا چې هغه د اجتهاد د روح مړکېدل او په دماغونو باندې د وچ تقلید حاکمېدل دي، پدې هکله شاه ولي الله رحمت الله علیه په ازالة الخفا، حجت الله البالغه، تفهیمات، مسوی او مصفی او نورو خپلو هر یوه تصنیف کې خپله غمګیني څرګنده کړې، په ازالة الخفا کې فرمایي :

د شام حکومت (اموي سلطنت) تر اخره پورې خپل ځان ته حنفي یا شافعي نه ویل بلکې ټول د خپل ځان د ائمه وو او ستادانو په طریقه شرعي دلائل استنباط کول، د عراق دولت (د عباسي سلطنت) په زمانه کې هر یوه خپل نوم وتاکلو کیفیت داسي شوچې د خپل مذهب د لویانو و مشرانو نص به یې پیدا نکړ د کتاب او سنت په دلیل به یې فیصله نه کوله، همدا رنګه هغه اختلافي مسائل چې په هغه کې به کتاب او سنت څه ویلي وخو د تاویل احتمال به یې کوله هغه به یې په ځانګړي بنیاد ونو پرېښوده، کله چې د عربو حکومت پای ته ورسېده د ترکي حکومتونو مانه را غله او خلک ګنو هیوادونو

ته‌خپا رسول ته هرچا چي هرڅه د خپل فقهي مذهب نه زده‌کړي وهغه‌يي دځان لپاره اصل او بنسټ وګرځاوه، اول چي پسو څه دمذهب استنباط واوس پوهنيا دی سنت وګرځيدلو اود علم دا را ومدارې پدې شوچي دمسائلو دتخريج لپاسه مسائل تخريج کړي اودتفريع لپاسه تفريع وکړي ".

په مصفى کي ليکي :

زموږ دوخت سادهز ړی دا جتها دنه بيخي ګرزيدلي،
هيڅ خبرندی چي کومې خواته

تځي، دهغه‌کاروبارتول په‌نوروپوري ترلی دی، دا سخاره پدي امورو باندی دپوهيدلو هيڅ مسئوليت او مکلفيت نه احساسوي

شاه صاحب دحجت په اوم مبحث اوهمدارنګه په انصاف کي ددی ناروغي مکمل تاريخ بيان کړی او هغه نيمګرتيا - وي يي په ګوته کړي چي لدی کبله پيدا کيږي .

شاه ولي الله رحمت الله عليه د تاريخي تنقيدنه وروسته دخپل وخت حال باندی نظراچولي او دهغولو په‌نوم اختلاف پخانګړی توګه زيات نونه بيا نوي ،يو ځای په‌تفهيمات کی ليکي :

" داوصي (شاه ولي الله) پداسي وخت کي پيدا شوی چي د خلکوتر منځ دری شيونه بيخي ګډ وډ شوي :

١ ـ استدلال کول، چي دا ديونانی علومو درا ګډيدلو په وجه را منځ ته شوی، خلک په‌کلامي مسائلو کي مصروف شوي دي ان تردی چي په عقائدوکي داسي مسئله نشوه پاتي چي د استدلالي مناظروا ومباحثونه خالي وي .

٢ ـ دوجدا ن عبادت ، اودا دصوفيانو د مقبوليت اودهغوی دغلامي له کبله ده دهغوچي دختيځ نه ترلويديځ پوري يي خلک را محاصره کړي ان تردي چي دکتاب او سنت نه ددوی اقوال دخلکو په زړونو زيات مسلط شوي دهغوی رمزونو دومره اغيزه پيدا کړي چي څوک تری انکار وکړي يا څنګه خالي وي نه هغه قبليدای شي اونه دما لحو په دله کي حساب کيدای شي، يوخطيب هم داسي نه ليدل کيږي چي دمنبر په سر تقريري دصوفيه ودا شارا تونه پاک وي، پــــه درسي حلقوکي داسي نبودونکي يوه نه ليدل کيږي چي په‌خپل درس اوښودنه کي صوفيانه رنګ څرګندنکړی اوکنه نودحيوانا تو په قطار کي ګڼل کيږي اودا مرا وداسي مجلس به‌نوي چــي د صوفيه وودا شعاروا وا شاراتو پرته پای ته ورسيـږي .

٣ ـ طاعت اوعبادت ددی لپاره چي وويل شي چي دوی پــه اسلامي ملت کي شامل دي، يوه ناروغي داهم ده چي هرفرد په لوروا وژوروپه‌خپله را يه حرکت کوي، نه دمتشابها تو په هکله خپل عجزا ونا پوهي څرګندوي اونه پداسي بله مسئله کي چي دده دپوهي اولېد څخه لوړه وي ځان منع کوي،بلکي هلته هــم سره لدی چي په‌خپله نا پوهي باندی علم لري مداخله کوي، داحکامو په مفاهيمو ، معناګانوا واسرارو کي هريو دخپــل عقل سره سم خبری کوي او په‌څه چي دهغو مفاهيمو په هکله خپله دخپل عقل او پوهي په‌رڼا کي پوهيږي که هرڅومره غلط هــم وي دنوروسره مباحثوا ومنا ظروته هم چمتووي که‌څه هم نوري جګه وي ،دوهمه ناروغي داده چي په‌فقه‌کي دحنبلي اوشافعي او... سخت اختلافات ليدل کيږي اوهريو په‌خپله لاره‌کـی د سخت افراط نه‌کار اخلي اودنوروپه‌طريقه باندی نيوکي او اعتراضونه‌کوي پداسي حال کي چي هرمذهب زيات تخريجي مسائل لري اوحق دتولوتخريجاتو په منځ کي پټ شوی وي، ددي کتاب په يوه بله برخه‌کي ليکي :

زه هغودپيرزا منوته چي پرته‌دا ستحقاق درلودلونه دخپلو پلرونوا ونيکونو په‌ګدی ناست وي وايم چي :دا موڅه دلبازي پيل کړی ؟ دڅه لپاره هريو په‌خپله ځانګړی لارخوځيږي؟ او حرکت کوي اوولي هغه لاره تولو پری ايښي چي‌خدای جل جلاله حضرت محمدصلي‌الله‌عليه‌وسلم ته‌وربنودلي وه؟ تاسي هريو دځان څخه امام جوړکړی، دځان لورته‌خلک رابولي ، خپل ځان دهادی اومهدی په‌حيث پيژني پداسي‌حال کي چي تاسي اومنونکي مويوتر بله‌ضال اومضل ياست ،موږ به‌کله هـــم ددا سي خلکونه راضي نشوچي ددنيا دګټولپاره دخلکونه ژمني اوبيعتونه‌اخلي، يا ددی لپاره علم زده‌کوي څودنيوي‌غوضو نه وربا ندی ترلاسه‌کړي يا خلک ځانته‌رابولي اوپه هغــو باندی خپلې نفسي غوښتنې پوره‌کړي، دا دول کسان تـول لاره وهونکي غله‌دي، دجالان اوکذابان دي خپله‌هم غولـول شوي اونوروته هم فريب اودوکه‌ورکول غواړي ....

زه هغو پوهي غوښتونکوته‌چي ځانته په‌خپله علما وايــي داسي وايم‌چي : ای ناپوهانو! تاسي ديونانيانو پـــه علومو ، په‌صرف ، نحواو معانيوکي غرق ياست اوداســي فکرکوی چي دی ته‌علم وايي پداسي حال کي چي علم‌خو د خدای دمحکم کتاب آياتونه دي اوياهم هغه‌سنت دي چــي درسول الله‌صلي الله‌عليه‌وسلم نه ثابت شوي وي ...تاسي دلمرنوفقها وو په‌استحساني اوتفريعي مسائلوکي ډوب ـ ياست آيا تاسي نه پوهيږي چي امرا وفيصله يوازی هغه‌ده‌چي خدای جل جلاله اودهغه‌رسول صلي الله‌عليه‌وسلم‌فرما يلــی وي دتاسي نه دزياتو حال داسي دي‌چي ،درسول الله‌صلي‌الله عليه‌وسلم کوم حديث ورته‌رسيدلي وي هغه‌وړباندی عمــل نکوی اووايي ځما عمل په‌فلاني‌مذهب باندی د نه‌په‌حديــث باندی اوبيا داحيله‌وړاندی کوي چي :

" دحديث فهم اودهغه‌سره‌سم فيصله‌کول دحديث پوهــــاو کاملوخلکوکار دی،ا يا دا حديث به دسلفونه پټ ونوضرور بـــه داسي يودليل موجودوي چي سلفو پدی حديث باندی عمــل کول پری ايښي دي، پوه شي ! دا لسر ده‌دين لاره‌نده‌کـــه تاسي په‌خپل نبي ايمان راوړی وي نودهغه متابعت ستاسي وظيفه ده‌که‌هغه له مذهب سره‌سمون لري اوکنه‌تاسي به‌يي مطابعت کـــوی .

زه رياکارونصحيت کونکو، واعظانو، عابدانواوپه‌خانقاه کي ناستوکسانوته‌وايم‌چي: ای دزهدا وتقوی دعوه‌لرونکو! په‌هره‌کنده‌کي غوږي اوپرزي اوهروچ اولانده‌خوري،همدا تاسي خلکوته‌دبي اهميته موضوعاتوا وا باطيلولورته‌بلنه ورکړی، تاسي دخدای په‌خلکودژونددا شره‌تنګه‌کړی ده ،پــه داسي حال کي چي دپراخۍ لپاره تاسي مامورشوی واست نه دتنګۍ راوستلولپاره ،دمعلوم الحال له‌خدای نه عاشقانــو خبری دخلکو په‌وړاندی ږدی پداسي حال کي چي هغــــه د څرګندولونه بلکي دپټوساتلو وړ وه ..."

" زه‌حاکمانوته‌وايم ! تاسي دخدای نه نه‌ويريږي؟دفانی کيدونکوخوندونو په غوښتنه‌ئي غرق شوی ياست اوخپل‌رعيت موپداسي حال کي خوشي کړی چي ديوبل په‌جوړلو پوخت دي، په‌داګه‌شراب څښل کيږي اوتاسي يي نه منع کوی،دژنــا ، قمار اوشراب څښلوهدی جوړي شوي اوتاسي يي نه‌پوازي ـ مخنيوی نکوی بلکي مرسته‌يي کوی پدی لوی هيواد کي دديرو وختونوراهيسي څه‌شرعي حدندی‌جاري شوی، چي څونا توانـه اوضعيف په‌نظردرشی هغه‌نورهم زيبني اوڅوک چي قـوی

په نظر درشي هغه ته نوره هم دجرائمو موقع ورکوي، دخوراکونو خوندونه دښځو بازاوا داء دپوښاک او تعمیرونو بار یکۍ او .... شیونه دي چې تاسي پکې غرق شوي ئې کله هم خدای درپه یاد نشو ....."

هغو فوځي افرادو ته وایم چې تاسي خو خدای دجهاد د حق دکلمي دا علاء دشرک اودشرک دپلویانو دزور دماتولو لپاره ما مور کړي یاست ، خپله دنده موپری ایښې دا سانو سپرلۍ اودوسلي بنکارول موخپله دنده گرزولي اوس موزړه دجهاد له احساسه خالي شوي دي، دپیسو گټلو لپاره پوځیان شوي یاست او دا دنده موخپله کړې، بنگ او شراب ځښئ، پیری لندوئ او اوږده یریتونه موپری ایښي وي، د خدای په بندگانو ظلم زیاتی کوی او کله موهم دا فکر نه دی کړی چې پاکه دودې خوزی او که ناپاکه ؟ پاکه روزی گټئ او که ناپاکه ؟ په خدای سوگند یوه ورځ به له دنیا لاړشئ بیا به خدای درته وایي چې څه غوره عمل دي کړی دلته یې دځان لپاره دال وکرځوی " .

هغه دکسب او حرفي ښتنانو او عامو خلکو ته وایم چې دتاسي نه امانت او دیانت رخصت شوي دي، دخپل خدای دعبادت نه غافل شوي یاست ،له خدای سره شریک نیولوته تیار یاست ، دخدای نه پرته نورو ته قربانیانی کوی او د فلان او فلاني صاحب دقبرونو حج اداکوی، دا موترتولونا وړه افعال دي، دتاسي چې دچا دژوند بنیه بنه شي نو په خوراک ښاک او پوښاک باندې دومره مصرف کوی چې گټه یې دهغو کفایت نکوی او دخپل اهل او اولاد حق تلفي پکې راځي او بیا هغه په شراب ځښلو او . . . . خپل ژوند ،دنیا او آخرت زیانوئ ....."

بیا دعا مو مسلمانو ټولوگیو نو ته په خطاب کې وایم چې:
ای بني آدمه ؛ خپل اخلاق موخراب کړي، تنگ زړه توب در باندې مسلط شوی او شیطان مو محافظ گرزیدلی دنیا رینه په ژوند باندې ښځي احاطه کړي او نا رینه ښځه ذلیله گرزولي او حلال درته بې خونده شوي دي .

ای بني آدمه : دا سي فاسد رسمونه موخپل کړي چې دین بې متغیر کړی دمثال په دول په عاشوری کي راټولیږی او بې ځایه او باطل حرکتونه کوی، یوه دله دا ورځ دغم ورځ جوړوی ، آیا نه پوهیږی چې ټولي ورځې دخدای ورځې دي او ټول حوادث دخدای په مشیت را مینځته کیږی ؟ که حضرت حسین رضي الله عنه پدې ورځ شهیدکړای شوی نو بله کومه ورځ ده چې په هغې کي یو دخدای دوست نوی مړ شوی؟ څینې خلکو دا ورځ دلوبوا و ساتیری ورځ جوړه کړې وی، بیا دبرات په شپه دجاهلو قومونو په څیر تماشې کوی او دیوی دلې . خولادا خیال دی چې پدې شپه یکارده چې مړیو ته زیات خوراک وروا ستول شي، که تاسي رښتینې یاست دخپل دغه فکر په هکله یو دلیل څرگند کړي، دا سي دودونه موخپل کړي چې د تاسي ژوند ورنه تنگیږی دمثال په دول په ودونوکي زیات او بې ځایه مصرف، دطلاق منع گرځول، کونډه ښځه بندساتل او .... پدا سي دودونوخپل حال او خپل ژوند خرا ب وئ صالح لاربنودني مو پری ایښي پداسي حال کي چې دا غوره وه چې دادودونه مو پری ایښي وای او هغه لاره موخپله کړی ! وای چې په هغې کي اساني وای او تنگي بې نه درلودلای ، مرگ او غم مو اخترگرزولي لکه چې چا درباندې فرض گرځولي دي چې کله څوک مړشي نو دهغه خپلوان دی بنه خوار ړه په خلکو

وخوری ، تاسي دلمنځونونه غافل یاست ، ځینې په خپلو دندوکي دومره مصروف ئې چې دلمانځه لپاره وخت نشي پیدا کولای او ځینې په خپله خوښي او تفریح کي داسي غرق وی چې لمونځ یې په یا دنه ورځي، تاسي دزکوة دا داکولونه هم غافل یاست ، په تاسي کي داسي شتمن نشته چې دډیرو نیشتمنو کورونه ورسره پیوسته نوی، هغوته دخوړلو او ځښلو لپاره ورکړه هم کوی څودزکوة او عنادت ست پکښي نکوی ،درمضان روزي هم ضایع کوی او ددی روزه خوړلو لپاره رازرا زباني جوړوی ټول پدې هڅه کي یاست چې دسلاطینو او حکمرانانو په دفترونوکي ځانته کارولټوی او د خپل کار انحصار مو دهغو په دفترونو پوری راوستی.کله چې دهغو خزانې دتاسي دمصارفو لپاره کفایت ونه کړی او تشي شي نو هغه درعیت په تنگولو پیل وکړی او په هره بها نه خپل رعیت تنگوی ......"

شاه ولي الله رحمت الله علیه په التفهیمات الالهیه دوم ټوک ۴۵ مخکي فرمايي :
کوم خلک چې دحاجتونو دغوښتني لپاره اجمیر یا دسالار مسعود قبرونو ویا نورودی دول ځایونو ته ځي هغه دومره دلویې گناه مرتکب کیږي چې دقتل او زنا گناه دهغې نه وړه ده آخیر ددي او دخودساخته معبود انو په عبادت کي څه فرق دی؟ هو دا فرق شته چې دی خلکو ته موږ په څرگندونکوکي دکافرو یلو نه دېده کوو ځکه چې پدې موده کي په ځانگړی توگه دشارع نص وجودنلری خو په اصولي دول هرهغه څوک چې دکوم مړي په ژوندی منلو دهغو نه حاجتونه ترلاسه کول غواړي دهغه زړه په گناه کي مبتلادي" .

دا اقتباسات ډیرا وږده شول خولدي سره بې ځایه نده چې دتفهیمات ددوهم ټوک څوفقرې را نقل کړوا ود خلکو په وړاندې یې کیږدو :
نبوی صلي الله علیه وسلم حدیث فرمايي:" اخربه تباسي هم دلمړنیو امتونو لارخپله کړی او چیرته چې هغو پل ایښی تاسي به هم هلته پل کیږدی ان تردې چې که هغه دمرداري په گند کي ورگډشي نو تاسي به هم ور پسې یاست" صحابه ورضي الله عنهم ورنه پوښتنه وکړه دلومړنیو امتونو نه مویهودا ونصاري مراددي ؟؟؟ رسول الله صلي الله علیه وسلم ورته وفرمایل :نور نو حوک ؟ یعني هو هغه مو مرادد ي نو ر به مولا څوک مرادوي" دا حدیث بخاری او مسلم دوا ړو روایت کړی دی .

رښتیا خبره ده چې رسول الله صلي الله علیه وسلم ته زموږ دایمان ضعف معلوم شوی وا ودرک کړی یې وه چې دوی به "ارباب من دون الله" جوړوی او دیهودوا ونصارئ وو په شان به دخپلو اولیا وقبرونو ته سجده لگوی، موږ داسي خلک هم لیدلی چې دشارع په کلام کي تحریف کوی او دا قول رسول الله- صلي الله علیه وسلم ته منسوبوی چې: چې غوزه او نیک خلک دخدای لپاره دي، او گناه گار زما لپاره دي.دا داسي خبره ده لکه چې یهودوا یې من تمسنا النار الا یا ما معدوده" موږ به دوزخ ته لاړنشو او که لاړ هم شو نو دځو ورځو لپاره به ځو ،که رښتیا و پوښتو په هره دله کي ددین تحریف کول پراخ شوی ، صوفیه ووته که وکتل شي دهغو له ژبې نه داسي خبرې را وزي چې له کتاب او سنت سره هیڅ مطابقت نلری خصوصاً دتوحید مسئله کي ،او داسي معلومیږی چې هغه بالکل دشریعت پروا نلری، که فقها ووته نظر وکړشي دهغو په کتابونوکي داسي

خبری پیدا کیږی چې دماخذ له سره درک نوی، لکه دلس په لس کې مسئله یعنی داچې ترڅو پوری حوض لس لاسه اوږد او لس لاسه یې سور نوی دهغه اوبه ماء کثیره نه دی، یا دڅاګانو د پاکوالی مسئله، یا تیسی شمول، شعراء او د ـ ثروت او مال څښتنانو او همدارازنور عام خلک نو دهغو تحریفات په ترکومه ذکر کړو ؟ " .

ددی اقتباساتو نه لنډه غوندی اندازه لګیدای شی چې شاه ولی الله رحمت الله علیه دمسلمانانو داوس او تیرشوی وخت تر څه حده اندازه اخیستی ده او په څومره جامع طریقه یې په هغو باندی تنقید کړی .

ددی ډول تنقید لازمی نتیجه دا ده چې په ټولنه کې څومره صالح عناصر موجود وی، دچا په ضمیر او ایمان کې چې ژوند وجود ولری او دچا په زړه کې چې دښو او بدو تمیز موجود وی هغه دحالاتو خرابوالی ــــ سخت ځوروی، دهغو اسلامی حس داسی تیزیږی چې دشا وخوا جاهلی ژوند هره اغیزه هغه خوځوی دا متیاز توان یې داسی قوی کیږی چې د اسلام او جاهلیت خلطیت ډیر ښه تجزیه کولای شی، او ایمانی توان یې دومره بیداریږی چې دجاهلیت هره ذره چې په اسلام راګډه شوی وی د هغی دصلاح لپاره ناکراره وی، ددینه وروسته دمجدد لپاره دا ضروری وی چې په وړاندی یې دنوی تعمیری کار نقشه په ډاګه کړی ......

ددی اقتباساتو نه لنډه ...

څرګند ډول موجوده وی ترڅو د موجود حالت نه هغه حالت ته چې غواړی هغه ته یې بدل کړی خپل نظر واچولای شی او خپل ټول توان هغه لورته متوجه کړی ، دا تعمیری کار هم شاه ولی الله رحمت الله علیه په ډیره ښه توګه او پوره جامعیت سره سرته رسولی .

(نــــوربیــــا)

لیګونه . . . ځوابونه

کارکنان محترم مجله شفق ، سلامها و احترامات خودرا خدمت تان تقدیم میکنم، امیداست قبـــــول فرمایید .

برادران گرامی ، نمی دانم چه بنویسم، آنقدر درددل دارم که از عهدهٔ نوشتن وتنظیم کـــرد ن آن در قالب کلمات وجملات عاجزم ، من دریکی از کمپ های پشاورزندگی میکنم ، درین روزها که سرو صدای ظاهرشاه از را دیوهای غربی بلندشده نوکرهای شان درکمپ ها به حرکت آمده اند، ودرهرگوشه وکنار مجلس و محفلی برپا میکنند وپروپاگند مینمایند، یک چیزدیگری راکه من از جریان این زدوبندها دریافتم این بود، که بعضی دست هایی به شکل پنهانی در مورد بازگرداندن ظاهرشاه سخـــت، فعالیت مینماید این دست که از یکسو درحکومت موٴقت مجاهدین عضویت دارد، درشورای مشورتـــی اشتراک داشت درخفا هم شورای مشورتی را تخریب میکرد وحالاهم درضعیف نمودن حکومت سخت کار میکنند برای اینکه مردم دلسردشده از مرگ گریخته به تب راضی شوند رهبران پروسه بعداز شورای مشورتی دامادخودرا با یک هیئات برای تفاهم با رژیم کابل فرستادوحالاهم سفرهای تخریبی ای گاهی بــــه لندن وگاهی به واشنگتن مینماید، برادران لطفاً " دربی نقاب ساختن وشناساندن این توطئـــه و توطئه چینان اقدام نموده وفریضهٔ دینی خودرا بسر رسانید .

به این امیدشما را بخداوند بزرگ می سپارم .

برادرتان محمداسمعیل از پشـــاور

برادرگرامی امیداست صحت کامل داشته باشید ، نامهٔ تانرا عیناً " بچاپ رسانیدیم، ما دایم سعـــی میورزیم تا حقایق را به ملت مسلمان خودبرسانیم ، این فریضه ووظیفه ماست، امیداست نامهٔ شما را آنانیکه موردخطاب شما اند بخوانندواز خیانت تاریخی به ملت خود بپرهیزنـــد خداوند یارتان .

(اداره)

* * * * * * * * * * * * *

جدول

طرح از : عبدالرحمن " عدیل "

جدول شماره (۳)

عمودی :

۱ ـ کتاب هدایت .
۲ ـ سخاوتش معروف است ،بزرگ .
۳ ـ پهلوان ، دبل ، پسرش والی کوفه بود .
۴ ـ اسم ذاتش (الله) است ،معکوس آن ضد شنوا .
۵ ـ دریای عربی، عضوی دربدن ،طلا .
۶ ـ واین عربی، معکوسش این پښتو .
۷ ـ درحال موت ، نام ایالتی درچین .
۸ ـ تکراریک حرف ، (یم) رابیافزائیدبردبارمعنی میدهد
۹ ـ مردمتفرق ، تکه .
۱۰ـ دوستان ، بغض .
۱۱ـ مرض تباه‌کن .
۱۲ـ معکوس اش سایبان معنی میدهد، ریگ نرم .
۱۳ـ تخریب کردن پښتو .
۱۴ـ طفیلی .
۱۵ـ حرف ربط ، جاهل .
۱۶ ـ ازخاندان شیرینی .

آفقی :

۱ ـ از اسماء الله تعالی ، شریان .
۲ ـ گفت عربی، ضدکینه‌وعداوت ، خزندهٔ خطرناک .
۳ ـ معکوسش ضدخشک ، بحذف حرف اول نام رهبریک مملکت آسیایی .
۴ ـ مادرشهرها ، معکوس خوانده‌شودنام نوعی کاغذ میشود .
۵ ـ برادرم درعربی .
۶ ـ قسم .
۷ ـ روزی دهنده ، ساکن نیست ، یکی ازماه‌های قمری .
۸ ـ تک ، منسوب به‌بلخ ، ندادم پښتو .
۹ ـ جمع مبارزه ، جسم .
۱۰ ـ تردید، نام یک کشورامریکای شمالی .

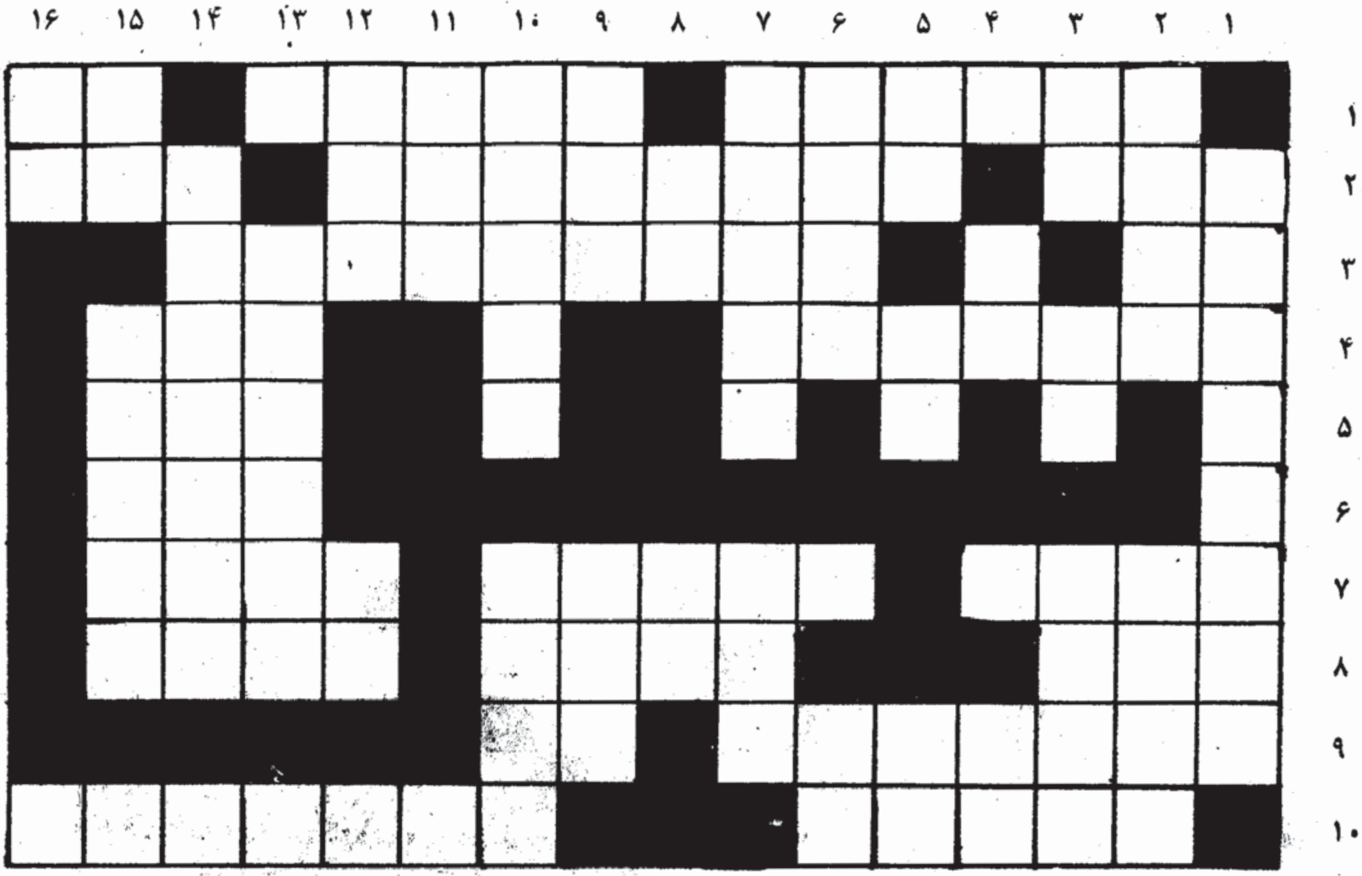

حل جدول شماره – (۲)

برادر محترم سید عنایت الله هاشمی!

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته .

جدول شماره (۲) راکه درشماره قبلی ما بچاپ رسیده بود، درست حل نموده اید، لطفاً به جدول حل شده که درین شماره بچاپ رسیده توجه فرمایید: از لطف وعلاقهٔ تان ممنون ، به امید همکاری های دوامدارتان .

حل کنندهٔ دیگر جدول شماره (۲) ، برادر عبدالله بوصفی الله، جدول را درست حل نموده اید به امید موفقیت های مزید تان .

برادر گرامی فیض الله خطاط مطبعه حزب اسلامی افغانستان ، حل جدول تان بما رسید، اشتباهاتی درآن نموده بودید، بطور نمونه ، شمارهٔ ۷ افقی ، ستون ۶ عمودی ... آرزوی ما اینست که درآینده نخستین حل کنندهٔ جدول ما باشید .

والسلام

برادر عزیز همایون متعلم صنف دوازدهم لیسه حضرت عمر فاروق (رض) واقع وارث آباد کاپی ایکه درآن جدول شمارهٔ ما را حل نموده بودید بدست ما رسید متاسفانه در ردیف (۱۱) افقی و (۱۰) و (۱۱) عمودی اشتباهاتی نموده بودید حل درست جدول درزیر خدمت تان تقدیم میگردد، به امید پیروزی تان دردرسها ودیگرامور زندگی

* برادریکه اینبار مستحق جایزهٔ شفق شناخته شدند، محترم سید عنایت الله هاشمی میباشند آنها میتوانند جایزهٔ خودرا از ادارهٔ مجله شفق اخذ نمایند .

(اداره)

۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
ن	ا	م	ل	س	م		د	ح	ا		خ	۱
ی	ر	و	ن	ا		د	ا	د		د	د	۲
ل	ا	ل	ب		د	ش	ر		ن	ه	ا	۳
و	م	ا		ک	ا	ت		م	ا	ر		۴
ف	ش		د	ر	م		ت	ن	م		ر	۵
ر		م	ا	م		م	ر	ا		ر	ب	۶
	ر	و	س		ر	ن	ه		ا	ب	و	۷
ز	د	ر		ب	ا	ش		ه	ش	ی	ر	۸
ا	م		ا	ع	د		ه	د	ن	ر		۹
غ		ن	ی	د		م	ر	ه	ا		ا	۱۰
	ر	ه	ن		ی	س	ا	د		ه	د	۱۱
س	ا	ن		ک	ه	ب	ت		ر	ا	ب	۱۲

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

بەرهروان دردمند قافلەنور !!

ذبیح الله "قریشی"

• اشر آه وفغان را در دل خرم نمی باشد
نه پیچدنالە درآن دل که کوه غم نمی باشد
" صایب (رح) "
!

یازده سال درخون تپیدن وبرخاستن وحرکت داشتن ، از شعله های ستم گذشتن ودرمیان پارچه های آهن وآتش وباروت غلتیدن ورا افتیدن ...

نونهالان سرزده بوستان عشق را دسته دسته چیدن و دردل خاک نهادن وبرمزارشان سرودفتح خواندن و نامه فراق سرودن !!

کوس رحیل نواختن وبداغ هجران سوختن وپی هاجر گرفتن ودرکویرستان هجرت هرزوزان تفنه لب خرگاه زدن ... وزوطن بریدن ... راه اسماعیل پیمودن وچون حسین جان باختن ، ناله زینب خواندن ....

دانه دانه اشک همچومروارید بیادیاران ازدسته رفته چکیدن ....

تلخ کامی ها را درصفحه مخملین دل کندن ... عشق شهادت را هرلحظه باسلول سلول وجودپروراندن ....

بارعظیم مشکلات را با تن نحیف برداشتن وباخمیده قامت کشیدن و ....

این همه را بزآن گزیدیم وبجان خریدیم تا بەساحل آسایش وآرامش رسیم ... حق تلفی ها ، جوروظلم وبیداد را از بنیاد برکنیم ،لوای آزادی وسربلندی وحریت و عدالت را برافراشته تا برسایه آن با عزت وشرف ووقار زندگی کنیم .

بازفرار نگیریم وبجلوگام نهیم ،ازعدل وانصاف بالاپر کشوده وبمقام ایثار خرگاه زنیم ودرکوی دوست (خداوند (ج) ماواگزنیم !!

این راه را برآن گزیدیم وبمدرسه "نور" صف بستیم تا زوایای تاریک حیات انسان را باردیگربه اساس رسالت ایکه بردوش داریم "نور"بخشیده وباخون خویش بەتقدیراستعمار واژه مرگ نبشته وبەرخ مستضعفان وآینده گان تاریخ خط نجات کشیم .

زنجیرستم بشکنیم وجنازه قیصروکسری وفرعون وابوجهل وابولهب های زمان ورمانه ها را برداشته ،لات ومنات وسومنات ها را باردیگرشکسته وبزباله دان تاریخ سپاریم ، وبرهمه حط بطلان زنیم ،تا اولادآدم از"لا "ببردوبه " الا الله "بپیونددکه جهان لبریزاز عشق ومحبت واخلاص آرامش واطمینان گردد !!

وبه هردرودیار وکوهسار ... سروش ملکوتی شریعت نبوی وخلافت الهی طنین افگنده ،زمزمه بداریم تا این کاروان منزل زده خونین کوهساران عشق که قافله سالارآن مرد مجاهدودردمندونا قرار وآشنا راه است بجای منتهی شود که خشنودی خالق خویش را حاصل داشته ودرخدمت مخلوقش قرارگیرد .

آری ، پس ای همسفر !!

ای مردکوه ودشت !!

ای سرسپرده بی نام ونان !!

که تو این کاروان منزل زده را زونیا زرا همراهی داشته ای ودرلابلای آتش وخون راه می زنی !!

توکه درقهردود وباروت ومجمرآتش شنا می کنی، سخنم با تواست، با توکه دردملت دردمندت را دوا وسرعدورا ازتن جدا می کنی .

آری ! روی سخنم با تواست، ای دلیرمردآزاده سنگرهای خونین جهاد !!!

وای حافظ ناموس وننگ ونام !!!

ای مجاهد !

ای برادر !

ای همرزم !

ای همسفر !

ای پاسدارخون شهید! ای سپاهی عزیزاسلام !!

وای کوکب درخشنده آسمان انسان !! ...

بیدارباش ! دشمنان درلباس مجاهدان درکمین اندکه بااستفاده ازفرصت درخفای شب کاروان را به بیراهه برندوثمره بیست ساله راه راکه یاران پاکبازتودرهرمنزل ازخط کاروان به بهای خون خویش حراست وپاسداری نموده چیده وبدامان استعمارریزند ...

توبیدارباش که تعدادی ازاین مجاهدنماها عبا وقبا بتن کرده خودرا بجای سالارکاروان جا می زنندتا قافله وقافله سالارومسیرقافله دشمنی ورزیده وتخم نفاق راکه ازسلف خویش عبدالله بن ابی بن سلول آموخته، درمیان رهروان قافله بپاشند .

پس توبیدارباش وآگاهانه ازپی این قافله راه زن که درمیان تووپیروزی فاصله چندبیش نیست که آن هم بستگی به تدبیرتووپاران تودارد، نشودخدای ناخواسته که با جزئی ترین غفلت من وتوپیروزی بدشمن شکسته خورده ومایوس گشته روآورد !!!

ومبادا توآری تو !!! این همه راه راکه منزل زده ورنج ها دیده ودردها کشیده ای بجای آب به سراب رسی ...

پس بیدارباش وآگاه راه زن ومستحکم گام بنه .

معرفی مختصرشهیدان راه حق

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

(ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله امواتا بل احياء ولكن لاتشعرون)

(صدق الله العظيم)

سوانح استادعبدالودود شهید :

این سردارشیدسپاه نهضت درسال ۱۳۲۰ درخانواده منوروجاهدپروزحاجی عبدالقدوس که به حق جایگاه ایمان وتقوی به حساب میرفت متولدشد . پدر مجاهدی که ازهمان روزهای اول آثار سعادت ونیک بختی را درسیمای درخشان فرزندگرامی اش مشاهده کرده بوددرتربیه وتزکیه اسلامی اش سعی مبلیغ بخرج داد .

درسن هفت سالگی درحالیکه به بخشی ازعلوم ابتدائی معارف اسلامی آشنائی کامل داشت شامل مکتب ابتدائیه "میرفضل الله" شد . دوره ابتدائیه را با موفقیت تمام سپری نموده ودربین مکتب ازجمله شاگردان مستعدوممتاز بشمار می آمد .

دردوران تعلیمات متوسطه نیزدرجمع شاگردان طرازاول مکتب بوده، همه استادان استعداد واخلاق حمیده اش را تحسین وتقدیرمی نمودند .

دراین زمان وی یکجا بافراگیری دزس مکتب به آموختن علوم متداوله اسلامی همت گماشت وازدرسهای حیاتی علمای منطقه شان مستفیدشد .

وازطرفی هم درآغوش مصفا ومهذب پدر مجاهدش درس ایمان وپایمردی آموخته با زیورحسنه وشمایل نیک اسلامی آراسته گردیده .

استادعبدالودودشهید با نه پایان رسانیدن دوره متوسطه شامل دارالمعلمین کابل گردید و ودرطول تحصیلاتش از بحث ها ومجالس حکیمانه داکترشهید بهره ورگشت وقتی به یمن ایمان وقربانی جمعی ازپاکمردان مجاهدتحریک اسلامی افغانستان تاسیس گردیداین فرزند برومنداسلام درجمله اولین کسانی بودکه ندای منادیان

پیشتاز تحریک را لبیک گفته به حلقه آنها پیوست.

درسال ۱۳۵۰ تحصیل را با تمام رسانیده بخاطر پیشبرد داعیه نجات بخش نهضت اسلامی بسوی ولایت بدخشان شتافت، ودرولسوالی کشم به صفت معلم مصروف کار گردید.

بعداز مدتی به کوشش او ابتدائیه ای درقریه بلوچ احداث شدوی مسئولیت آنرا بدوش داشت.

طی سالهای ۱۳۵۳ که دوران اوجگیری وخروشانی نهضت اسلامی افغانستان بود استاد عبدالودود دیگر دعوتگران مجاهد جون روانه گان دلباخته ای درپای شمع درخشان نهضت می سوختند وبه بسط وگسترش دعوت حیات بخش وزندگی ساز تحریک اسلامی مخلصانه تلاش می نمودند وی با تعداد دیگری از سپاهیان داعی نهضت که مربوط ولایت بدخشان بودند توانستند درمدت اندکی همهٔ افراد مؤمن ومسلمان این مرزبوم را بطرف مفوف نهضت هدایت وتنظیم نمایند.

معلم شهید استاد عبدالودود درقیام مسلحانه ۱۳۵۳ که افتخار رهبری وقیادت آن همه بدوش شخصیت خجسته نهضت داکتر محمد عمر شهید بود همپای با برادر مجاهدش اشتراک ورزید وقتی پدربزرگوار وبرادران مبارزش به دست نیروهای سفاک داودی اسیر شدند وی توانست خودش را از چنگ قوای امنیتی داود نجات داده ووجیبه دعوت وجهاد اسلامی را درسرزمینش ادامه دهد.

با به قدرت رسیدن حزب مزدورخلق استاد عبدالودود با اشتیاق وجوشی بیشتر به دعوت وتنظیم احاد مسلمان ولایت اش پرداخت بعداز چند ماه وظیفه محوله اش را ترک گفته زندگی وحیات اش را وقف پیشبرد آرمانهای الهی نهضت نمود.

بالاخره این مجاهد نستوه واین سپاهی نورموفق شد به همکاری وتعاون عده ای ازپاسداران متعهد نهضت جبهه مستحکم وپرقدرتی را درولسوالی کشم تاسیس کنند.

این قوماندان مکتبی وهدفمند جهت دریافت هدایات ودستورات ازمقام رهبری حزب اسلامی افغانستان درسال ۱۳۶۰ به همراهی گروهی ازبرادران مجاهدش وارد پشاور گردید.

وبعداز تفاهم با قیادت نهضت دوباره عازم جبهات مربوط اش شد. شهادتگه خونین را که به اثرمجاهدت های خالصانه استاد عبدالودود بنا یافته است به جبهه (شهادت) شهرت یافته است دراین شهادتگهٔ حماسه آفرین تا هنوز صدها شاهد وارسته ای جون استاد عبدالودود درسنگر های خونین آن قهرمانانه سرداده اند.

وازخون پاکشان دراین میعادگاه عشق ودراین گلخن آتشین جهادهزاران شقایق سرخ سرزده است.

رساورسا:

آموزگار شهید استاد عبدالودود طی هشت سال جهاد مقدسش علاوه ازرهبری جبههٔ (شهادت) قوماندانی عمومی مجاهدان کفرستیز حزب اسلامی افغانستان را در تمامی ولایت بدخشان بدوش داشتند.

استاد عبدالودود نظربه نبوغ ذاتی ایکه درامر رهبری وقیادت جهاد داشت پیروزه نیروهای مسلح روسی رابخاک ذلت و شکست مالیده وچنین پیروزی های چشمگیر بزرگی نصیبش گردیدکه تاریخ ملت ما به آن ها افتخار ومباهات خواهد کرد.

طی چندین نبرد قهرمانانه که به رهبری مستقیم وی صورت گرفته استاد به صدها میل سلاح خفیفه وده ها میل اسلحه ثقیله بدست مجاهدین جانباز حزب اسلامی افتاده است.

ضربات خورد کننده که این سپه سالار بزرگ نهضت به قوای روسی وارد آورده بود آنها را واداشت تا طرح خائنانه ای آماده نموده با پرداختن مبالغ بی شمار پول عده ای سیه دل وجنایتکار را مؤظف نمایند تا این قهرمان نامی جهاد را از پشت به خنجر بزنند.

همان بودکه جنایتکاران حرفه ای وکوردل که توان مقابله رویا رویی با این اسطوره مقاومت وجهاد را نداشتند روبه صفت به کمین گاه نشستند وبه روز ۲۰ حمل ۱۳۶۶ اورا درحالیکه در محراب که عشق وبندگی دربرابر خداوند عزوجل مراتب عبادت ونیاز بجا می آورد به شهادت رسانیدند.

انا لله وانا الیه راجعون

روحش شاد ویادش گرامی باد

زلمی شهید:

قلمه! ولیکه خو په ژړا ژړا، ولیکه! خو په توراوشین اورنگ نه، زما د زړه په سرو وینو دهغه شهید زلمی د شهادت په باب چی دحماسی ... سمی ... شهادت ... سکروسوکی خواښه شو

هو! دهغه زلمی په باب ولیکه چی د زلمی خوښو. حو دجهاد په جذبه او دشهادت په هیله.

قلمه! زه درباندی شعر او مضمون نه لیکم، زه زما دزړه دسویوځړیکو او د پسخیدلی اوښکو ځوړلیو احساساتو ترجمانی وکړه.

قلمه! ستا په لاس تونکی اوراز درته زه خوالله تعالی قسم خوری، خوزه تا ته قسم درکوم چی زما دشا زلمیو شهیدانو په باب لیکلوکی په سست نه راځی، ولیکه! خدای سی چی دتاریخ لوستونکی یی زړینی کربنی او ادیبان د ادب مرغلین هار وبولی، چی دجهاد او شهادت ولولو لاید غورځنګونو راولی، داسی چی راتلونکی نسل دمجاهدینو پر میړانه او دشهیدانو پر شهامت او عظمت ویاړی او ورته لیوالنه کیږی.

قلمه! ولیکه! خدای سی نه چی لوستونکی یی دیوه شهید سوانح وبولی، نه!

داسې ولیکه چې هرتوری اوکلمه یې دیوه موٴمن او انقلابي ملت دشا زلمیو حماسه زیږونکی داستان وی اودښمن تری په راتلونکی کې داسې بوګن وخوری چې په خیال او تصورکې یې دیوه فاتح اوموٴمن زلمی دتوپک ږزی دمرګ له ترهې زړه او اندامونه په درزا اورپا راولي.

اوبیا نن خوماته دهغه زلمي شهید په باب لیکلولپاره په لاس کې نیولی یې چې هغه مجاهدو، مبارزو، دښوا وغوره اخلاقوخاوندو، دیارانو یارا ودخلاص مې ښتن اودمجلس مالګه و، هغه زلمي چې په ژوندانه کې یې دآرام اوسکون ځای سنګروا ودابدی آرام اوسکون ځای یې همسنګرشو، پخپله خوپه ابدی ژوندانه وویاړل شوخودبیروزږونه یې ددنیا له عارضي ژوندانه نه توره تبې کړل.

هو! شهید زلمي دخپل ژوندانه له دریمې برخې زیاته موده دحق په کفر ځپونکیو سنګرونو کې تیره کړه، لکه چې په ۱۳۳۹ هـ ش کال یې دننګرهار ولایت دسرخرود ولسوالي دمرحوم عبدالحکیم په دینداره کورني کې نیمګړې دنیا ته تشریف راوړ دطفولیت له دوری وروسته یې دحق سږندنی، حق نمانځنی اوحق

پالنې دزده کړې په خاطرتر ۱۹ کلنۍ پوری دنجم المدارس په میره زیږونکې مدرسه کې تیرکړل زموږ پرګران هیواد دسری سیلي دراتګیدوسره سم یې له حق نه ددفاع په خاطرلس کاله دجهاد په الهي سنګرونوکې تیرکړل، شهادت ته دلیوالتیا په جذبه به تل پردښمن دحمله کوونکیو مجاهدینو قوماندان و، ویاړلي ژوندیې دجهاد ومبارزی له ویاړلیو کارنامونه ډک دی، لکه چې دشهادت دنوماندژوندانه له ورځې رارسیدو یوه ورځ دمخه یې (۱۸) تنه الحادی مزدوران ژوندی نیولی وو، دهمدی ورځې په سبا ۱۳۶۸/۱/۱ له ملحد دښمن سره په مخامخ نښته کې دشهادت په ابدی ژوندانه سرلوړی شو.

روح یې ښاد اوونه یې تانده
انالله وانا الیه راجعون

شهیدعزیزالله "عزیزی"

برادرشهید عزیزالله ولدمولوی عبدالحفیظ درسال ۱۳۴۷ دریک خاندان متدین درقریه بادام دره ولسوالی نهرین ولایت بغلان دیده بجهان کشود وی اززمان طفولیت علاقمندی زیاد بعلوم شرعی داشت پس ازآنکه تجاوز بیشرمانه روسان بکشورعزیزما صورت گرفت راه دیارهجرت رادرپیش گرفت روزگار سخت هجرت وشرایط ضیق آن را باجبین گشاده پشت سرگذاشت.

وی اکثریت عمرش را دردعوت وجهاد وتقویه سنگرفکری وعقیدوی گذرانید. بالاخره بخاطربلندبردن سویه تعلیمی خودبه جامعه امام محمدشیبانی مصروف ادامه تحصیل شد چون علاقه فراوان به سنگرهای خونین جهاد داشت دریــن اواخر بخاطرآزادی شهرجلال آباد از چنگ کمونستان وحشی عازم سنگرگرم جهادگردید تااینکه بتاریخ ۱۰ حمل ۱۳۶۸ باخون خودمیدان هوائی جلال آباد را رنگین نموده وجام شهادت را مردانه بسرکشید.

انالله وانا الیه راجعون

شهیدمحمدعالم :

برادرمحمدعالم ولداخترمحمد مربوط قریه نوارد ولسوالی چمتال ولایت بلخ بیست وسه سال قبل ازامروزدرخانواده متدین دیده بجهان پرآشوب گشود. وی تطیمات خویش را تاصنف ششم ادامه داد بعداً بابمیان آمدن کمونست ها به اریکه قدرت، وهجوم روسهای وحشی،

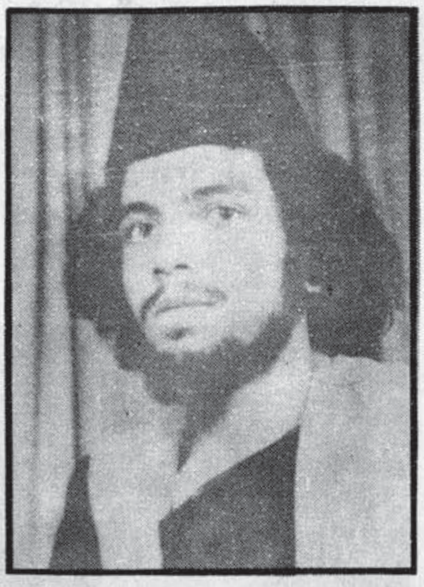

دست بجهاد مسلحانه زدازبدوانقلاب تادم شهادت لحظه ئی سلاح گرم پیکار را به زمین نگذاشت ده ها عملیات را در ولسوالی های چمتال چهاربولک و شولگره دربرابرمتجاوزین خداناشناس انجام داده واز خویش کارنامه های حماسی را به یادگار گذاشت اوهمیش در سنگرها خونین نبرددرخط مقدم جبهه قرارداشت بالاخره نامبرده حین تعرض واشغال کدک آسیاب گرگ با برادرخان محمدبتاریخ ۲۷ر۱۰ر۶۶ ساغر شهادت را برلب کشید وبسوی علیین خدا پرگشود.

انالله وانا الیه راجعون

شهیدآدینه محمد (مریدی)

شهیدآدینه محمد (مریدی) فرزند حاجی نیازمحمد درسال ۱۳۳۹ دریک خانواده متدین درولسوالی چهاربولک دیده بجهان گشود.

هنگامیکه کودتای نا میمــــون
شوربوقوع پیوست نامبرده متعلم صنف
یازده بوده مکتب را ترک وبه صف جهاد
پیوســـت .
سرانجام درثور ۱۳۶۳ دریک درگیــــری
شدید باروسهای وحشی جام شهـــادت
را نوشید .
انا للـه وانا الیـه راجعون

شهیدنعیم الله :
شهیدنعیم الله دجان محمدزوی د
کنړولایت ددرهٔ پیچ ولسوالی دبارکندی
دکلی اوسیدونکی چی پهیوه غریبـــه او
نیکه کورنی کی زیږیدلی لوموړنی زده
کړه یی تر۹ ټولگی پوری دبارکندی په
متوسطه کی ترسره کړپه ۱۳۵۱ کال دبار
کندی دمتوسطې څخه فارغ شونوبیا د

ـ شهیدمحمدنظیر :
شهیدمحمدنظیر دمحمدظریف زوی دکنړ
ولایت دکراړی دشهیدا نوپه کلی کـــی
زیږیدلی دغه ورورهم دکراړی دشهیدا
نوله یتیما نوڅخه یویتیم وٴ چی بیا ئی
په مسلحانه جهادکی فعاله ونډه واخسته
دڅوکاله مسلسل جهادڅخه وروستـــه د
۱۳۶۷ کال دحوت دمیاشتی په ۱۶ مه نیټه
دعبدالخیلو په سیمه کی کله چی ددښمـــن
توپ مجاهدینوسره نژدی ولگید نوموړ ی
ورورهم په شهادت ورسید .
انا للـه وانا الیه راجعون
شهیدعبدالمجید :
شهیدعبدالمجید دحاجی اریـــوب
ولسوالی دحسن خیلوا وسیدونکی نوموړی
ورورد کم عمرخاوند مگردکلک اوټینـــگ
ایمان لرونکی وٴ په سیمه اومنطقه کـــی

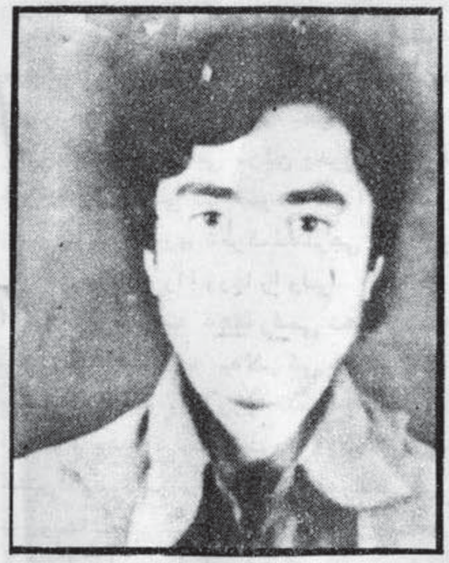

یی په نیک نوم شهرت درلوددڅوکاله وسله
وال جهادڅخه وروسته د ۱۳۶۷ کال دحمل
په ۱۵ مه نیټه دحاجی اریوب دچاونـــی
دعملیاتو په نتیجه کی په شهادت ورسید .
انا للـه وانا الیه راجعون
ـ شهیدمولوی عبدالاکبر " حنیـــف "
دمیرجان زوی دکنړ ولایت ددرهٔ پیــچ
ولسوالی اوسیدونکی په ۱۳۴۳ کال کـی
زیږیدلی اوپه ۱۳۵۰ کال دکوه باغ پـــه
ابتدایی ښوونځی کی شامل شودی لا د
اتم ټولگی شاگردوٴ چی په هجرت کولـــو
مجبورشودهجرت سره سم یی دتعلیـــم
القرآن په مدرسه کی په دینی تعلیـم
شروع وکړه اودرخصتی په ورځوکی به عملی
جهاد ته هم تلوکله یی چی په تعلیـــم
القرآن کی خپله زده کړه ترسره کړه دلویـی
دوری نوبت یی وٴ پدی وخت کی دخپلـــو

شهید صفت خان :
شهیدصفت خان دگل خان زوی دننگرهار
ولایت دچپرهار ددولت زا یودکلی اوسیدو-
نکی چی په یوه دین پاله کورنی کـــی
زیږیدلی دوړکوالی څخه یی په نیک نوم
شهرت درلودکله یی چی په وسله وال جهاد
لاس پوری کړنوروسا نوته یی زیات مالی
اوځانی تاوانونه واړول دخپل جهـــاد
زیات وخت یی دمولوی بازمحمـــد او
عبدالولی دقوماندی لاندی تیرکړ با لاخره
ددښمن سره په یوه مخامخ جگړه کی پـــه
شهادت ورسید .
انا للـه وانا الیه راجعـــون

مجاهدوورونوسره یوځای عبدالخیلوته ولاړدکامیابوعملیاتوترسره کولووروسته ۱۳۶۷ کال دحوت په ۲۶ مه نیټه د روسانودبمبارد مان پواسطه دڅوتنونورو مجاهدینوسره یوځای په شهادت ورسید .

انالله وانا الیه راجعون

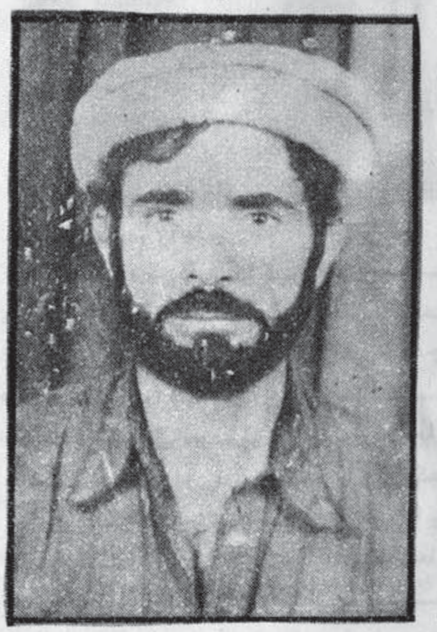

شهید شیرولی خان دمحمدولی خان زوی دکنړولایت دپیچ دری ولسوالی اوسیدونکی چی په یواسلام مینه کورنی کی زیږیدلی دشوردنا ولی کودتا وروسته یی په وسله وال جهاد لاس پوری کړ اوتل دهمسنگرومجاهدینوسره اوږه په اوږه ددښمن په مقابل کی جنگیده اودژوند تروروستی سلگی پوری ددښمن سره په میړانه وجنگید بالاخره د۱۳۶۷ کال دجدی په ۲۶ مه نیټه کله یی چی دبهسودود غره دخواجه عمربابا په پوسته باندی کامیاب عملیات ترسره کړل پدی وخت کی ددښمن دیوماین دچاودنی په ذریعه په شهادت ورسید .

انالله وانا الیه راجعون

ـ شهید قیام الدین :

شهیدقیام الدین فرزندغلام محی الدین درسال ۱۳۴۹ درولسوالی محمدآغه ولایت لوگردریک خانواده متدین ودین دوست چشم به جهان کشود . ودرسال ۱۳۵۶ ـ شامل مدرسه دینی محل مربوط خویش گردیدوعلوم دینی را درآنجا آموخت بعداً شامل مکتب ابتدایی کتب خیل گردید وتا صنف شش تعلیم خودرا درین مکتب ادامه داد باروی کارآمدن رژیم ملحد درافغانستان دست به جهاد مسلحانه زد ودرعملیات های زیادی اشتراک نمود بالاخره دریک برخوردرویا رویی با دشمن زبون جام شهادت را نوشید .

انالله وانا الیه راجعون

شهید سید رحمن :

شهید سیدرحمن پسرمرحوم عبدالمناف ۲۳ قبل دریک خانواده متدین درولایت بامیان دیده بجهان پرآشوب گشود .

اوجوان پرشوروپرتحرک بوده درزمان که کمونیست های وحشی به اریکه تکیه زد بپاخاسته بجهاد علیه آنها آغاز نمود .

بالاخره بعدازفداکاری های زیاد دریک درگیری رویارویی باروسهای وحشی بتاریخ ۲۷ ر ۶ ر ۱۳۶۶ بابرادر بزرگش قوماندان ستوه خان یکجا شربت شهادت را می نوشد .

انالله وانا الیه راجعون

شهیدمحمدعاشور :

شهید برادرمحمدعاشورفرزندحاجی محمدنعیم که درقریه شکرخیل لوی ولسوالی گردیز ولایت پکتیا دریک فامیل مسلمان دیده بجهان گشوده بود بتاریخ ۱۸ ر۷ ر۵۸ ۱۳ درمنطقه فوجگان دراثربمباردمان وحشیانه روس های وحشی جام شهادت را بسرکشید روحش شاد یادش گرامی باد

ـ شهید فضل ربی" فایز" :

برادرشهیدفضل ربی فرزندغلام دستگیر درسال ۱۳۴۰ درقریه باکوخم ولسوالی کوهستان دریک خانواده متدین متولد گردید .

موصوف هنوزدوره تحصیلات خویش را در مکتب به پایان نرسانیده بود که فاجعه ننگین هفت ثوربوقوع پیوست بعداز مدتی به سنگرهای جهاد شتافت .

اودرعملیات ها ونا بودساختن پوستـــــه های امنیتی ولسوالی کوهستان نقـــش فعال داشت وچندین پوسته امنیتــــــی ولسوالی کوهستان با برادران همسنگرش تعدادکثیری ازخلقی وپرچمی راکشتـه و سلاح مختلف النوع به غنیمت گرفته است .

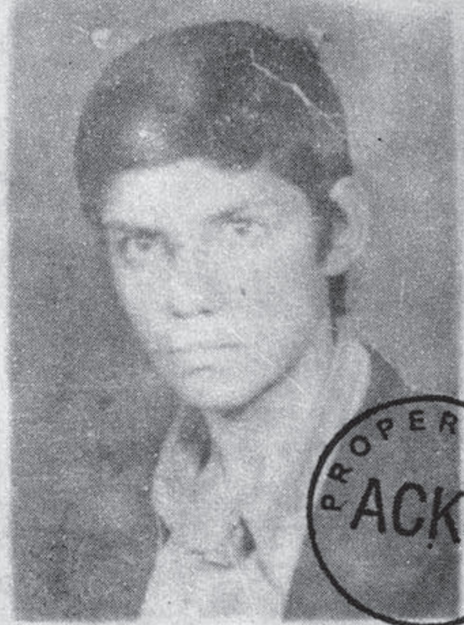

PROPERTY OF ACKU

۴۰- شهید محمدا کرام :

برادرشهید محمدا کرام فرزند محمدسرور درسال ۱۳۵۰ درولسوالی اندراب ولایت بغلان چشم به جهان گشود ،درسن هفـــت سالگی شامل مکتب ابتدائیه ولسوالی بنوشد بعدا زفراغت ازمکتب ابتدائیه ولسوالی مذکوردرسال ۱۳۶۲ شامـــــل پولی تخنیک کابل گردید وبعدا زیـــک سال تحصیل نظربه عشق وعلاقه کــه بـــه جهـــاد مقدس داشت ،شامل جبهـــــهٔ اندراب شد ، سرانجام دریک برخوردبا

ملیشه های دولتی بتاریخ ۹ اسدســال ۱۳۶۷ به عمر ۱۷ سالگی جام شهادت را سرکشید .

روحش شـــاد بـــاد

شهیدا عتبارخان :

شهیدا عتبارخان دمحمدیوسف زوی د پکتیا ولایت دزرمت دروحانی با باکلـــی اوسیدونکی دشوردکرغیرنی کودتاوروسته یی په جهادپیل وکړ اوپرخلی‌ئی دکفرپـــه خلاف په‌کرموا ودرنوعملیاتوکی ونـــډه اخستی څودروان کال دلړم دمیاشتـــی په ۱۳ نیټه دشهادت مقام ته ورسید .

اناللـه وانااللـه راجعـــــون

- شهیدا میرخان :

شهیدا میرخان دمرحوم ملاشرف‌الدین زوی دوردگوولایت دجغتوولسوالی دغا بنی

دکلی اوسیدونکی چی په‌یوه‌غریبه‌کورنی کی زیږیدلی نوموړی ورورډینی علـــوم دخپل پلاروڅخه زده‌کړی وودملحدینـــود قدرت ته‌رسیدوسره‌سم یی په‌وسله وال جهادلاس پوری کړ اوروسانوته‌یی زیـات دمال اوسرتاوانونه‌واړول بالاخـــره‌د روسانودشدیدبمباردمان پواسطه‌د ۱۳۶۰کال دثورپه ۳۰ مه‌نیټه‌دخپل ۱۴ کلن زوی - بلبل‌خان سره یوځای دشهادت لوړمقام ته‌ورسید .

اناللـه‌وانااللیه‌راجعـــون

- شهیدمرزاجان :

شهید مرزاجان دسیدا کبرزوی دځاځـــی اریوب ولسوالی دحسن خیلوپه‌یوه‌غریبه اودین دوسته‌کورنی کی زیږیدلی کله‌چی کمونستانوپه‌افغانستان کی سیاســـــی قدرت ترلاسه کړنوموړی ورورپه‌وسله‌وال جهادلاس پوری کړدخپل جهادپه‌اوږدوکـی یی روسانوته زیات مالی اوځانی تا- وانونه واړول بالاخره دخوکاله‌مسلحانه جهادڅخه وروسته‌د ۱۳۶۷ کال دحوت پـــه ۱۴ مه نیټه ددښمن دیومایـن دچاودنـــی له‌کبله په‌شهادت ورسید .

اناللـه‌وانااللیه‌راجعون
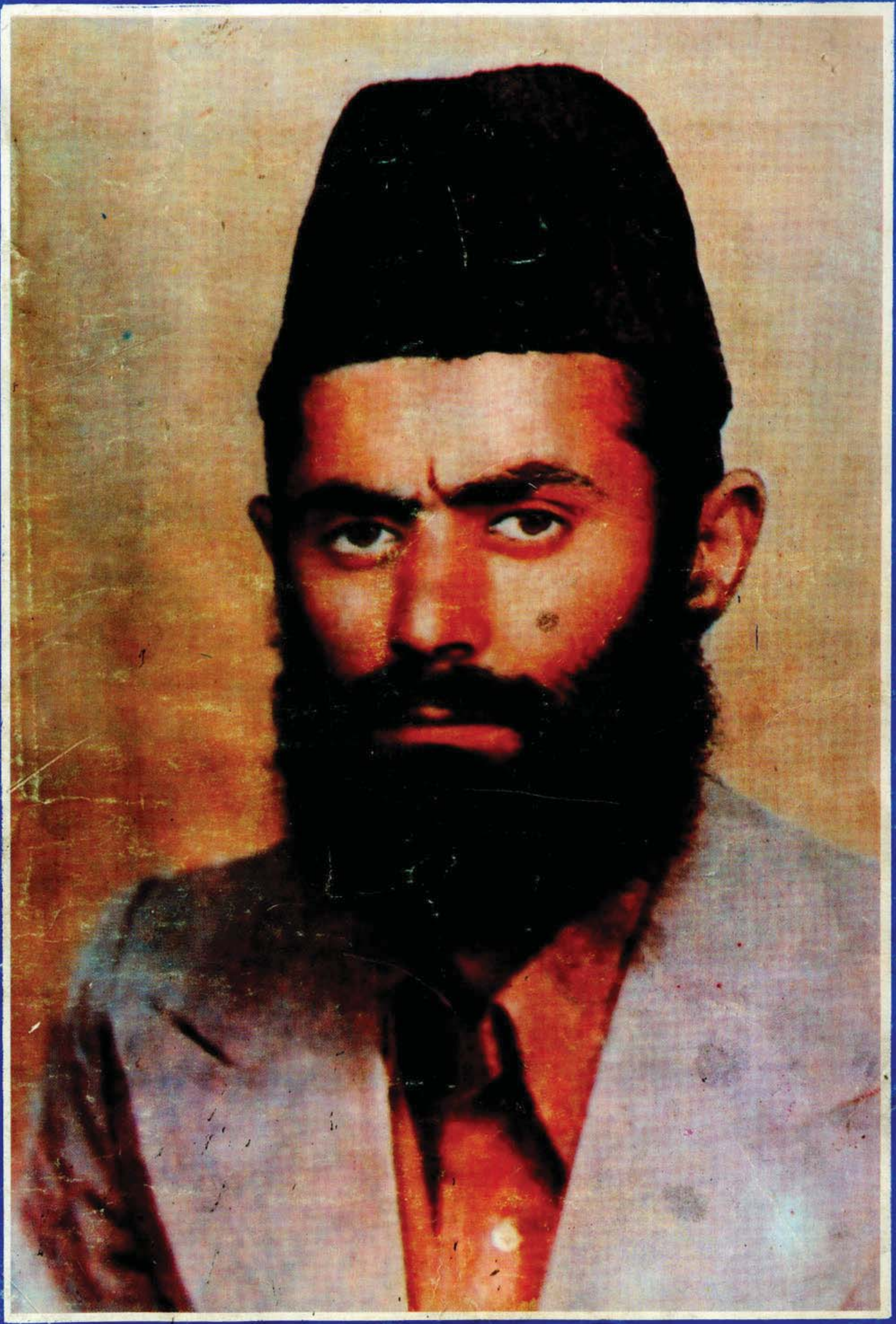
حالا موقعش اشت
بالا شو!